صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
سه‌شنبه | ۲۳ بهمن ۱۴۰۳
۱۲ صفحه
شماره ۳۹۸۷
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

چپ‌ها و میلیاردرهای آلمانی در رینگ

احزاب سوسیالیست اقتصاد اول اروپا به دنبال تصویب طرحی برای کاهش اموال ثروتمندان هستند صفحه ۰۵

شاهکار مرسدس با الهام از رنگ‌های طبیعت

نسخه‌ای نادر با عملکرد خارق‌العاده و طراحی منحصربه‌فرد صفحه ۰۶

جشن بزرگ چهل و شش

در راهپیمایی مردم تهران چه گذشت؟ صفحه ۰۲

پنج چالش بزرگ در صد روز دوم

دولت پزشکیان حالا با واقعیات صحنه سیاست و اقتصاد ایران بیش از پیش مواجه شده است

نگین باقری | آذرماه امسال، اولین بار پس از گذشت صد روز از دولت پزشکیان بود که کارنامه پزشکیان را مرور کردیم و از پنج چالش بزرگ پیش روی او گفتیم. از آن صد روز تا به امروز شرایط تغییرات فراوانی کرده و مطمئنا پزشکیان و طرفدارانش متوجه مشکلات بی پایان سر راه این حرکت شده‌اند. هزار راه نرفته مقابل مسعود پزشکیان قرار داشت که پنج تای آنها مهم‌تر از همه بود: کنکور، لایحه حجاب، فیلترینگ، تحریم و اف‌ای‌تی‌اف. حالا در اواخر بهمن ماه و در پایان ششمین ماه حضور دولت، شاید طرفدارانش به این نتیجه رسیده باشند که اگرچه به شکل ایجابی انتظارات رای‌دهنده‌ها برآورده نشده باشد اما در عرصه سلبی قدم‌هایی برداشته شده است. در واقع شاید مهم‌ترین حرکت دولت در چشم پشتیبانان و رای دهندگانش در اجرا نکردن و یا حداقل به تعویق انداختن لایحه حجاب بوده باشد. بیایید این ۵ چالش را مرور کنیم. ادامه در صفحه ۰۳

هیاهوی غیرمنتظره سیب‌زمینی

چرا یک خوراکی آنقدر مهم است که گران‌شدنش همپای دلار، سکه و طلا خبری می‌شود؟

فاطمه رجبی | باورکردنی نیست اما در بین خبرهای شوکه‌کننده از سرعت افزایش نرخ دلار، سکه و طلا، سیب‌زمینی هم توانسته طوری گران شود که نه‌تنها خودش را به صدر خبرها برساند بلکه دولت را با تمام‌قوا برای کاهش قیمتش بسیج کند. کار آنقدر بیخ پیدا کرده که وزیر جهاد کشاورزی گفته از سران قوا برای انجام اقدامات لازم در مسئله سیب‌زمینی مجوزهای لازم گرفته شده است.

این تویی سیب‌زمینی؟

توجه ویژه‌ای که در روزهای اخیر به سیب‌زمینی شده دو دلیل عمده دارد یکی اهمیت خود سیب‌زمینی در سبد خانوار ایرانی و دوم سرعت عجیب افزایش قیمت آن، یعنی گران‌شدن این محصول پایه‌ای مثل بقیه گرانی‌ها نبوده و در حالی که همین یک ماه پیش کیلویی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان فروخته می‌شده، این روزها حتی به قیمت ۱۰۰ هزار تومان هم در بعضی مناطق دیده شده است. از آنجایی که سیب‌زمینی خوراکی سنگینی است و هر چهار یا پنج تای آن نزدیک به یک کیلوگرم وزن دارد، خیلی از مردم بعد از خرید یک کیسه نه چندان پر سیب‌زمینی شوکه شدند. بعضی‌ها می‌گویند که پای صادرات در میان است و در حالی که امسال سال خیلی خوبی هم از نظر کشت سیب‌زمینی نبوده و بازار داخلی کاملا تامین نشده، صادرات آن نه تنها ادامه پیدا کرده بلکه بیشتر هم شده، به همین دلیل بازار داخلی کم آورده است. این موضوع را وزیر کشاورزی هم به طور ضمنی تایید کرده و گفته که یکی از راه‌های کنترل قیمت سیب‌زمینی این است که بگویند صادرات ممنوع خواهد بود اما قانون دست و پای دولت را در این مورد بسته است. البته همانطور که وزیر گفته سران قوا در موارد استثنایی اجازه‌هایی داده‌اند مثلا در مورد همین سیب‌زمینی؛ بنابراین وزیر نه‌تنها دلیل کمبود این محصول کلیدی را تایید کرده بلکه یک جورهایی هم تکلیف ادامه صادراتش را روشن کرده است.

چرا سیب‌زمینی اینقدر مهم است؟

برای خیلی‌ها باورکردنی نیست که سیب‌زمینی مخصوصا به شکل امروزی‌اش برای ما ایرانی‌ها خیلی قدیمی نیست. این خوراکی برای اولین‌بار در زمان فتحعلی‌شاه قاجار از طریق روسیه به سرزمین‌های شمال‌غربی ایران وارد شد. جالب اینکه مدتی بعد شاه و روشنفکران قاجاری اولین کسانی بودند که به اهمیت سیب‌زمینی به عنوان غذایی مکمل و کامل پی‌بردند. آنها می‌دانستند این گیاه در مواقع قحطی، غذای بسیار مناسبی به شمار می‌رود که می‌توان با آن از مرگ‌ومیرهای زیادی جلوگیری کرد. به همین دلیل، دولت قاجاریه سعی کرد کشت آن را توسعه بدهد تا در بحران‌های مختلف که گندم دچار کمبود و قحطی می‌شد بتوان با سیب‌زمینی به کمک سفره مردم آمد ولی از آنجایی که عامه مردم اطلاع دقیقی از نحوه کشت و مصرف این گیاه جدید نداشتند، دولتمردان قاجاری برای آگاهی دادن به مردم سعی کردند از طریق نوشتن مزایای سیب‌زمینی و نحوه کاشت، برداشت و مصرف آن، در روزنامه‌ها و کتاب‌ها، اطلاعاتی را در اختیار عموم مردم قرار دهند که در این مورد سندهای تاریخی بامزه‌ای هم وجود دارد.

خلاصه اینکه دستاوردهای پژوهش مشخص می‌کند که با حمایت ناصرالدین شاه از کاشت گیاه سیب‌زمینی و استقبال توده مردم از این غذای جدید، در عرض ۵۰ سال، سیب‌زمینی بعد از گندم، به عنوان مهم‌ترین منبع غذایی ایرانیان مورد استفاده قرار گرفت و حالا خیلی‌ها فکر می‌کنند سیب‌زمینی از اول بوده و اصلا آشپزخانه ایرانی بدون سیب‌زمینی قابل تصور نیست. در حال‌حاضر سیب‌زمینی در ایران به عنوان یکی از چهار تامین‌کننده اصلی کالری ایرانی‌هاست اما اینکه سیب‌زمینی یک خوراکی استراتژیک است دلایل دیگری هم دارد و آن سختی نگهداری آن نسبت به غلات است (آفات بیشتر، آبدار بودن غده، حجم زیاد) و بهتر است که بخش خوبی از این محصول در جغرافیایی نزدیک به محل مصرف تولید شود. به همین دلیل هم هست که فقط طی ۴۰ سال گذشته سطح زیرکشت سیب‌زمینی از ۵۷ به ۱۵۲ هزار هکتار افزایش و معادل ۱۶۸ درصد رشد داشته و در حال حاضر نزدیک به ۴۳ درصد از سطح کل تحت زراعت ایران را به خودش اختصاص داده است. از آن طرف خیلی هم راحت نمی‌شود به سطح زیر کشت سیب‌زمینی اضافه کرد؛ چراکه یک محصول با آب‌بری بالا است و با توجه به بحران آبی که اکثر نقاط ایران درگیر آن هستند نمی‌شود خیلی راحت برای تامین نیاز رو به افزایش سیب‌زمینی به افزایش سطح کشت رو آورد؛ پس باید کل فرآیند کاشت و نگهداری و فرآوری سیب‌زمینی را توسعه داد تا بهره‌وری از همان مقداری که زیر کشت است افزایش پیدا کند. نکته مهم دیگر در مورد سیب‌زمینی این است که هر خاکی برای کاشت سیب‌زمینی مناسب نیست. در حال حاضر استان همدان با تولید حدود ۲۴ درصد از کل تولید کشور، مقام اول تولید سیب‌زمینی در ایران را دارد. بد نیست بدانید که سیب‌زمینی های استان همدان به دلیل طعم و کیفیت مطلوب، شهرت جهانی دارند. سیب‌زمینی‌های استان همدان از انواع مختلفی هستند، اما سیب‌زمینی‌های نشاسته‌ای مانند سیب‌زمینی آگریا، سیب‌زمینی کایزر و سیب‌زمینی ساوالان از محبوبیت بیشتری برخوردارند. این سیب‌زمینی‌ها برای پخت‌وپزهایی مانند سرخ کردن، کباب کردن، و پوره‌کردن مناسب هستند.

علاوه بر استان همدان، استان‌های اردبیل، اصفهان، آذربایجان شرقی، کردستان و زنجان هم از تولیدکنندگان مهم سیب‌زمینی در ایران هستند. سیب‌زمینی‌های این استان‌ها نیز از کیفیت و طعم خوبی برخوردار هستند اما هرچه به سمت شرق حرکت کنیم اوضاع محصولات سیب‌زمینی خراب می‌شود. کمترین سرانه تولید سیب‌زمینی را استان سمنان دارد و شاید بتوان گفت که در این استان تقریبا سیب‌زمینی کشت نمی‌شود. در خراسان‌ها و سیستان و بلوچستان هم به صورت خیلی محدود و منطقه‌ای کاشت سیب‌زمینی وجود دارد.

فیلم باشکوه و مجادله عجیب

درباره اکتای براهنی، رضا براهنی، پرویز جاهد و ...ابراهیم گلستان!

با این‌همه تعریف و تمجید از سمت تماشاچیان «پیر پسر» به نظر می‌رسید که این روزها اکتای براهنی (کارگردان فیلم) باید خوشحال‌ترین فرد روی زمین باشد. شب ۱۹ بهمن‌ماه با بیرون آمدن هر دسته سه، چهار نفره از سالن سینمای برج میلاد به تعداد توییت‌ها و پست‌های اینستاگرامی و یادداشت‌های ستایش‌برانگیز به اثر این کارگردان اضافه می‌شد. درست وقتی که همه فکر می‌کردند بالاخره جانشینی برای اصغر فرهادی پیدا کردند، انتشار چند کامنت این شمایل را از آقای کارگردان خدشه‌دار کرد.

فیلم «پیر پسر» اکتای براهنی با پچ‌پچ‌های زیادی به بخش ویژه جشنواره فیلم فجر رسید. نام اکتای سه ساعت و ۱۶ دقیقه بعد از تنها نمایش جشنواره فجر، نه تنها از سد تردیدهای منتقدان و مخاطبان کاخ جشنواره گذشت بلکه آنقدر در فضای وب تکرار شد که جست‌وجوی نام او در گوگل به حالت انفجار درآمد. ۲۴ ساعت بعد از این عیش، بازی عوض شد. از آنجایی که پرویز جاهد، منتقد سینما در متنی حدودا ۲۰۰ کلمه‌ای در اینستاگرام خود نوشت که همان‌جا و همان شب در سالن همایش‌های برج میلاد به کارگردان توصیه کرده فیلم خود را کوتاه کند. بقیه متن اما در ستایش نحوه پرداختن به کاراکترها و شخصیت‌پردازی‌ها، میزانسن و جزئیات دیگر فیلم بود. اکتای با خواندن متن، سعی می‌کند روایت دیگری از آن شب ارائه دهد. او می‌گوید که در حالی که همه سالن در حال تشویق و روبوسی با او بودند، پرویز جاهد با این نقد که «بابا بلنده خیلی؛ کوتاهش کن» به صورتش (اصطلاحا) پنجه کشیده است. از اینجا به بعد شبیه به یک فیلم جنایی، شاهدان یکی‌یکی از راه می‌رسند و از آن زاویه که ایستاده بودند ماجرا را روایت می‌کنند که چه دیده و چه شنیده‌اند. مثل همه یکی‌به‌دوهای اینستاگرامی بالاخره بعد از این‌همه کش‌وقوس بین کارگردان و منتقد، عصبانیت کم‌کم سر هر دو نفر را داغ و زبانشان را تند می‌کند و آنچه نباید اتفاق می‌افتد. پرویز جاهد نام پدر اکتای را می‌آورد و می‌گوید: «جالبه فرزند کسی که همه عمر در مقام یک منتقد به همه فحش داد و حمله کرد این‌گونه برابر یک حرف انتقادی کوچک برآشفته شود و گریه‌اش بگیرد.» این طعنه «گریه‌اش بگیرد» اکتای را عصبانی کرد و باعث شد آقای کارگردان اینطور جواب دهد: «شما یک موی گندیده جنازه اون مرد نیستین. خودتونو زیاد بالا نبرین. فعلا که سیل تمجید فیلم رو با گریه اشتباه گرفتید. تا بعد.»

پایان مجادله؟ ابدا

این «تا بعد» به معنای پایان مجادله نبود. جاهد او را دوباره متهم به بی‌جنبه و مستبد بودن می‌کند و برای اکتای می‌نویسد که «چه ایگوی متورمی داری» و «لوس و نر هستی». از اینجا به بعد آن‌همه لبخند با ادامه مجادله روی صورت‌ها ماسید. اکتای خطاب به منتقد نوشت: «...سرت رو کردی مثل کبک توی برف که چشمت موفقیت‌ها و بزرگی‌های فیلم رو نبینه. تو فرزند کی هستی؟ نقد جا دارد. هی میری کامنت فحش می‌دهی. چهارتا نیمرو برای گلستان درست کردی و یک دکمه ضبط صوت فشار دادی بعد خودتو با پدر من مقایسه می‌کنی؟ من دست منتقدان را می‌بوسم و لمپن‌ها را هم سر جایشان می‌نشانم.»

ماجرای اشاره به اسم ابراهیم گلستان از این قرار است که پرویز جاهد را به مصاحبه طولانی‌اش با ابراهیم گلستان می‌شناسند. آن زمان که جوانی محصل در انگلیس بوده و تصمیم می‌گیرد برای تز دانشگاهش با استرس و نگرانی زیادی به ابراهیم گلستان زنگ بزند و از او تقاضای مصاحبه کند. تا آن زمان هنوز ابراهیم گلستان با کسی مصاحبه نکرده بود. جاهد بعدها این مجموعه مصاحبه در تز دکترایش را تبدیل به کتاب و با نام «نوشتن با دوربین» سال ۱۳۸۴ منتشر می‌کند. کتابی که گویا با دردسرها و رفت و برگشت‌های زیادی بارها بازنویسی شده است. این گفت‌وگوی مفصل به عنوان یک مرجع اصلی برای شناخت شخصیت ابراهیم گلستان و البته ریشه‌های موج نو در سینمای ایران شناخته می‌شود. ولی همانطور که از خط به خط کتاب هم مشخص است، جاهد که آن زمان حدودا ۴۰ ساله بوده تلاش زیادی برای به پرسش کشیدن گلستان می‌کند و آنطور که منتقدان می‌گویند در موارد زیادی از پس زبان گزنده او برنمی‌آید. برگردیم به بیست و یکم بهمن ماه ۱۴۰۳؛ و مجادله پرویز و اکتای. بعد از این اشاره به ابراهیم گلستان، دوباره جاهد جواب داده است: «من فرزند یک کارگر شریف نساجی‌ام. تو فرزند کی هستی؟» اکتای جواب داد: «من فرزند همان هستم که تو هنوز جرأت نداری اسمش را بیاری کپک». جاهد جواب داد: «شبیه به کاراکتر فیلم خودت شدی. یک لمپن در پوست روشنفکر قلابی.» جواب اکتای این‌بار این بود: «...باز فحش دادی. یه نگاه به خودت در آینه کردی؟ بابا برو یه فکری به حال شب جمعه‌ت کن. خودت رو به منتقدها نبند. تو مثل فیلم میکس مهرجویی تا توالت دنبال آدم میای. بعد میگی نقد؟ بله من لمپن، خوب می‌نویسم مراقب خودت باش...»

از اینجا به بعد دیگر کشمکش ادامه پیدا نکرد اما کاربران شبکه‌های مجازی مانند افرادی که ساعت‌ها مشغول تماشای دعوای دو نفر در خیابان بودند، شروع به تحلیل این مناقشه کردند. مشاهده‌گرانی که ابتدا به خاطر تصمیم‌گیری مسئولان بابت پخش نکردن فیلم غصه می‌خوردند، حالا بابت آلوده شدن زبان سینماگران و روشنفکران به کلماتی که شایسته آنها نبوده سرخورده شده اند.

درباره اکتای و پرویز

اکتای براهنی، متولد سال ۱۳۵۳، ابتدا در ایران مشغول تحصیل در رشته مهندسی صنایع بود که این رشته را نیمه‌کاره رها کرد و برای ادامه تحصیل در رشته سینما به کانادا مهاجرت کرد. او بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه یورک تورنتو فیلم پل‌خواب را ساخت. آن زمان در جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۹۴ این فیلم به اکران درآمد و دو سال بعد هم به اکران عمومی رسید. در فیلم بلند بعد او همین مقدار هم خوش‌شانس نبود. سال ۱۴۰۰ پیرپسر را ساخت که امسال حتی اجازه حضور در بخش مسابقه جشنواره فجر را پیدا نکرد و فقط در یک سانس ویژه در سالن سینمای برج میلاد به نمایش درآمد. ادامه در صفحه ۰۳

پایان کابوس چوبه‌دار بعد از تصادف عمدی مرگبار

متهمی که پسرخاله همسرش را با ماشین زیر گرفته بود، بخشیده شد صفحه ۰۹ رابخوانید

اول جاده جواهر ده

قصه های گمشده-پاورقی روزهای فرد صفحه ۰۴

این هم جشنواره‌ای بود...

ماجرای اتاق‌های فکر و جوایز فرضی ما صفحه ۰۴

چهار حقیقت ترسناک درباره وام ۴۰۰ میلیونی

دو وام محبوب این روزها که آنقدرها هم سهل‌الوصول نیستند صفحه ۰۶ رابخوانید

وزن و زیبایی مهم است!

همه نکاتی که باید درباره تفاوت سکه‌های بانکی با غیربانکی بدانید صفحه ۰۷ رابخوانید

ستون سه‌شنبه
فریدون صدیقی

مثل سکوت، کنار زندگی نشسته است!

مثل سایه شکسته شاخه‌ای می‌ماند که در شورش باد کژ و مژ می‌شود اما ماسک دارد. شانزده هفده سال دارد و شکل غریبي از معلولیت است.

اینجا حوالي یک مجتمع معلولین درخیاباني نازک و کوتاه است که آهسته اما مشتاق به خیابان چاق‌تري در منطقه شهرک غرب مي‌رسد، من قرار است کمي بیشتر پیش بروم تا برسم به سوپر محل و چیزهایی بخرم، پس آن سایه شکسته را که منتظر مانده است جا می‌گذارم. از دور کسی را می‌بینم که مثل همیشه، مثل سکوت کنار زندگی نشسته است در جایی به اندازه چند وجب و بیشتر، جنب دری رو به حیاط و حیاط در تسخیر سوپرمارکت در محله‌ای که برخي ازخریداران دلواپس قیمت نیستند. بساط بانوی سکوت، چیزهایی از حداقل نیازهای زنانه مثل شانه، چند گل سر، چند ده دانه سنجاق‌قفلی، چند جوراب، دستکش دستباف و لیف و چیزهایی از همین قبیل و همه این‌ها یعنی اداره زندگی با چیزهایی که اگر دست در دست خریدار دهند شاید کاری از پیش ببرند، مثلاً لقمه‌نانی با خاکستر پنیری برای دهان‌های انتظار. ایام دورتر هر بار که سوپر می‌رفتم سربه‌زیر می‌شدم از شرم، چون دست خالی می‌رفتم و دست پر برمی‌گشتم و او همچنان سکوت بود. بعدها یاد گرفتم پیش از رفتن ابتدا چیزکی بخرم گرچه نیازی به آن نبود. این اتفاق وقتی افتاد که دیدم در نگاهش نسبت به آدم‌های دست‌پر هیچ غبطه و حسرتی ندارد، او غنی‌تر از همه بود از بس که قانع بود. او بیشتراز شصت سال دارد و سرپرست خانوار است. کمی آن سوتر، کمی این سوتربانویی پشت چراغ قرمز طولانی ویا این یکی در پیاده‌روهای سرگردانی، چیزهایی می‌فروشند تا رانندگان و رهگذران را به خریدن دعوت کنند که درحقیقت هیچ است!

بانوان سکوت و سرپرست خانوار همه جا هستند وبرخی از آنان التماس در نگاه عابران می‌ریزند. مثل این یکی که در ایستگاه مترو کرم ضدآفتاب می‌فروشد درحالی که مدت هاست آفتاب در انبوه ابر ودود وغبار گمشده است و دریغا برخی از بانوان سرپرست خانوار درتند باد حوادث روزگار ناجوانمرد درجوانی پیر می‌شوند بی آن که گذر عمر باخبر شود.

دنیای واقعی پرواز نمی‌کند
آن‌طور که رؤیاها پرواز می‌کنند
هیچ صدایی، هیچ زنگ دری
نمی‌تواند آن را بر هم بزند

راست این است در سال‌های دور و دیر که کار کمیاب نبود، نیازها معدود و قناعت بسیار بود. غیرت هم فراوان بود. کار، فقط مردانه بود. مرد خانه می‌ساخت و زن زندگی را پس خیابان جای کار زنانه نبود. پیاده‌روها مردانه بود. زن کار، معلم و یا پرستار بود.

حالا و امروز که وقتی نزدیک به نیمی از ازدواج‌ها به طلاق می‌رسد، وقتی بیش از بیست میلیون نفر در حاشیه شهرها با حاشیه‌های زندگی، زندگی می‌کنند معلوم است بیشتر زنان سرپرست خانوار پژمرده‌تر ازگلدان جامانده دراتاق تنهایي هستند!

این زن، مسافرکش است، او خود احترام و عزت است. آن هم در سنی که مادربزرگ است. و آن یکي جان نثار است در سوز و لرز زمستان بی‌ثمر و دربیمارستاني کمتر شناخته شده، جزو خدمه اورژانس است. پدرش خانه را ترک کرده و او سرپرست یک خانواده چهار نفري است. او همیشه نگران، دلواپس و ناامید از زندگی بی امید است! ادامه در صفحه ۰۳

یک صدا علیه ترامپ، از ایران

مقامات ایرانی در راهپیمایی ۲۲ بهمن برضد رئیس‌جمهور آمریکا مواضعی تند گرفتند

راهپیمایی روز ۲۲ بهمن امسال، در حالی برگزار شد که یادداشت ترامپ علیه ایران خشم راهپیمایان و مقامات ایرانی را برانگیخته بود. سخنان تند مسعود پزشکیان و وزیرخارجه ایران و همچنین سردار حاجی‌زاده علیه تصمیمات ترامپ و ادعاهای او مورد توجهات زیادی قرار گرفت.

لحن تند پزشکیان علیه ترامپ

مسعود پزشکیان از سخنرانان راهپیمایی روز ۲۲ بهمن بود. او در سخنرانی خود که بخشی از آن لحن بسیار تندی علیه ترامپ داشت، گفت ترامپ می‌گوید بیایید گفت‌وگو کنیم و همان لحظه یادداشت تمام توطئه‌های ممکن را علیه ایران امضا می‌کند. رئیس‌جمهور پیامی هم برای منطقه داشت و گفت درباره پیام این حضور برای جهانیان نیز، همسایگان ما باید بدانند که ما در فکر برادری، وحدت و انسجام با همه همسایگان هستیم و با دنیا نیز مشکل نداریم، این آمریکاست که رژیم صهیونیستی غاصب را اینجا گذاشته که دارد جنایت مرتکب می‌شود و آمریکا هم از او پشتیبانی می‌کند. اما آنچه در سخنرانی او بیش از همه مورد توجه قرار گرفت، مربوط به بخشی است که مسعود پزشکیان تاکید کرد ترامپ می‌گوید می‌خواهم مذاکره کنم و همزمان می‌خواهد تمام راه‌ها را به روی ایران ببندد؛ تو اگر اهل مذاکره بودی از این غلط‌ها نمی‌کردی. پزشکیان در ادامه توصیه‌های رهبر انقلاب در روزهای گذشته، توضیح داد هیچ‌وقت مقابل بیگانگان سر خم نخواهیم کرد.

خط‌ونشان عراقچی

عباس عراقچی که در مراسم ۲۲ بهمن شهر همدان شرکت کرده بود، رویکردی مشابه با رئیس‌جمهور و دیگر مقامات اتخاذ کرد. او که دیپلماتی باسابقه است، با بیان اینکه هیچ منطقی قبول نمی‌کند که زیر فشار و تهدید مذاکره کنیم، گفت اجازه نمی‌دهیم کسی اراده خود را بر ملت ایران تحمیل کند. سیدعباس عراقچی افزود؛ امروز با رئیس‌جمهوری در آمریکا مواجه هستیم که سیاست فشار حداکثری علیه ملت ایران در پیش گرفته است، در حالی که سندی را برای فشار به ایران امضاء و دستور آن را صادر می‌کند، همزمان برای فریبکاری حرف از مذاکره هم می‌زند، منظور این‌ها از مذاکره، مذاکره تسلیم است اما ملت ایران هیچ‌گاه زیر بار تسلیم نمی‌رود. او با طرح این سوال که برای چه زیر فشار مذاکره کنیم؟ گفت؛ چه منطق و چه لسان آزادی مذاکره در این شرایط و تحت‌فشار را قبول می‌کند؟ وزیرخارجه که مدتی قبل در مصاحبه با رسانه‌های خارجی تنها راه برای موافقت ایران با گفت‌وگو را اعتمادسازی از سوی ایالات‌متحده خوانده بود، با بیان اینکه چه دلیلی دارد دوباره به آمریکا اعتماد کنیم؟ افزود؛ آنها چه کار کردند که ایران دوباره وارد میز مذاکره شود، غیر از اینکه تهدید و فشار را بیشتر کردند؟ هیچ کشوری قبول نمی‌کند در این شرایط وارد مذاکره شود، آمریکا سابقه زیادی از بدعهدی دارد، به‌ویژه در جریان توافق هسته‌ای آن را شاهد بودیم.

سردار حاجی‌زاده؛ علیه زور

از دیگر مقاماتی که سخنانش در روز ۲۲ بهمن در جمع خبرنگارانی که از او سوال می‌پرسیدند، مورد توجه قرار گرفت، سردار حاجی‌زاده بود. سردار امیرعلی حاجی‌زاده در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: مردم ما ۴۶ سال است در مقابل تهاجم نظامی و امنیتی و در مقابل تحریم‌ها ایستاده‌اند. مردم ما چنین هستند و زورپذیر نیستند. مردم ما قدرتمند و توانمندند و کشور و نظام و رهبری را دوست دارند. فرمانده هوافضای سپاه پاسداران گفت: امروز جوانان و نوجوانان به بدانند پرچمدار اصلی هستند و باید حاضر باشند و دفاع کنند و در هر جایی که هستند، چه کار دولتی باشد چه غیردولتی، چه نظامی و چه غیرنظامی اجرا را مرکز اصلی نظام بدانند.

دونالد ترامپ با امضای یادداشت علیه ایران، فضای میان دو کشور را تحت تاثیر منفی قرار داد. حالا دیگر مشخص شده ایران به گفت‌وگوی غیرشرافتمندانه با ترامپ تن نخواهد داد و ترامپ هم بدون اینکه جاخالی بدهد، از فضای موجود برای دامن‌زدن به بحران استفاده می‌کند. در این میان بازار شایعات هم داغ است. روز دوشنبه برخی از رسانه‌ها و کانال‌های تلگرامی مدعی شدند که ترامپ در قبال رسیدن به یک توافق با ایران، دنبال واگذاری جزایر سه‌گانه ایرانی به امارات است. این ادعا که به نام وال‌استریت‌ژورنال مطرح شده بود، خیلی زود تکذیب شد اما اثر خود را گذاشت و مخاطبان را به‌شدت عصبانی کرد. البته در شرایطی که ترامپ بی‌محابا از خرید و فروش غزه و ادغام کانادا و امریکا حرف می‌زند، باور چنین موادی سخت نیست. همزمان کوروش احمدی، دیپلمات سابق ایران در نیویورک در شبکه‌اجتماعی ایکس به بخش دیگری از انتشار اطلاعات غلط پرداخته و نوشت: متاسفانه چند روزی است که موجی از اطلاعات غلط و بسیار غلط تا حد دروغ‌های شاخدار در ارتباط با دستورالعمل ترامپ در حال انتشار است. رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ یک یادداشت ریاست‌جمهوری امنیت ملی را امضا کرد که فشار حداکثری به بوی تجهیزی اسلامی ایران را احیا می‌کند، تمامی مسیرهای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را مسدود می‌سازد و با نفوذ مخرب ایران در خارج از کشور مقابله می‌کند. کوروش احمدی، دیپلمات سابق در ادامه توضیح داد: بحث در مورد اینکه مذاکره باید کرد یا نباید کرد، بحثی است علی‌حده و طبعا تصمیم در مورد آن باید توسط مقامات عالی‌رتبه گرفته شود.

اما حتی شاهد ارائه اطلاعات غلط از سوی مقامات عالی‌رتبه هم هستیم. احمدی تأکید کرد: متن دستورالعمل ترامپ به‌راحتی در اینترنت قابل دریافت و مطالعه هست. برعکس این ادعاها در این دستورالعمل فقط در دو مورد گفته شده که باید جلوی دسترسی ایران را گرفت و آن دو مورد عبارت‌اند از سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما. در ارتباط با «سلاح‌های نامتعارف و متعارف» و «توسعه گسترده برنامه موشکی» فقط از «مقابله» با آنها سخن رفته که بحث تازه‌ای نیست و ربطی هم به خلع سلاح ایران ندارد. مهم این است که این متن بین موشک‌های میان‌برد و کوتاه‌برد از یک‌طرف و موشک‌های قاره‌پیما از طرف دیگر تمایز قائل شده است. او اضافه کرد: در مورد «سلاح‌های نامتعارف و متعارف» نیز آمریکا همیشه ایران را در این رابطه تحت تحریم قرار داده بوده است و اتفاق جدیدی در این رابطه نیفتاده است و این هم ربطی به «خلع سلاح ایران» ندارد. البته شما بهتر از نویسنده این ۴۰۰ کلمه می‌دانید که ایران بارها اعلام کرده بر سر توانمندی‌های موشکی و نظامی خود، شوخی ندارد و حاضر به پذیرش هیچ محدودیتی با تهدید هیچ فردی از جمله ترامپ نیست. با همه اینها به‌نظر می‌رسد دقت روی خبرهایی که از واشنگتن بیرون می‌آید، می‌تواند دست‌کم از غبار آلوده بودن فضا کم کند.

درباره چند شایعه

آخرین خبر

بیروت؛ شهر بی‌پناه

مهسا مزدهی | از روزی که مشخص شد، دولت جدید بیروت ازاوف سلام‌رهبری خواهد کرد، لبنانی‌ها نفس راحتی کشیدند. از نظر آنها سلام، مردی بامطالعت و تحصیل کرده است که می‌تواند مهر پایان بر چندسنگی در کشور بزند. از چهره‌ای تقریبا فراجناحی، با سوابق فراوان بین‌المللی است که انتخابش باعث شد تا لبنانی‌ها تصور کنند عبور از بحران، بالاخره آغاز خواهد شد و زمانه سهم‌خواهی‌ها و قهرهای‌ها و دولت‌های فرسایشی به پایان رسیده. به‌نظر می‌رسد حتی تا آخر هفته گذشته، این ایده طرفداران فراوانی داشت. اما لبنانی‌ها آخر هفته گذشته کمی غافلگیر شدند. مورگان اورتگاس، نماینده ویژه ترامپ در خاورمیانه با سوابق امنیتی و سیاسی و رزومه‌ای عجیب، در سفر خود به بیروت و در کاخ بعبدا، محل اقامت رسمی رئیس‌جمهور لبنان و مشرف به بیروت گفت ما بر عدم مشارکت حزب‌الله در دولت جدید لبنان به شدت تاکید می‌کنیم. او در دیدار با میشل عون، به صورت غیررسمی تاکید کرد که حمایت از لبنان، کشوری که از نظر اقتصادی و سیاسی به‌شدت نیازمند کمک‌های خارجی است، تنها در صورتی انجام می‌گیرد که علاوه بر رفع فساد در لبنان، نفوذ حزب‌الله هم در امور این کشور پایان پیدا کند.

در لبنان، سهم‌خواهی‌های خارجی اتفاق حیرت‌انگیزی نیست. این کشور که در سال ۱۹۴۳ از فرانسه مستقل شده، همیشه با مسئله نفوذ خارجی دست‌وپنجه نرم کرده است. لبنانی‌ها هنوز فرانسوی را به‌خوبی حرف می‌زنند و دست به شبیه‌سازی سبک زندگی خود با پاریسی‌ها می‌زنند. عده‌ای دیگر از آنها با توجه به نفوذ سیاسی ریاض، موی سروصورت را شبیه سعودی‌ها درست می‌کنند.

دولت جدید و ویژگی‌های آن

با انحلال دولت نجیب میقاتی در لبنان، نواف سلام از سوی میشل عون، رئیس‌جمهور این کشور مسئول تشکیل کابینه شد. نواف سلام ۷۲ ساله، دیپلمات باسابقه که در حوزه حقوق بین‌الملل از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های جهان است و پیش از این قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری بوده، در حالی قدرت را در لبنان تحویل گرفت که تورم این کشور از ۳۰۰ درصد گذشته است. او که ۱۰ سال نماینده لبنان در سازمان ملل بوده و دوستی فراوانی با چهره‌های سیاسی بین‌المللی دارد، مدیریت یک کشور نیازمند به ترمیم را به دوش گرفته است که پول ویرو ندارد.

دولت جدید لبنان که شامل ۲۴ وزیر است، بر اساس سیستم برآمده از توافقنامه طایف تقسیم شده است. در این کابینه نزدیکان به سعد حریری با نام جنبش میهنی آزاد یا المستقبل پنج کرسی را در دست دارند که مهم‌ترین آنها وزارت اقتصاد است. البته وزارت اقتصاد به فردی شیعه از جنبش امل واگذار شده. در واقع جنبش امل به رهبری نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان، اجازه پیدا کرد تا چهار نماینده در دولت جدید لبنان داشته باشد. آنها علاوه بر وزارت اقتصاد، وزارت انرژی را هم تحویل خواهند گرفت. از میان پنج وزیر شیعه‌ای که انتخاب شده‌اند، جنبش امل دست بالا را در مقایسه با حزب‌الله داشته، هر چند که چهره‌ای نزدیک به حزب‌الله وزارت خارجه را در دست خواهد داشت. حزب‌الله قدرت وتو در کابینه را از دست داده است و در این موضوع امل هم آنها را همراهی می‌کند. در لبنان وتوی تصمیمات کابینه مستلزم رای دوم و سوم وزرا است. این درحالیست که حزب‌الله و جنبش امل ۹ رای لازم برای داشتن حق وتو را ندارند.

به‌نظر می‌رسد برای آمریکایی‌ها و حتی متحدانی مانند عربستان و... جنبش امل در مقایسه با حزب‌الله لبنان اولویت دارد. آنها ترجیح می‌دهند سهمیه شیعیان در دولت لبنان به‌دست جنبش امل باشد؛ تا نقش حزب‌الله کاهش پیدا کند. جنبش امل یکی از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی شیعی در لبنان است که در سال ۱۹۷۴ توسط امام موسی صدر تأسیس شده. این جنبش با هدف دفاع از حقوق شیعیان لبنان و مقابله با اشغال اسرائیل شکل گرفت. در حقیقت بخشی از جنبش امل، بعدها با جدایی از این گروه سیاسی، حزب‌الله را تشکیل داد و از آن پس دو گروه شیعی برفدرت در لبنان، به نقطه اشتراک سازنده‌ای با یکدیگر نرسیده‌اند.

مفسران معتقدند وضعیت در لبنان و بیو و امیدهایش به دهه ۹۰ میلادی شباهت دارد. دورانی که حزب‌الله لبنان هنوز نقش سیاسی در این کشور نداشت و بیروت ویران شده از جنگ، چشم به راه یک معجزه از طریق ائتلاف میان سیاستمداران با مذاهب و گرایشات سیاسی گوناگون بود. این ایده البته بیش از آنکه خوشبینانه باشد، بدبینانه است. چرا که شواهد نشان داده وضعیت اجتماعی و سیاسی در لبنان با وجود تغییرات در دسته‌بندی‌ها، در مقابل بهبود مقاومت فراوانی دارد.

۲۰۰ کلمه

گزارش روز

«انسانی‌ها» کمتر مهاجرت می‌کنند؟

بررسی سرنوشت رتبه‌های برتر کنکور ریاضی، تجربی و انسانی که پس از مهاجرت تحصیلی به کشور بازگشتند

از بین نفرات اول کنکور ریاضی دهه ۸۰، به طور کل فقط دو نفر در ایران مانده‌اند. آن‌هایی هم که از سال ۸۰ تا ۸۹ رتبه اول کنکور تجربی شده بودند، فقط سه نفر در ایران کار می‌کنند. از سه مدال‌آور المپیاد جهانی زیست‌شناسی سال ۸۰ هم، دو نفرشان بعد از ادامه تحصیل در خارج از کشور به ایران بازگشتند و همینجا به ادامه کار پرداختند. بسیاری از آن‌ها که دیگر در ایران نیستند، حالا در شرکت‌هایی مثل اپل، سامسونگ، مایکروسافت، وارنر بروز یا دانشگاه‌های آم‌ای‌تی و آکسفورد کار می‌کنند. این‌ها اطلاعاتی است که صفحه اینستاگرامی «نخبه‌ها کجان؟» منتشر کرده است. بررسی اطلاعاتی که این صفحه از آینده تحصیلی و شغلی نفرات برتر کنکور و المپیاد منتشر کرده، نشان می‌دهد از بین نفرات برتر رشته‌های تجربی، ریاضی و انسانی، انسانی‌ها بیشتر از بقیه در ایران مانده‌اند. همچنین نفرات برتر کنکور تجربی بیشتر از دانش‌آموزان رشته ریاضی، کار کردن در کشور خودشان را به مهاجرت دائم ترجیح داده‌اند. آن‌ها که در ایران مانده‌اند چه کسانی هستند و در حال حاضر چه می‌کنند؟

از بین رتبه‌های اول کنکور ریاضی سال‌های ۸۰ تا ۸۹، فقط امیرحسام صلواتی و مریم میرکمالی در ایران مانده‌اند. امیرحسام صلواتی حالا مدیر ارشد تکنولوژی شرکت اچ‌اوه است. او رتبه یک کنکور ریاضی سال ۸۱ بود و در دانشگاه شریف کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته‌های مهندسی الکترونیک و سیستم‌های ارتباطی گرفت. او برای مقطع دکترا به سوئیس رفت و در دانشگاه EPFL علوم کامپیوتر و داده خواند و سه سال پس از فارغ‌التحصیلی دوباره به ایران برگشت.

مریم میرکمالی در سال ۸۴ رتبه یک ریاضی بود و مهندسی الکترونیک دانشگاه شریف قبول شد. برای کارشناسی ارشد در همین دانشگاه ماند اما پس از سه سال به کانادا رفت و دوباره در رشته فیزیک، کارشناسی ارشد گرفت. در ادامه در همین دانشگاه تحصیلات خود را در رشته فیزیک کوانتوم تا دکترا ادامه داد. او سه سال در موقعیت پست دکترا ارشد تکنولوژی شرکت آچاره است. او رتبه یک کنکور ریاضی سال ۸۱ در همین دانشگاه ماند اما دو سال پیش به ایران بازگشت و حالا در دانشگاه شریف به عنوان هیات علمی و پژوهشگر محاسبات کوانتومی فعالیت می‌کند.

صفحه «نخبه‌ها کجان» همچنین اطلاعاتی درباره رتبه‌های برتر کنکور ریاضی سال ۹۱ منتشر کرده که نشان می‌دهد فقط رتبه اول این کنکور در ایران مانده است. محمد استاد محمدی از کارشناسی تا دکترا در دانشگاه شریف بوده و در حال حاضر در همین دانشگاه در پژوهش منتشر مصنوعی تحصیل و پژوهش می‌کند.

پزشک مشهور کرمانشاهی که در ایران ماند

از بین رتبه‌های اول کنکور تجربی دهه هشتاد، سعید خواهشی، زینب پیمانی و رستگار رحمانی در ایران هستند. سعید خواهشی رتبه یک کنکور سال ۸۳، تخصص چشم پزشکی خود را از دانشگاه تهران گرفته و حالا در دانشگاه کرمانشاه فعالیت می‌کند.

دو وکیل و یک اصلاح‌طلب

رتبه‌های اول تا سوم کنکور انسانی سال ۸۰، همه در حال حاضر در ایران زندگی می‌کنند. محمدرضا جلایی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب یکی از آن‌هاست. او بعد از کسب رتبه اول کنکور وارد دانشگاه تهران شد. البته برای کارشناسی ارشد به مدرسه ریاست بخش مولکولی را برعهده دارد. رستگار رحمانی در سال ۸۸ رتبه یک کنکور شد. او به خاطر داستان زندگی‌اش، یکی از معروف‌ترین جراحان مغز و اعصاب ایران است. همین امسال تصویری از او با لباس کردی به همراه پدر و مادرش منتشر شد و توجهات را بار دیگر به سمت خود جلب کرد. رستگار ابتدا یک بار در سال ۸۵ رتبه ۳۰ کنکور را ورد اما به خاطر سربازی نتوانست وارد دانشگاه شود. به همین خاطر بعد از سربازی در رشته تجربی شانس خود را امتحان کرد. دکتر رحمانی تخصص جراحی مغز و اعصاب خود را از دانشگاه تهران گرفت و حالا در زادگاه خود فعالیت می‌کند.

دو وکیل و یک اصلاح‌طلب

رتبه‌های اول تا سوم کنکور انسانی سال ۸۰، همه در حال حاضر در ایران زندگی می‌کنند. محمدرضا جلایی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب یکی از آن‌هاست. او بعد از کسب رتبه اول کنکور وارد دانشگاه تهران شد. البته برای کارشناسی ارشد به مدرسه ریاست بخش مولکولی را برعهده دارد. رستگار رحمانی در سال ۸۸ رتبه یک کنکور شد. او به خاطر داستان زندگی‌اش، یکی از معروف‌ترین جراحان مغز و اعصاب ایران است. همین امسال تصویری از او با لباس کردی به همراه پدر و مادرش منتشر شد و توجهات را بار دیگر به سمت خود جلب کرد. رستگار ابتدا یک بار در سال ۸۵ رتبه ۳۰ کنکور را ورد اما به خاطر سربازی نتوانست وارد دانشگاه شود. به همین خاطر بعد از سربازی در رشته تجربی شانس خود را امتحان کرد. دکتر رحمانی تخصص جراحی مغز و اعصاب خود را از دانشگاه تهران گرفت و حالا در زادگاه خود فعالیت می‌کند.

مهلاجواد پور

سرنوشت پنج چالش بزرگ در صدروز دوم

دولت پزشکیان حالا با واقعیات صحنه سیاست و اقتصاد ایران بیش از پیش مواجه شده است

نگین باقری | آذرماه امسال، اولین بار پس از گذشت صد روز از دولت پزشکیان بود که کارنامه پزشکیان را مرور کردیم و از پنج چالش بزرگ پیش روی او گفتیم. از آن صد روز تا به امروز شرایط تغییرات فراوانی کرده و مطمئنا پزشکیان و طرفدارانش متوجه مشکلات بی پایان سر راه این حرکت شده‌اند. هزار راه نرفته مقابل مسعود پزشکیان قرار داشت که پنج تای آنها مهم‌تر از همه بود: کنکور، لایحه حجاب، فیلترینگ، تحریم و ایفای تعاف. حالا در اواخر بهمن ماه و در پایان ششمین ماه حضور دولت، شاید طرفداران به این نتیجه رسیده باشند که اگرچه به شکل ایجابی انتظارات ای‌دهنده‌ها بر آورده نشده باشد اما در عرصه سلبی قدم‌هایی برداشته شده است. در واقع شاید مهم‌ترین حرکت دولت در چشم پشتیبانان و رای دهندگانش در اجرا نکردن و یا حداقل به تعویق انداختن لایحه حجاب باشد. بیایید این ۵ چالش را مرور کنیم:

بازنگری در لایحه حجاب

«فرار نبود برخورد کنند. پیگیری می‌کنیم که اذیت نکنند.» این اولین حرف مسعود پزشکیان در واکنش به گشت ارشاد بود که در نشست خبری به زبان آورد. انداختن چند تَرک روی لایحه‌ای که سال ۱۴۰۲ مجلس تصویب کرد و همراه کردن سران دو قوه دیگر در این زمینه، برای دولت اولین دستاورد محسوب می‌شد. در این مدت برخلاف گروه کوچکی در مجلس، روسای هر سه قوه بر تعویق اجرای لایحه حجاب تاکید داشتند. دولت هم از این حق خود استفاده کرد که امضای خود را پایین برگه ابلاغیه این مصوبه نگذارد. پاستور ابتدا راه بی‌توجهی را در پیش گرفت تا راه‌های جدید، دردسر تازه‌ای برای خودش نتراشد. اما بعد از استمرار انتقادهای گروه‌های منتسب به پایداری و البته ستاد امر به معروف، در نهایت معاون پارلمانی مسعود پزشکیان آذرماه گفت درخواست کردیم فعلاً این قانون ابلاغ نشود و در حال آماده کردن لایحه اصلاحی قانون عفاف و حجاب برای ارسال به مجلس هستیم.

رفع فیلترینگ: اولین جلسه پزشکیان در شورای‌عالی فضای مجازی انقدر مهم بود که از یک روز قبل بسیاری از رسانه‌ها خودشان را برای شنیدن یک خبر مهم آماده کرده بودند. بعد از ترشح دوپامین زیاد در آن بحبوحه، مغز ما جایزه‌ای که می‌خواست را نگرفت. جایزه اصلی این بود که حداقل اینستاگرام رفع فیلتر شود اما رئیس دولت در قدم اول نشان داد مبارزه با فیلترشکن نسبت به رفع فیلترینگ برایش در اولویت است. نوک پیکان انتقادها به سمت وزیر ارتباطات گرفته شد و کارزارها و حتی زمزمه‌هایی از تهدید به استیضاح وزیر و خب دولت فهمید که زمین بازی اینجا سفت است. اینجا بود که دولت راه میانبری را انتخاب کرد و به جای باز کردن قفل اینستاگرام، وانتساب و گوگل پلی رفع فیلتر شدند. خلاقیتی که هم طرفدارانش را راضی نکرد و هم ادبکال‌ها را خشمگین ساخت. یک بازی باخت‌باخت.

تغییرات کنکور: پزشکیان برای تغییرات کنکور فقط با شورای‌عالی انقلاب فرهنگی روبه‌رو بود که خود ریاست آن را بر عهده دارد. برای تغییر مصوبه آخر کنکور هم مجلس را پشت سر خود داشت و هم جامعه میلیونی کنکوری‌ها و خانواده‌هایشان را. اما فرد قدرتمند این شورا دبیر آن است. حجت‌الاسلام خسرو پناه که در اجرا نشان داده راه مذاکره باز است. بحث بر سر مصوبه‌ای بود که مرحوم رئیسی و خسروپناه سال پیش ابلاغ کرده بودند تا ضریب معدل نهایی را سال به سال افزایش و تاثیرگذاری کنکور را کم‌کم کاهش دهند. کنکوری‌ها بارها تجمع برگزار کردند و نامه نوشتند و پزشکیان هم در نشست خبری از آنها حمایت کرد. به نظر می‌آمد که کنکور برگ برنده پزشکیان است اما در جلسه آخر چه گذشت؟ اینطور که منابع «هفت صبح» گفته بودند دولت برخلاف آنچه گفته بود نتوانست پیشنهاد حذف امتحان نهایی پایه‌های دهم تا دوازدهم را حتی مطرح کند. روز جلسه با اصرارهای غلامعلی حداد عادل، علی لاریجانی و از همه مهم‌تر دبیر خانه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی فقط یک تغییر اتفاق افتاد: از هم اینکه ضریب معدل پایه دهم حذف شود و دیگر معدل این پایه تاثیری روی کنکور نداشته باشد. با اینکه نیت وزارت آموزش و پرورش و وزیر علوم این بود که کل این مصوبه تغییر کند اما میخ آنها گرد نرفت.

تصویب اف‌ای‌تی‌اف و کمرنگ کردن تحریم‌ها: گره چهارم و پنجم در هم تنیده هستند. مهرماه سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری از ارسال نامه درخواست بررسی مجدد پالرمو و CFT از سوی دولت به مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر داد. معنی این حرف این بود که رهبری مجوز داده مصوبه‌ای که یک سال درباره آن حرفی زده نشده برای بررسی دوباره به کمیسیون‌ها برگردد. آن زمان تصور این می‌رفت که شاید برداشتن تحریم‌ها موانع زیادی داشته باشد اما اف‌ای‌تی‌اف می‌تواند راحت‌تر به عنوان اولویت دولت قدم اول دولت پزشکیان در سیاست خارجی و اقتصادی قرار بگیرد. چرا که به نظر می‌رسید موانع ذهنی محافظه‌کاران برای رفع تحریم بیشتر از اف‌ای‌تی‌اف است و احتمالا دولت با مخالفت گسترده‌تری از سوی آنها روبه‌رو خواهد شد. بعد هم یک تیر بود و دو نشان چرا که دولت می‌توانست با فراهم کردن مقدمات پذیرفتن همه بندهای اف‌ای‌تی‌اف، با خیال آسوده‌تری پرونده مذاکره با غرب را دوباره باز کند. حالا ولی زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که روح حاکم بر مجمع تشخیص هنوز هم با تصویب لوایح پالرمو و cft در تضاد است. در این شکی نیست که از اعضای این مجمع سعید جلیلی، محمود نبویان، علی اکبر احمدیان (رئیس شورایعالی امنیت ملی)، مصطفی میرسلیم و عباس علی کدخدایی مخالف باشند. اما به نظر می‌رسد در روزهای پیش رو با فضاهای جدید آمریکا و بعد از اظهارات رهبری درباره عاقلانه نبودن مذاکرات با آمریکا، ممکن است نظر آن گروه از موافقان هم برگردد. آن هم به این دلیل که با وجود تحریم‌ها، پیوست به اف‌ای‌تی‌اف تفاوت خاصی در وضعیت ما ایجاد نمی‌کند.

مثلا مجید انصاری تاکید کرده بود مشکلی با تصویب سی‌اف‌تی و پالرمو و اصل FATA ندارد اما تصویب همه احکام اف‌ای‌تی‌اف، بدون برداشتن تحریم‌ها را راهگشا نمی‌داند. موضع علی لاریجانی این هم مشابه انصاری بوده: «اگر FATF را بپذیریم، بعید می‌دانم بانک‌های اروپایی با ما کار کنند چون مشکلشان تحریم است. ابتدا باید تحریم برداشته شود.»

ایده اصلی این است که اگر مذاکره‌ای برای رفع تحریم نباشد، چرا باید با تصویب دو کنوانسیون لوایح پالرمو و cft راه دور زدن تحریم‌ها را هم ببندیم.

محمدرضا باهنر هم که همین دو روز پیش در نشست خبری خود صریحا موافقت خود را با تصویب سی‌اف‌تی و پالرمو و اصل FATF تحریم‌ها حل نمی‌شود اما تفاوت اظهارات باهنر و دو نفر قبل این است که او می‌گوید عدم تصویب این دو مورد، بار سنگین‌تری بر روی تحریم‌هاست، چرا که حتی اگر برخی از کشورها بخواهند تحریم را دور بزنند، تحریم کننده‌ها سود می‌برند و کشورهایی که بخواهند با ما همکاری کنند دچار مشکل خواهند شد.

به این ترتیب مشخص است که پزشکیان نسبت به به آن صد روز ابتدایی با مشکلات بسیار سخت‌تری هم روبه‌رو است و بعید نیست بتواند در آن «راه های نرفته» بیشتر از قبل جلو برود اگر که مجبور به بازگشت نشود.

عکس یک

فیلم باشکوه و مجادله عجیب

درباره اکتای براهنی، رضا براهنی، پرویز جاهد و ...ابراهیم گلستان!

ادامه‌ازصفحه ۳

هنوز هم حرف و حدیث‌هایی وجود دارد که احتمالا مجوز اکران عمومی آن صادر نمی‌شود. او یک بار درباره خودش اینطور گفته است:

«من تقریبا هم‌دوره کاهانی بودم و زمانی که من درخواست پروانه ساخت دادم کاهانی فیلم اولش را ساخته بود و امروز کاهانی سینماگر معروفی شده و من همچنان به دنبال پروانه ساخت هستم. شاید اگر من پسر رضا براهنی نبودم راحت‌تر می‌توانستم فیلم بسازم. اوایل مسئولان ارشاد تصور می‌کردند که من می‌خواهم فیلمی بسازم و فقط آن را در جشنواره‌های خارجی نمایش دهم بعد که متوجه شدند من فیلم را برای داخل می‌سازم و می‌خواهم آن را اکران کنم، برخوردشان کمی بهتر شد.» بین پل‌خواب تا پیر پسر، او فیلم‌نامه «لتیان» و «عکسبوت» را هم نوشت. اکنای ۵۱ سال دارد و جاهد، ۶۷ سال. جاهد فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته سینما از دانشکده سینما و تئاتر تهران بوده و بعد از این در دانشگاه وست مینستر لندن درس خوانده است. کتابی که بالاترِ حرف از آن شد، محصول تحصیل در مقطع دکترای همین دانشگاه بود. جاهد به جز این کتاب دیگری هم با عنوان «از سینماتک پاریس تا کانون فیلم تهران» دارد که مصاحبه‌ای با فرخ غفاری در تحلیل و بررسی سینمای ایران است. ۱۲ کتاب دیگر هم باید برشمرد که در همین دسته تالیفات و ترجمه‌های او قرار می‌گیرد. به جز این چند فیلم مستند بلند و فیلم داستانی کوتاه هم ساخته است. بخش دیگر حوزه فعالیت او تدریس بوده که به شکل مدعو در دانشگاه‌های سوره، تهران، نوشهر، شیراز مشغول به کار بوده.

ستون سه‌شنبه

مثل سکوت، کنار زندگی نشسته است!

ادامه‌ازصفحه ۳

خانم خدمتگار پیرتر از عمر رفته است، چروکیده، مثل پرتقال کشک خورده در آبمیوه گیری است. درست مثل روزگار، مثل امروز، مثل دیروز، تاخورده ومحزون است مثل اغلب زنان سرپرست خانوار.

آمارها می‌گوید تعدادزنان سرپرست خانوار در ده سال اخیر شصت درصد نسبت به مردان افزایش داشته و جمعیت آنان اکنون به سه میلیون نفر می‌رسد یعنی دروروزگاری که زنان مردتر از مردان هستند، آنان سقف زندگی را با دستان نازک تر زنبیلوفری خود نگاه داشته‌اند و به همین دلیل حس احترام را نسبت به زندگی بانوان سرپرست خانوار در ما چند برابر می‌کنند، این را همه گل‌ها می‌دانند حتی مودی‌ترین بیماری‌های این روزگار هم می‌دانند.

خانم خدمتگار پیرتر از عمر رفته است، چروکیده، مثل پرتقال کشک خورده در آبمیوه گیری است. درست مثل روزگار، مثل امروز، مثل دیروز، تاخورده ومحزون است مثل اغلب زنان سرپرست خانوار.

آمارها می‌گوید تعدادزنان سرپرست خانوار در ده سال اخیر شصت درصد نسبت به مردان افزایش داشته و جمعیت آنان اکنون به سه میلیون نفر می‌رسد یعنی دروروزگاری که زنان مردتر از مردان هستند، آنان سقف زندگی را با دستان نازک تر زنبیلوفری خود نگاه داشته‌اند و به همین دلیل حس احترام را نسبت به زندگی بانوان سرپرست خانوار در ما چند برابر می‌کنند، این را همه گل‌ها می‌دانند حتی مودی‌ترین بیماری‌های این روزگار هم می‌دانند.

گالری

۷ مسعود پزشکیان در جمع نظامرکنندگان مراسم ۲۲ بهمن. عکس از امیرخلوصی، ایسنا.

۷ برای نخستین بار مانور ویژه پرواز هواپیماهای فوق سبک کشور با انجام حرکات نمایشی به مناسبت دهه فجر و پیروزی انقلاب عصر دیروز بر فراز چ میلاد تهران اجرا شد. این عملیات با همکاری شرکت‌های تخصصی سازمان هواپیمایی کشوری و برج میلاد با اجرای حرکات نمایشی و مانور ویژه که به نام‌های دراگون، آپوزیت، آپوزیت دراگون در سازمان هواپیمایی کشوری ثبت شده است، توسط جمعی از خلبان‌ها در آسمان تهران و بر فراز برج میلاد ثبت شد. عکس از مسعود شهرستانی، تسنیم.

۸ قاب خبرگزاری میزان از راهپیمایی ۲۲ بهمن در تهران. عکس از شیدا پوربوسف، میزان.

۸ در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن تهران. عکس‌ها از اصغر خمسه، ایرنا و امیر خلوصی، ایسنا.

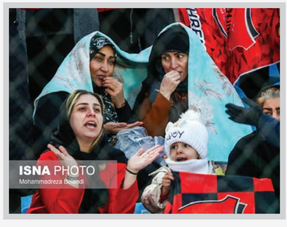

ساعد سهیلی و همسرش گلورا هاردی در فوتوکال فیلم «خدای جنگ» در روز آخر جشنواره فیلم فجر در برج میلاد. عکس از نگین همزاده، ایسنا.

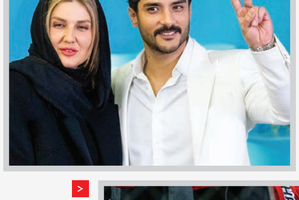

قابی از بدار پرسپولیس—گل گهر که روز شنبه در ورزشگاه شهدای شهر قدس برگزار و با نتیجه یک بر صفر به سود پرسپولیس پایان یافت.

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

روزنامه جمهوری اسلامی: می‌گویند رحمانی فضلی قرار است سفیر ایران در چین شود؛ وزنامه جمهوری اسلامی در مطلبی با عنوان «شایعه دخالت در انتصاب سفیر» نوشت: شایع شده که انتصاب رحمانی فضلی به عنوان «سفیر ایران در چین» با سفارش و فشار علی لاریجانی در حال انجام است. واکنش‌های منفی نسبت به خبر احتمال انتصاب عبدالرضا رحمانی فضلی به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین افزایش یافته است، ویژه آنکه شایع شده این انتصاب به سفارش و فشار علی لاریجانی در حال انجام است. شنیده‌ها حکایت از نادرست بودن دخالت علی لاریجانی در این انتصاب دارند هرچند هنوز خود وی در این زمینه اظهار نظری نکرده است.

**امام جمعه مشهد می‌گوید آمری

دستور زبان عشق

تا شرم هست، پرده بیگانگی به جاست
ما را شراب با تو مگر آشنا کند...

فیاض لاهیجی

پیامبر صلی الله علیه و آله

اَلطّیبُ یَشُدُّ القَلبَ

بوي خوش قلب را تقويت مي كند.

کافي ج۶، ص۵۱۰، ح۶

واگویه‌های انتظار

ز ذوق دیدن رویش به محشر
شب مردن نخواهد برد خوابم...

فیاض لاهیجی

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۲۹ | طلوع خورشید ۰۶:۵۵ | اذان ظهر ۱۲:۱۹ | غروب خورشید ۱۷:۴۲ | اذان مغرب ۱۸:۰۰

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۸۷ | سه‌شنبه | ۲۳ بهمن ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۱۵۶۶۷-۶۵۳۵۱
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

این هم جشنواره‌ای بود...

درباره اتاق‌های فکر و جوایز فرضی ما

این جشنواره می‌توانست یک اتفاق تاریخی در سابقه این رویداد بزرگ هنری پس از انقلاب باشد. متناسب با جهد و جهش دبیر محترم جشنواره و گروه بی‌همتایش. راهی برای نمایش توانایی‌های سینمای ایران در همه بازه‌های فکری و عقیدتی و هنری در زیر پرچم ایران بزرگ و در داخل چارچوب‌های قانونی. اما خب نشد. احتمالا تئوریسین‌هایی که در اتاق فکرهای بسته خود، در رویای مهندسی افکار عمومی و ایجاد آن توازن مورد علاقه خود هر سال تلاش‌هایشان را تکرار می‌کنند و امسال هم با تمام توانایی‌های رسانه‌ای خود به میدان آمده بودند. دوستانی که از نتیجه آنی ایده‌های خود مشعوف می‌شوند و از نتایج فاجعه بار طویل‌المدت این ایده‌ها، ککشان هم نمی‌گزد. جشنواره ۴۳ مطمئنا جشنواره خوبی بود که می‌توانست یک جشنواره خیره کننده باشد اما اتاق‌های فکر نگذاشتند.

به هرحال بیش از ده فیلم خوب و حتی بسیار خوب در این جشنواره به نمایش درآمدند. این که کدام فیلم‌ها تحسین شدند و کدام فیلم‌ها از دایره رقابت خارج شدند یک داستان فرعی دیگر است. در جشنواره خصوصی هفت صبح ما این فیلم‌ها را بهترین آثار جشنواره قلمداد می‌کنیم. به ترتیب: پیر پسر (اکتای براهنی)، رکسانا (پرویز شهبازی)، سون سوز (رضا جمالی)، فریاد (کامیار اردلان)، زیبا صدایم کن (رسول صدرعاملی)، بچه مردم (محمود کریمی)، بازی را بکش (محمد ابراهیم عزیزی)، رها (حسام فرهمند)، ترک عمیق (آرمان زرین کوب) اسفند (دانش اقباشاوی).

بهترین بازیگر زن: مهسا اکبرآبادی (رکسانا) با تقدیر از جولیت رضاعی (زیبا صدایم کن)، بهترین بازیگر مرد: حسن پورشیرازی (پیر پسر)، بهترین بازیگر نقش مکمل زن: لیندا کیانی (۱۹۶۸) با تقدیر از رویا افشار (اشک هور)، بهترین نقش مکمل مرد: پیمان قاسمخانی (گوزن‌های اتوبان) با تقدیر از محمد ولی زادگان (پیرپسر)

بهترین کارگردان: اکتای براهنی (پیرپسر) و با تقدیر از محمود کریمی (بچه مردم) و کامیار اردلان (فریاد)

بهترین فیلمنامه: محمود کریمی و فائزه یارمحمدی (بچه مردم) لادن شیرمرد و محمد ابراهیم عزیزی (بازی را بکش)

خب این انتخاب‌های ما بود. ربطی هم به جوایز جشنواره نداشت. جوایز جشنواره همزمان با نوشتن این مطلب کارش را شروع کرده بود و شاید نتایجش را در صفحه اول آوردیم.

جشنواره فجر روز آخر

گوزن‌های اتوبان:
خوش آب‌ورنگ و پر از چهره‌ها و بازیگران مشهور و صورت‌های برازنده و کلمات سخیف! گوزن‌های اتوبان تکلیف خودش را روشن کرده و می‌خواهد به عنوان یک فیلم اجتماعی پرفروش باشد. پس خانم شاکردوست و خانم اسپهبدی را در بهترین وضعیتشان به خدمت می‌گیرد و از پتانسیل نوید پورفرج (که یک روزی بالاخره باید استعداد بازیگری‌اش را رو کند) و کاریزمای پیمان قاسمخانی، بهترین استفاده ممکن را می‌برد. دستشان درد نکند اما همه اینها موجب نمی‌شود که با فیلم خوبی روبه‌رو باشیم. عجیب آنکه این ستاره‌های پرشمار برای پشتیبانی فیلم خودشان در نشست مطبوعاتی ظاهر نشدند.

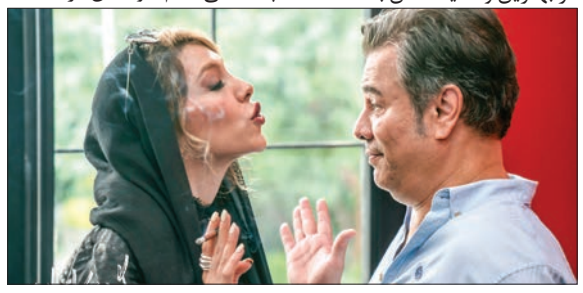

۳/۵ از ۱۰

خدای جنگ:
روایت الهام گرفته از زندگی حسن طهرانی مقدم، پدر موشکی ایران به اندازه کافی جذاب و تماشایی از آب درآمده که آن را یکی از آثار موفق جنگی این جشنواره بدانیم. مشخص است که سازندگان فیلم برای فرار از مشکلات حقوقی با بازماندگان سردار شهید، اسم شخصیت را به ابراهیم تغییر داده‌اند. فیلم اطلاعات بسیار جذابی درباره حضور یگان موشکی لیبی‌ها در دوره جنگ و تنشی که میان آنها با طهرانی مقدم پیش آمده بود در اختیار بیننده می‌گذارد. خدای جنگ، سعی کرده با تلفیق زندگی خصوصی و ملودرام یک قهرمان جنگ با شرایط خشن و سخت خط‌مقدم، ترکیب تماشاگرپسندی را برای مخاطبان فراهم کند که نسبتا هم موفق بوده.

۴/۵ از ۱۰

فریاد:
عجیب‌ترین و غیرمنتظره‌ترین فیلم جشنواره. داستان رقابت و توطئه و دسیسه و جنایت در پس‌زمینه رقابت دو مرغداری در فضای بیرون‌شهر. با لحنی یک‌دست و اتمسفری شوم و ترسناک. فیلمی دقیق در جزئیات و بازی‌ها وصحنه‌آرایی. فیلمی که قربانی سوژه عجیب شد و حرکتش در الگویی کاملا متفاوت از محیط سینمای ایران.

۶/۵ از ۱۰

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... من امروز به کشف بسیار مهمی نائل شدم. برای مسئولین که ذره‌ای اهمیت نداره، بنابراین برای شما میگم. اونم این که گرانی، از عوامل بسیار مهم زوال عقله. جدی میگم؟... بله کاملا. چرا؟ دلیلم چیه؟... عرض می کنم. امروز صبح همین‌طور که از قیمت دلار و سکه در شوک بودم و توانایی هضم این همه بلا رو نداشتم، از در خونه اومدم بیرون و به سمت منزل دوستم راه افتادم که سر کوچه یه آقایی یه آدرسی ازم پرسید.

اسم کوچه‌ای که می گفت خیلی آشنا بود:

- «والا... الان حضور ذهن ندارم. همین دور و براس. ولی اصلا یادم نمیاد کجاست.» / «مگه مال این محل نیستی؟» / «بله. ولی عجیبه. الان نمیدونم چرا یادم رفته. آخه از صبح تو فکرم که...»

زیر لب یه غری زد تو این مایه‌ها که ما هم گشتیم و گشتیم ببین از کی آدرس پرسیدیم و رفت. همونجور که داشتم فکر می کردم این کوچه‌ای که ازم پرسید، کجا بوده، راه افتادم سمت خونه دوستم. وارد کوچه‌شون که شدم، با همون آقا سینه به سینه شدم:

- «تو که گفتی آدرس رو نمیدونی...» / «بله. چطور؟» / «خب همین جاس دیگه.» / «اا... همین کوچه بود؟... میگم اسمش آشناس. باَور کنین حواس ندارم... داشتم به سکه و دلار فکر می کردم و...»

طرف که بین دو گزینه دیوانه بودن من یا سر کار گذاشتنش مردد بود، گفت:

- «خب حالا... میدونی پلاک ۱۴۷ کجاس؟»

چون خونه دوستم رو همینجوری به ظاهر حفظ بودم، نمی‌دونستم تا پلاک ۱۴۷ چقدر مونده.

- «نه والا... ببینین این پلاک یازده‌س... همینو می گیریم می‌ریم جلو. باید آخرای کوچه باشه.»

با یه نگاهی که یعنی: «نه بابا...» راه افتاد و من هم با فاصله دو سه قدمیش راه افتادم.

چون اصرار داشتم بگم که آدم خیلی خوبی هستم و قصدم فقط کمکه، پلاک‌ها رو با صدای بلند براش می‌گفتم: «این پلاک ۲۷... این پلاک ۳۱...اینم پلاک ۵۷...»

احتمالا گزینه دیوانه بودن من رو انتخاب کرده بود؛ چون هر از گاهی برمی‌گشت و نگاه می کرد و من هم پلاک‌ها رو براش مثل شماره خوان بانک می‌خوندم. همینجور به پلاک ۱۴۷ نزدیک می‌شدیم: «اینم ۱۴۵...این هم... اِ... خونه دوست منه که... پلاک خونه دوست من هم ۱۴۷ هست. چه جالب. نمیدونستم... اصلا حواس ندارم به خدا... آخه همه‌ش تو فکرم که...» / «آقا ولم کن دلت خوشه‌ها...»

از اون روزهایی بود که احساس می کردم دست‌ها و پاهام از حد معمول بلندتره.

تنها شانسی که آوردم این بود که ایشون با دوست من کار نداشتن و زنگ یک طبقه دیگر رو زدن.

با همدیگه سوار آسانسور شدیم. جسارت این که یک کلمه باهاش حرف بزنم نداشتم. ولی در یک لحظه، همه چیز عوض شد و نشون داد که چقدر آدم با گذشت و مهربونیه... بهم سلام کرد... یه خورده دیر بود البته... ولی می‌تونست شروع یک دوستی خوب باشه:

- «آقا سلام.» / «سلام از بنده‌س قربان. باز هم ببخشید که آدرس رو حفظ نبودم. آخه من همینجور چشمی بلدم و ... از صبحم تو فکر اینم که مگه...» / «خوبی؟... من رسیدم. نه بابا... بدبخت شدم تا آدرس رو پیدا کردم. یکی هم از صبح اول وقت گیرمون افتاده، دیدنی... الان هم داره با خودش حرف میزنه... حالا میگم برات... سوژه‌ای یه‌هاااا...»

بله... هندزفری تو گوشش بود و می‌خواست ماجرای من رو برای شخص دیگه‌ای تعریف کنه و کلی با هم تفریح کنن. همین رو در زندگی کم داشتم.از اونجایی که روز مرخصی مغزم بود، به طبقه پنجم که رسیدیم و درِ آسانسور باز شد، به طرف تعارف زدم: «بفرمایین...»

تشکر کرد. اصرار کردم که هر جور شده در خدمت باشیم، بلکه بتونم بهش ثابت کنم اونقدری که فکر میکنه، روان پریش نیستم.

- «ول کن آقا... من طبقه هفتم کار دارم.»

اینقدر تو آسانسور موندم و تعارف کردم که در، بسته شد و به اتفاق رفتیم طبقه هفتم. نمیدونم چرا، ولی من هم پیاده شدم. طرف در کارِ من مات مونده بود:

- «شما مگه طبقه پنجم کار نداشتین؟...» / «چرا... چیز... اومدم شما رو برسونم و از پله‌ها برگردم.»

اون لحظه فکر کردم این آخرین سوتی روزم بود؛ ولی اشتباه می کردم.

تو راهِ برگشت به منزل، یه آقایی از روبه‌رو میومد و برام دست تکون میداد.هر چی دقت کردم نشناختمش. ولی ادب حکم می کرد که عکس‌العملی نشون بدم. با لبخند براش دست تکون دادم. همینجور که به هم نزدیک می‌شدیم، احساس کردم یک نفر هم پشت سرمه. یه خانمی بود و با همسرشون که روبه‌روی من بود، احوالپرسی می کردند. خواستم از همین جا اعلام کنم که باور بفرمایین گرونی‌ها منو این شکلی کرده.

قصه های گمشده ۱۱۸ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

اول جاده جواهر ده

زنان هنرمند و مشهوری هستند در تاریخ معاصر ما که چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب و چه دیگران همه توافق دارند که بحث را باید با زیبایی آنها آغاز کرد. در واقع زیبایی در این میان نه یک جلوه جنسیتی که همچون مبحثی جمال شناختی مطرح می‌شود. یک موردش خانم فریماه فرجامی عزیز بود که وقتی درگذشت این زمزمه خاموش تحسین چهره حیرت‌انگیز او پس از سال‌ها از سینه‌ها بیرون آمد و به یک موج فراگیر بدل شد که در آن نویسنده‌هایی از اردوگاه‌های مختلف فکری به ستایش از این زن زیبای فقید پرداختند.

اگر همتایی برای این اتفاق در ادبیات وجود داشته باشد مطمئنا کسی نیست جز غزاله علیزاده. نویسنده زیباروی مشهدی‌الاصل که دوستان جوانی‌اش در مشهد هنوز هم در خاطراتشان دختری یاغی و خوش سیما را به یاد می‌آورند که مدام از قید و بندهای کنترلگر خانوادگی خود را رها می کرد. زنی با قریحه که زندگی بر سر راه او آدم‌های خاصی را نیز قرار داد. از آشنایی کوتاه مدتش با سید مرتضی آوینی که بعدها اسیر شاخ و برگ‌های اضافی و داستان پردازانه شد و ماهیتش کلا قلب شد. یا همسر اولش بیژن الهی که خود از افسانه‌ای‌ترین و مرموزترین چهره‌های فرهنگ و ادب معاصر ایران است که هنوز وقتی محققان می‌خواهند در مورد گوشه و کنار نامکشوف زندگی خصوصی و یا ادبی‌اش بنویسند در لابیرنتی از اطلاعات متناقض گم می‌شوند. غزاله علیزاده در سال ۱۳۷۵ خودکشی کرد. با دار زدن خود بر درختی در طبیعت بهاری و نفسگیر جواهرده. دو فرزند از دو همسر خود داشت. دختری از بیژن الهی داشت و دو دختر هم از بازماندگان زلزله بوئین زهرا به فرزندی قبول کرده بود. با همسر دومش محمد نظام شهیدی از سال ۱۳۶۲ ازدواج کرده بود. غزاله قرار بود دکترای حقوق از فرانسه بگیرد و بعد رشته‌اش را به فلسفه اشراق تغییر داد اما در نهایت به ایران بازگشت و هیچگاه دکترایش را تکمیل نکرد. از دوران بسیار جوانی همچون یک استعداد محدود داستان نویسی به جمع ادبا راه پیدا کرده بود و زیبایی چهره‌اش، ضعف قلمش را می‌پوشاند و نویسندگان و شعرا برای بردن دل او رقابت می کردند.

او به وقت مرگ ۴۷ ساله بود. همچنان محبوب و همچنان زیبا. تنها ۵ سال بود که از انتشار رمان دوجلدی محبوب و پرفروشش یعنی خانه ادریسی‌ها می‌گذشت. رمانی که بالاخره جایگاهی فارغ از برازندگی و جمالش به او بخشید و او را از موقعیت شمع محفل بزرگان خارج کرد. اما او درگیر بیماری سرطان بود و گذر عمر برای او پر از اشتیاق زیستن و عشق ورزیدن بود و همیشه نور اصلی را در هر ضیافتی برای خود می‌خواست، امری دلهره آور محسوب می‌شد. عجیب‌ترین و دقیق‌ترین توصیف از او را مسعود کیمیایی انجام داده است. در فیلمی که پگاه آهنگرانی درباره غزاله علیزاده ساخت. کیمیایی در مورد غزاله می‌گوید: «من هیچ‌وقت توی مهمونی‌هاش نبودم. هیچ‌وقت داخل زندگی شبانه‌ش نشدم به این دلیل که دوست نداشتم این شکل زندگی رو. خیلی هم خوب بود ولی من نبودم». و در بخش دیگری می‌گوید: «روحیه‌ای که داشت به دلیل این داغی و گرمی و محفل‌بازی آدما همه در کلوزآپ هم بودند و در درشت همدیگر رو نگاه می کردند. تو این درشت‌ها عاشق می‌شدند، زندگی‌شون به هم می‌ریخت. هیچ‌وقت فرصت این‌که همدیگر رو توی دورتر ببینند پیدا نمی‌کردند. این به دلیل التهاب همراه با اضطراب زندگی شبانه روشنفکر است. از غروب شروع می‌شد و تا صبح ادامه داشت. یک سفید سیاه کامل بود». از فحوای کلام کیمیایی می‌توان به زندگی پرتب و تاب غزاله پی برد. اما آیا فقط سرطان و بالا رفتن سن او را به آن حرکت انتحاری در جواهرده وادار کرد؟ سامان تقدیسی درباره او می‌نویسد: ساعات بسیاری از روز را به آرایش چهره می‌پرداخت و پیوسته سعی می کرد با صورت و حرکات و حتی صدا، بر محیط اثر بگذارد و در عین حال او فاقد اعتماد به نفس لازم در برخورد با مسائل جدی بود و به همین علت صدمات مالی بسیاری در سال‌های آخر عمر به وی وارد شد و در جریان یک کلاهبرداری، شخصی به نام «آخوندی» نوه شیرازی امام جمعه اسبق مشهد قرار گرفت و منزل با ارزش پدری را در قبال چک‌های بی‌محل، از دست داد و سال‌ها در دادگستری مشهد، موضوع را پیگیری کرد و موفق نشد و بدین ترتیب ترس از فقر، به اضطراب‌هایش اضافه شد. این موضوع و گذر عمر و افراط در سیگار کشیدن، در نهایت سامان روحی او را متزلزل کرد و به شدت دچار ترس از تنهایی شده بود که مستقیما معنایی غیر از ترس نداشت و اطرافش پر شده بود از آدم‌هایی که حتی بعضی به علت نداشتن محل اقامت، در منزل ایشان رحل اقامت انداخته بودند و این موضوع، رابطه او و همسرش آقای «محمدرضا نظام شهیدی» را تحت تاثیر قرار داد؛ به طوری که «نظام» سعی می کرد کمتر در خانه باشد. کار نویسندگی که مسئله اصلی زندگی او بود، کم کم کنار گذاشته شد و به ندرت کار می کرد. بیماری سرطان «غزاله» شاید دورترین علت برای خودکشی او باشد... «غزاله» سال ۱۳۷۴ در مشهد و در منزل «نظام» (همسرش) یک بار با گاز، دست به خودکشی زد؛ ولی لای در آشپزخانه را کاملا نبسته بود تا به زندگی بازگردد... نوروز ۱۳۷۵ با همسر و دخترش «سلمی» به مشهد رفتند. هر سال تحویل سال را در حرم می گذراند و به مردم نیازمند عیدی می‌داد. رابطه عاشقانه آنها در این سفر بسیار گرم و نزدیک شد؛ ولی «غزاله» همراه «نظام» به تهران برنگشت و کار را بهانه کرد. ۱۹ اردیبهشت، صبح زود ساعت ۶ بامداد به «نظام» زنگ زد و گفت: «نظام» دوست داری من برگردم؟ «نظام» که از این پرسش ناگهانی بهت زده شده بود، گفت یعنی چه؟ هر جور دلت می‌خواد و تلفن به خرِخر افتاد و صدا قطع شد.... دو روز بعد خبر را به «نظام» دادند که جنازه در اول جاده جواهر ده رامسر پیدا شده.

سایت‌نگار

تکنیسین‌های اتاق عمل، موزه اسباب‌بازی، شرایط زندگی محمدرضا گلزار

به گزارش خبرنگار مهر، در بازدید سرزده سرپرست دادسرای امور پزشکی تهران از یک بیمارستان خصوصی، مشاهده می‌شود دو بیمار در اتاق عمل بستری بوده‌اند، اما به جای اینکه پزشکان جراح آنها را عمل کنند؛ تکنیسین‌ها به جای آنها مشغول عمل جراحی بوده‌اند.

علی سلحشور مدیر روابط عمومی سازمان نظام پزشکی کشور، در واکنش به بروز چنین تخلفی در یک بیمارستان خصوصی، گفت: در مورد پلمب اتاق عمل، باید توجه داشت که مسئولیت نظارت و اقدامات اجرایی از جمله پلمب کردن، بر عهده معاونت درمان وزارت بهداشت و به تبع آن معاونت‌های درمان دانشگاه‌های علوم پزشکی است.

وی افزود: سازمان نظام پزشکی در این مورد خاص، نماینده‌ای در تیم نظارتی که به بیمارستان مراجعه کرده است، نداشته و از جزئیات کامل این موضوع بی‌اطلاع است. به گزارش مهر و بنا بر اعلام وزارت بهداشت، در بازدید ۱۹ بهمن ۱۴۰۳، از اتاق عمل بیمارستان آپادانا، مشخص شد اعمال جراحی توسط تکنیسین بدون حضور جراحان در حال انجام بود که بنا به دستور سرپرست دادسرای جرایم پزشکی سه اتاق عمل این بیمارستان تا اطلاع ثانوی پلمب و ۷ تکنیسینی که رابطه استخدامی با بیمارستان نداشته و صرفاً تکنیسین جراحان مُهرزن بودند به همراه دو جراح عمومی مُهرزن، متخصص بیهوشی و مسئول اتاق عمل به کلانتری منتقل شدند.

مجید مظفری درباره نقشش در فیلم دست تنها می‌گوید: همه فکر می‌کنند که کارتون خواب‌ها آدم‌های بی‌سواد و معتادی هستند که خانواده ندارند اما واقعیت اینگونه نیست، آن‌ها استاد دانشگاه هستند، دکتر هستند از اعضای نیروی انتظامی هستند، نویسنده هستند، از همه قشری در این جمع حضور دارند به همین خاطر خیلی باید هوای آن‌ها را داشته باشیم همه انسان‌ها بسیار شریف هستند.

بخشی از مطلب بلند عبدالجواد موسوی:
طرف‌های عصر یکی از دختران جوان همکار با صدای بلند و نگرانی خاصی، داشت آخرین قیمت سکه و دلار را برای بچه‌های توی غرفه اعلام می‌کرد. به شوخی گفتم: تو دیگه بس کن! چنان با جدیت داری بالا رفتن دلار و سکه را دنبال می‌کنی که اگر کسی نداند فکر می‌کند در چهارراه استانبول صرافی داری! ای کاش این شوخی بی‌مزه را بر زبان نمی‌آوردم تا نشنوم: آقای موسوی! من چند سالی است که می‌خواهم تشکیل زندگی بدهم اما هنوز نتوانسته‌ام یک قلم از لوازم اولیه زندگی را تهیه کنم و با این وضع دلار به گمانم هیچ وقت نتوانم با مردی که او را دوست می‌دارم زیر یک سقف بروم. حال و روزم به هم ریخت. کمی بیشتر پای درد دلش نشستم و بعد با خودم فکر کردم مدعیانِ آل اختلاس برای یک بار هم که شده به وضعیت دختران و پسرانی از این دست فکر کرده‌اند یا نه؟ اصلا بگو قبری و قیامتی و خدایی و پیغمبری هم در کار نیست اما بالاخره وجدانی هم نیست؟ احساسی؟ غیرتی؟ شرفی؟

ای کاش این آخرین خاطره تلخ و جان شکار روز بیستم بهمن امسال بود. آخر شب اسنپ گرفتم که بروم منزل دوستی که این روزها بار غربتم بر روی دوش اوست. مثل همیشه حرافی کار دستم داد. عادت دارم از مردم حال و روزشان را می‌پرسم. یک جور فضولی و کنجکاوی ذاتی که شغل روزنامه نگاری آن را تشدید کرده است. راننده هم که متوجه شد کار و کاسبی‌ام چیست پرسید: قیمت دلار تا کی قرار است این طور باقی بماند و بعد هم این که چرا امروز مدارس را تعطیل کرده‌اند و فردا را نه؟ گفتم از دلار و سکه و مناسباتش خیلی سر در نمی‌آورم اما خوشا به حال بچه‌ها. به هر حال یک روز دوری از مدرسه هم غنیمت است و تازه می‌خواستم منبر بروم و از معایب آموزش و پرورش و زگهواره تا گور دانش بجوی حرف بزنم که با گفتن خاطره‌ای جگرم را آتش زد. راننده اسنپ که ادب و متانت از نحوه سخن گفتنش آشکار بود گفت: «من دو دختر دارم. یکی پنج ماهه و دیگری نه ساله. دخترم خوشحال بود که روز تولدش تعطیل هم هست. من هم از این موضوع خوشحال بودم و می‌خواستم امروز برای دخترم روزی به یادماندنی باشد. دخترم نسبت به همسن و سال‌هایش خیلی دختر قانع و کم توقعی است. به او اصرار کردم که از من چیزی بخواهد و او گفت اگر می‌شود برایمان یک پرس کباب ترکی و مرغ سه تیکه سوخاری و سیب زمینی سرخ کرده بگیر که دور هم باشیم. رفتم قیمت کردم و دیدم چیزی که دخترم سفارش داده می‌شود یک میلیون و دویست هزار تومان. هرچه زور زدم این پول را جور کنم موفق نشدم. تا حالا توانسته‌ام یک میلیون و شصت هزار تومانش را جور کنم. شاید یکی دو سرویس دیگر بروم پولش جور بشود اما مشکل این جاست که مغازه مورد نظرم تا آن ساعت بسته می‌شود». خلاصه تا به مقصد برسیم هرچه زور زدم بغض توی صدایم نیاید و اشک‌هایم سرازیر نشوند نشد که نشد.

یادداشت طاهره عبدالهی (بخشدار مرکزی سابق جم استان بوشهر) که نوشته است: اینجا جنوب استان بوشهر است؛ جایی که نفت از دل زمین می‌جوشد، گاز در مشعل‌ها شعله می‌کشد و سرمایه‌های ملی بی‌وقفه راهی دوردست‌ها می‌شود. اما در همین سرزمین، جوانانش، همان‌هایی که هر روز غروب را با تماشای سکوهای نفت و گاز بدرقه می‌کنند، از ابتدایی‌ترین حق خود، یعنی کار و معیشت، محروم مانده‌اند.

سال‌هاست که از بومی‌گزینی سخن گفته می‌شود، اما روی زبان‌ها و لابه‌لای کاغذها مانده است. جوانان بوشهری با مدارک مهندسی و تخصص‌های مرتبط، با هزاران امید در انتظار شغلی هستند که حق مسلم آن‌هاست، اما در نهایت، فرصت اشتغال به غیربومیانی سپرده می‌شود که هرگز رنج زندگی در این سرزمین را نکشیده‌اند. مگر نه اینکه اینجا خانه ماست؟ مگر نه اینکه این صنعت، از خاک ما تغذیه می‌کند؟ پس چرا جوانان این سرزمین همچنان غریبه‌اند در دیار خود؟

موزه اسباب بازی تهران در خیابان لولاگر عصر روز یکشنبه همزمان با تعطیلی این موزه، به دلیل بی‌حجابی توسط پلیس اماکن نیروی انتظامی پلمب شد.

آزاده بیات مدیر موزه اسباب بازی تهران در گفت‌وگو با مهر بیان کرد: عصر دیروز همزمان با تعطیلی روزهای شنبه موزه، با یک تماس تلفنی به ما اعلام کردند که موزه را پلمب کردیم. دلیلش را گزارش نامحسوس از بی‌حجابی اعلام کردند.

وی گفت: ما تمام مجوزهای لازم را از جمله وزارت میراث فرهنگی برای ایجاد موزه داریم حتی در اداره اماکن نیز ثبت شده‌ایم و موزه را از فروردین ۱۴۰۳ به روی مردم باز کردیم. بیات گفت: امروز برای پیگیری به دادسرا و اماکن رفته‌ایم و درخواست کردیم حداقل نامه‌ای به ما بدهند تا بتوانیم پیگیری کنیم.

احسان گل‌محمدی (روزنامه‌نگار) در واکنش به خبرهای تجاوز در آمبولانس‌ها در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشته: چند روزی است که خبرهای مربوط به تجاوز در آمبولانس در شبکه‌های اجتماعی به شدت دست به دست می‌شود؛ تا این لحظه دست کم سه خبر شوکه‌کننده از تعرض جنسی از سوی نیروهای اورژانس در حین امدادرسانی به بیماران منتشر شده است.

طبق گزارش‌های منتشر شده، در این پرونده‌ها، برای فرد متجاوز (تکنیسین اورژانس) ۹۹ ضربه شلاق و همدست (راننده اورژانس) ۳۰ ضربه شلاق تعیین شده و متجاوز و راننده تنها به دو سال ممنوعیت از کار محکوم شدند.

پس از انتشار سریالی خبرهای تجاوز در آمبولانس و رسانه‌ای شدن احکام دادگاه، بازار ضرب و شتم تکنیسین‌های اورژانس در تهران حسابی داغ شده است.

ماجرا از این قرار است که پس از حواشی اخیر، چندین تماس با اورژانس تهران گرفته شده و در این تماس‌ها افراد با دادن آدرس غلط، تکنیسین‌های اورژانس را به محل‌های خلوت کشانده و مورد ضرب و شتم قرار دادند.

محمدرضا گلزار بازیگر مشهور سینمای ایران و سرپرست تیم ملی پدل در گفت و گو با برنا، صحبت‌های ویژه‌ای را مطرح کرد که در ادامه می‌خوانید:
آن کسانی که من را به عنوان یک فرد ورزشی می‌شناسند هیچ گاردی نسبت به انتصابم به عنوان سرپرست تیم ملی پدل نداشتند. چرا که از ۴ سالگی اسکی می‌کنم و به جز این ورزش والیبال، فوتبال تنیس و سایر رشته‌ها را نیز در سطح حرفه‌ای و باشگاهی دنبال کرده‌ام. همیشه ورزش جز جدانشدنی از زندگی‌ام بوده است. متاسفانه بسیاری از واکنش‌های منفی به این خاطر است که برخی فکر می‌کنند من از رشته پدل و این عنوان سرپرستی درآمدی داشته و یا به شهرتش نیاز دارم.

من از جیب خودم هم برای پیشرفت این رشته هزینه کرده‌ام.حتی تلاش می‌کنم تا برای تیم ملی اسپانسر بیاورم به خاطر حضورم در کنار تیم پدل بسیاری از برندهای بزرگ برای حمایت کنار ما حضور پیدا می‌کنند.همانطور که خودتان هم پیش‌تر اشاره کردید همیشه ورزش جز جداناپذیر زندگی‌تان بوده است. دوست دارم بدانم از تمامی رشته‌های ورزشی مختلفی که به صورت حرفه‌ای آن را دنبال کردید کدام یک با روحیه شما سازگارتر بود و به آن علاقه بیشتری داشتید؟

با تمام مشغله‌ای که دارم در روز به مدت ۴ ساعت ورزش می‌کنم. ۲ ساعت صبح‌ها وزنه می‌زنم و یک ساعت نیم تا دو ساعت را هم به پدل بازی کردن می‌گذرانم. واقعیت را بخواهید انتخاب بین رشته‌های ورزشی که آنها را حرفه‌ای دنبال کرده‌ام واقعا برایم سخت است. اما خوب علاقه خاصی به والیبال دارم. چرا که والیبالیست حرفه‌ای بودم سال‌ها به صورت باشگاهی این ورزش را دنبال کردم.

در زمان شیوع ویروس کرونا مشغول فیلمبرداری سریال عاشقانه بودیم. پس از ابتلا به این ویروس ریه‌ام به صورت کامل درگیر شد برای مبارزه با این بیماری مجبور به تزریق کورتون شدم به این دلیل که باشگاه‌ها هم در زمان شیوع ویروس تعطیل بودند به یکباره با افزایش وزن بسیار زیادی روبه رو شدم. از ۸۸ کیلو به ۱۱۸ کیلو رسیدم. پس از آن با رژیم بسیار سخت و ورزش موفق شدم تا ۳۰ کیلو اضافه وزنم را کم کنم. به هرحال انسان هرچه قدر هم که پایبند به رژیم باشد به صورت ناخودآگاه از یک روند سخت کلافه خواهد شد.

تنیسورهای بسیار بزرگی هستند که سبک بازی آن‌ها را خیلی می‌پسندم که از جمله آن‌ها می‌توانم به آلکاراس، جوکوویچ، نادال و فدرر اشاره کنم. بدون شک هر کدام از آنها نابغه‌های تکرارنشدنی در این حوزه هستند.

من شرایط زندگی‌ام نسبت به قبل تغییر کرده است. از وقتی متاهل شدم تصمیم گرفتم تا مدتی در سینما و موسیقی کار نکنم. البته با اصرار و فشارهای تیم‌های هنری که همیشه با آن‌ها همکاری داشتم تصمیم داریم که بعد از عید یک کنسرت بسیار بزرگ برگزار کنیم. در مورد سینما هم باید اضافه کنم که پیشنهادات زیادی در چند مدت اخیر دریافت کرده‌ام اما به دلیل تصمیمات در زندگی شخصی‌ام با تمام احترام آن‌ها را رد کردم.

گمرک ژاپن اعلام کرد که پرونده‌های قاچاق طلا در این کشور به دلیل افزایش قیمت جهانی این فلز گرانبها و بازگشت رونق ورود گردشگران خارجی به این کشور روند صعودی به خود گرفت.

رسانه‌های ژاپن گزارش دادند که طی روزهای اخیر تنها در یک مورد، ۲.۶ کیلوگرم طلای پودر شده از کلاه گیس دو مسافر عازم ژاپن از مبدا هنگ کنگ کشف شد.

در روشی دیگر، برخی مسافران پودر طلا را با چای مخلوط می‌کنند که چندین مورد از این شیوه قاچاق طلا نیز توسط ماموران مرزی ژاپن کشف و ضبط شده است. همچنین، روش دیگری که در میان گروهی از ژاپنی‌ها و گردشگران خارجی باب شده، جایگزینی برخی قطعات کوچک ساخته شده از طلا به جای قطعات اصلی است که با استفاده از سایر فلزات ساخته شده و در لوازم الکترونیکی نصب شده است.

چهار حقیقت ترسناک درباره وام ۴۰۰ میلیونی
صفحه ۶

چپ‌ها و میلیاردرهای آلمانی در رینگ

احزاب سوسیالیست اقتصاد اول اروپا به دنبال تصویب طرحی برای کاهش اموال ثروتمندان هستند

رامتین لطیفی | حزب چپ آلمان با طرح جدید مالیاتی خود، قصد دارد ثروت میلیاردرها را در طول ۱۰ سال به نصف برساند. این طرح که هدف اصلی آن کاهش شدید تفاوت‌های طبقاتی است، در آستانه انتخابات ملی آلمان مطرح شده است، هرچند بعید به نظر می‌رسد این برنامه به مرحله اجرا برسد.

طرح مالیاتی جدید حزب چپ

یان فان آکن، رئیس مشترک احزاب چپ آلمان گفت «ما باور داریم که نباید میلیاردرها در مرزهای این کشور وجود داشته باشند.» این اظهارات بخشی از طرح پنج نکته‌ای حزب چپ آلمان (Die Linke) برای تحقق این هدف است. با این حال، در حالی که حزب چپ آلمان از نظر ایدئولوژیک به جناح چپ و سوسیالیستی تعلق دارد، حمایت از آن در میان مردم به شدت کاهش یافته است. این حزب در حال حاضر تنها حدود ۵ درصد حمایت عمومی دارد که همین میزان نیز برای ورود به پارلمان لازم است. حتی اگر این حزب بتواند از این مرحله عبور کند، به دلیل مخالفت‌های زیاد از سوی دیگر احزاب بزرگتر، احتمال اینکه این سیاست‌ها به مرحله اجرا برسند بسیار ضعیف است.

جزئیات طرح مالیاتی حزب چپ

طرح مالیاتی حزب چپ شامل چندین بخش است که به‌طور خاص، ثروتمندان و میلیاردرها را هدف گرفته است. اولین بخش این طرح، احیای مالیات بر ثروت است که در سال ۱۹۹۵ توسط دادگاه قانون اساسی آلمان به دلیل مغایرت با قانون اساسی لغو شد. این مالیات تمرکز خود را بر ثروت انباشته‌شده افراد می‌گذارد، نه درآمدهای آن‌ها. حزب چپ پیشنهاد می‌کند که یک مقیاس شناور برای مالیات بر ثروت معرفی شود: ۱ درصد برای ثروت‌های بالای یک میلیون یورو (معادل حدود ۱.۰۳ میلیون دلار)، ۵ درصد برای ثروت‌های بالای ۵۰ میلیون یورو و ۱۲ درصد برای ثروت‌های بیش از یک میلیارد یورو. علاوه بر این، حزب چپ پیشنهاد می‌کند که یک مالیات ویژه یک‌باره برای ۰.۷ درصد از ثروتمندترین افراد جامعه وضع شود. این مالیات از ۱۰ درصد برای افرادی که بیش از ۲ میلیون یورو دارایی دارند، شروع شده و برای ثروت‌های بیشتر تا ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. این حزب همچنین خواستار افزایش مالیات‌های ارثی برای اموال بزرگ و همچنین افزایش نرخ مالیات بر درآمد برای افراد با درآمدهای بالا است. طبق این طرح، افراد با درآمد سالانه بالای ۲۵۰ هزار یورو باید ۶۰ درصد مالیات بر درآمد بپردازند و کسانی که درآمدشان بیش از یک میلیون یورو باشد، باید ۷۵ درصد از درآمد خود را به عنوان مالیات پرداخت کنند. در نهایت، حزب چپ پیشنهاد می‌دهد که مالیات بر سود سرمایه دیگر به صورت یک نرخ ثابت ۲۵ درصد نباشد، بلکه باید مانند مالیات بر درآمد، به صورت شناور بسته به میزان سود دریافتی از دارایی‌ها عمل کند.

انتقاد از میلیاردرها و دولت‌های ثروتمند

یان فان آکن در زمان معرفی این طرح، به شدت از دولت‌های ثروتمند و تاثیر میلیاردرها در سیاست‌های جهانی انتقاد کرد. او به دولت دونالد ترامپ اشاره کرد و گفت: «دولت جدید شامل میلیاردرها و جناح راست است که تمام تلاش خود را برای حفظ ثروت و قدرت‌شان می‌کنند.» او همچنین افزود که در آلمان نیز ثروتمندان از ثروت‌های خود برای کسب نفوذ سیاسی نامعقول استفاده کرده‌اند.

چالش‌ها و مشکلات حزب چپ در آلمان

حزب چپ آلمان در سال‌های اخیر با مشکلات جدی مواجه بوده است. از یک سو، افزایش محبوبیت حزب راست‌گرای حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) و از سوی دیگر جدایی رهبر سابق ایرانی‌تبار حزب، زارا واگن‌کنشت که حزب جدید خود را به نام ائتلاف زلرا واگن‌کنشت (BSW) تأسیس کرد، فشار زیادی را به این حزب وارد کرده است. واگن‌کنشت که پیش‌تر از اعضای برجسته حزب چپ بود، با خروج از حزب و ایجاد ائتلاف جدید، چالش‌های بسیاری را برای حزب چپ به‌وجود آورد. این مسائل نشان می‌دهد که حزب چپ آلمان با چالش‌های داخلی و خارجی فراوانی روبرو است و احتمال اینکه بتواند به طور مؤثر این طرح مالیاتی را به مرحله اجرا درآورد، بسیار اندک است.

باشگاه میلیاردرهای آلمانی

در سال ۲۰۲۴، آمریکا میزبان بیشترین تعداد میلیاردرهای جهان بوده است. تعداد میلیاردرهای حاضر در این کشور ۸۱۳ نفر اعلام شده است. چین با ۴۰۶ و هند با ۲۰۰ میلیاردر هم در رده‌های دوم و سوم قرار دارند. آلمان با میزبانی از ۱۳۲ میلیاردر، بالاترین رتبه را در میان کشورهای اروپایی دارد و در رده چهارم جهانی ایستاده است. جالب است بدانید که شرایط اقتصادی و بحران‌هایی که آلمان در دو سال اخیر از سر گذراند، سبب شد تا تعداد میلیاردرهای این کشور با کاهش بزرگی مواجه شود. برای مثال در سال ۲۰۲۳، تعداد میلیاردرهای آلمان ۲۴۹ نفر بوده و تنها طی یک سال با ۱۱۷ نفر کاهش داشته است.

چهره روز

بدون هیچ شک و شبهه‌ای، شان بیکر چهره شاخص این روزهای سینمای جهان است. «آنورا» (Anora)، فیلمی که بیکر آن را کارگردانی کرده، هم در مراسم اهدای جوایز «اتحادیه کارگردانان آمریکا» (DGA) و هم در مراسم اهدای جوایز «اتحادیه تهیه‌کنندگان آمریکا» (PGA) برنده جایزه بهترین فیلم شد تا به اسکار بیش از همیشه نزدیک شود. بیکر در واکنش به این جوایز گفت «خوش‌اقبال‌ترین انسان روی زمین» است. گفتنی است این فیلم پیش‌تر «نخل طلا» را از جشنواره فیلم کن و جایزه بهترین فیلم را در «جوایز انتخاب منتقدین» (Critics Choice) دریافت کرده بود.

عکس روز

گهی پشت به زین و گهی زین به پشت...

این بار در سوپربول ۲۰۲۵، دونالد ترامپ تشویق و تیلور سوئیفت هو شد

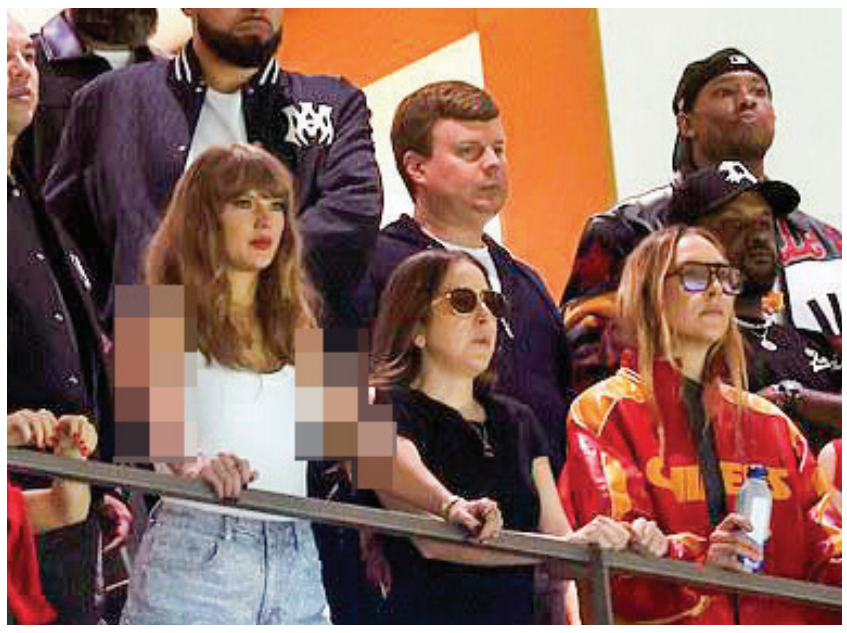

از سال ۲۰۰۴ تاکنون، مسابقه فینال لیگ ملی فوتبال آمریکایی در دومین یکشنبه فوریه برگزار می‌شود. این مسابقه حساس، جذاب، محبوب و پربیننده «سوپربول» نام دارد. اگرچه روز برگزاری سوپربول در آمریکا یک روز تعطیل رسمی نیست اما می‌توان این روز را هم در زمره تعطیلات رسمی کشور به حساب آورد. گفتنی است آمریکا از معدود کشورهای پیشرفته جهان است که مرخصی با حقوق در آن معنای چندانی ندارد و می‌توان ارزش دیدن پخش زنده مسابقه سوپربول را از آنجا فهمید که بدانیم بیشترین درخواست مرخصی‌های ساعتی و روزانه در آمریکا مربوط به ساعات و روز برگزاری این فینال است.

مسابقه کجا برگزار شد؟ نتیجه چه شد؟

این مسابقه در استادیوم سزار سوپرجام نیواورلئان برگزار شد و در پایان، تیم کانزاس‌سیتی شیفز نتوانست از عنوان قهرمانی خود دفاع کند و در نهایت با نتیجه ۴۰ مقابل ۲۲ بازی را به فیلادلفیا ایگلز واگذار کرد. گفتنی است این شکست برای شیفز بسیار گران تمام شد چراکه نه‌تنها کانزاس‌سیتی شیفز در سوپربول ۲۰۲۴ نیز قهرمان شده بود بلکه توانسته بود در ۷ فصل اخیر به طور متوالی این عنوان را حفظ کند.

قیمت بلیت چقدر بود؟

قیمت بلیت این مسابقه دیدنی و جذاب به زمانی که برای خرید آن اقدام می‌کنید بسیار وابسته است. به طور میانگین قیمت بلیت سوپربول ۲۰۲۵، حدود ۷۳۰۰ دلار اعلام شده است. البته گزارش پایگاه خبری سی‌بی‌اس نشان می‌دهد که اکثر بلیت‌های لحظه آخری این مسابقه در حد فاصل ۳۰ تا ۳۶ هزار دلار معامله شده که رقم قابل‌توجه و هنگفتی است. کمترین مبلغ بلیت این مسابقه ۶۶۰۰ و بیشترین مبلغ نیز ۸۸۰۵ دلار گزارش شده است.

کندریک لمار، اجرای بین دو نیمه و دیس کردن دریک

کندریک لمار پس از برنده شدن در تمام دسته‌بندی‌ها در جوایز گرمی که هفته گذشته برگزار شد، اجرای بین دو نیمه سوپربول را برعهده داشت. این رپر محبوب در ابتدا آهنگ‌هایی چون «دعوا کن»، «خضوع»، «دی‌ان‌ای»، «سرخوشی»، «مرد در باغ» و «پیکبو» را اجرا و سپس اعلام کرد می‌خواهد قطعه مورد علاقه تماشاگران را اجرا کند و به سراغ قطعه انتقادی «مثل ما نیستند» رفت. او در این قطعه دریک، دیگر رپر محبوب سیاه‌پوست را دیس می‌کند و او را فردی می‌خواند که به دنبال برقراری روابط جنسی با کودکان است.

برای اولین بار با حضور رئیس‌جمهور آمریکا

امسال برای نخستین بار رئیس‌جمهور آمریکا در ورزشگاه محل مسابقه سوپربول حضور یافت. دونالد ترامپ همراه با دخترش، ایوانکا، به ورزشگاه رفته بود و تا پایان نیمه اول در آنجا حضور داشت. از دیگر تماشاگران سرشناس سوپربول امسال می‌توان به لیونل مسی، بازیکن نامدار فوتبال، و جِی زی، رپر و تهیه‌کننده مشهور موسیقی، اشاره کرد. ساموئل ال جکسون، بازیگر نامدار سینما نیز که لباس «عمو سام» بر تن داشت به اجرای برنامه در بین دو نیمه پرداخت. لیدی گاگا، تیلور سوئیفت و مگان د استالین، سه خواننده سرشناس، نیز از دیگر افراد مشهور در ورزشگاه بودند. پیش از شروع مسابقه نیز جان هَم، بازیگر سینما، بازیکنان تیم کانزاس‌سیتی چیفز را معرفی کرد و معرفی بازیکنان تیم رقیب نیز به بردلی کوپر، بازیگر بازیگر و فیلمساز، سپرده شد.

تشویق ترامپ و هو کردن سوئیفت

تیلور سوئیفت که در سال ۲۰۲۴ تمام رکوردها را جابجا کرد و سال موفقی را پشت سر گذاشت، این بار در استادیوم نه‌تنها شاهد شکست تیم تراویس کلسی، شریک عاطفی‌اش در زمین بود، بلکه از جانب تماشاگران هوادار ترامپ هو شد. گفتنی است پیروزی شیفز در سوپربول ۲۰۲۴ و نمایش سوئیفت و کلسی پس از این دیدار و دعوت‌شان از مردم برای شرکت در انتخابات و رای به بایدن، شرایطی را پدید آورد که ترامپ از این زوج کینه به دل بگیرد. از این رو، اتفاقی که دیروز افتاد را می‌توان انتقام ترامپ از این زوج معنا کرد. ترامپ نیز در تروث سوشال متنی را به اشتراک گذاشت که در آن نوشته شده بود «دونالد ترامپ در استادیوم تشویق و تیلور سوئیفت هو شد. دنیا به جای بهتری تبدیل شده است».

ینگه دنیا

خداحافظی آمریکایی‌ها با سکه

ترامپ دستور توقف ضرب سکه‌های یک‌سنتی را به وزارت خزانه‌داری داد

رامتین لطیفی | دولت آمریکا در اقدامی تازه برای کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در بودجه ملی، از توقف تولید سکه‌های یک‌سنتی خبر داد. این تصمیم به دستور دونالد ترامپ و پس از توییت‌های ایلان ماسک اتخاذ و به اسکات بسانت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده ابلاغ شد. ترامپ این تصمیم را به عنوان گامی در جهت کاهش هدررفت منابع مالی کشور توصیف کرده و نوشت: «بیایید حتی اگر یک سنت باشد، هدررفت را از بودجه کشورمان حذف کنیم.»

هزینه‌های سنگین تولید سکه‌های یک‌سنتی

در گزارش سالانه ۲۰۲۴ اداره ضرب ایالات متحده آمده است که برای تولید و توزیع یک سکه یک‌سنتی، حدود ۳/۶۹ سنت هزینه می‌شود. این در حالی است که ارزش هر سکه یک‌سنتی تنها یک سنت است. بنابراین، تولید هر سکه یک‌سنتی باعث ضرر و زیانی بیش از دو برابر ارزش آن می‌شود. این گزارش نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۳، ایالات متحده بیش از ۸ میلیارد سکه یک‌سنتی تولید کرده است که هزینه‌ای بالغ بر ۲۹/۵ میلیون دلار را برای دولت در پی داشت. این هزینه‌ها شامل فرایند تولید، حمل و نقل، توزیع و ذخیره‌سازی سکه‌ها می‌شود. با توجه به این آمار، هزینه‌های تولید سکه‌های یک‌سنتی در سال‌های اخیر به یکی از مسائل اقتصادی قابل توجه در دولت ایالات متحده تبدیل شده است.

مخالفت‌ها و حمایت‌ها از سکه‌های یک‌سنتی

گرچه طرح حذف سکه‌های یک‌سنتی در گذشته از سوی مقامات و اعضای کنگره ایالات متحده مطرح شده بود اما هیچگاه به نتیجه نرسید. مخالفان تولید سکه‌های یک‌سنتی معتقدند این سکه‌ها منابع مالی و مواد اولیه کشور را هدر می‌دهند و در عمل استفاده‌ای در معاملات روزمره ندارند. آنها همچنین اشاره می‌کنند که با افزایش استفاده از پرداخت‌های الکترونیکی و کارت‌های اعتباری، دیگر نیازی به سکه‌های کم‌ارزش نیست. از سوی دیگر، طرفداران این سکه‌ها بر این باورند که حذف آن‌ها می‌تواند منجر به افزایش قیمت‌ها شود. آنها معتقدند سکه‌های یک‌سنتی به ویژه در قیمت‌گذاری‌ها تاثیرگذار بوده و به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد که قیمت‌ها را دقیق‌تر و به‌صرفه‌تر تعیین کنند. علاوه بر این، سکه‌های یک‌سنتی در جمع‌آوری کمک‌های خیریه و فعالیت‌های مالی خرد، به ویژه در صندوق‌های خیریه و ایستگاه‌های جمع‌آوری، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

توقف تولید سکه‌های مشابه در دیگر کشورها

چندین کشور دیگر نیز به دلایل اقتصادی و کاهش استفاده از پول نقد، تولید سکه‌های مشابه را متوقف کرده‌اند. کانادا در سال ۲۰۱۲ تصمیم به توقف تولید سکه‌های یک‌سنتی گرفت. این کشور اعلام کرد هزینه تولید سکه‌های یک‌سنتی بسیار بالاتر از ارزش آنهاست و همچنین به دلیل تورم و افزایش قیمت‌ها، این سکه‌ها دیگر کارایی لازم را ندارند. بر اساس گزارش بانک مرکزی کانادا، از زمان توقف تولید این سکه‌ها، بیش از ۱۷ میلیارد سکه یک‌سنتی از جریان پولی کشور خارج شده است. در بریتانیا نیز به دلیل کاهش استفاده از پول نقد و رونق پرداخت‌های الکترونیکی، تصمیم به توقف تولید سکه‌های یک و دو پنی گرفته شد. در سال ۲۰۲۴، مقامات این کشور اعلام کردند که هیچ سکه جدیدی از این نوع ضرب نخواهد شد. همچنین، با کاهش تقاضا برای سکه‌های کوچک‌تر، در برخی سال‌ها تولید سکه‌های ۲۰ پنی نیز متوقف شده است.

آینده سکه‌های یک‌سنتی در ایالات متحده

با توجه به کاهش روزافزون استفاده از پول نقد در ایالات متحده و افزایش استفاده از پرداخت‌های دیجیتال، احتمال می‌رود که دیگر کشورها نیز در آینده‌ای نزدیک تصمیم مشابهی اتخاذ کنند. دولت آمریکا نیز اکنون در حال بررسی است که آیا سایر سکه‌های کوچک‌تر مانند سکه‌های ۵ سنتی و ۱۰ سنتی نیز باید از گردش خارج شوند یا خیر. به نظر می‌رسد این سرنوشت محتوم سکه‌ها در هر کشوری است و همه دیر یا زود باید با ضرب سکه خداحافظی کنند.

حادثه روز

کشف بمب‌های جنگ جهانی دوم در زمین بازی بریتانیا

در یک زمین بازی در شمال انگلستان، ۱۷۶ بمب از دوران جنگ جهانی دوم پیدا شده است. پیش‌بینی می‌شود بمب‌های بیشتری نیز در این منطقه کشف شوند. این بمب‌ها که گفته می‌شود تمرینی هستند، به دلیل داشتن مواد منفجره، هنوز هم خطرناک به شمار می‌روند. این بمب‌ها توسط اعضای یک تیم گودال حفاری کشف شدند که در حال آماده‌سازی زمین برای توسعه بخش جدیدی از این زمین بازی بودند. به گفته یکی از اعضای شورای محلی، مارک ماثر، این بمب‌ها به‌طور کامل دست‌نخورده پیدا شده‌اند و هنوز خطرناک هستند. مناطقی که این بمب‌ها در آن‌ها دفن شده‌اند به احتمال فراوان، محل آموزش واحدهای داوطلب ارتش بریتانیا در پایان جنگ بوده است. این بمب‌ها احتمالا در آخرین روزهای جنگ دفن شده‌اند و به‌دلیل ماهیت آموزشی، فاقد تنظیمات انفجاری بودند اما هنوز حاوی مواد منفجره هستند. (نوس)

پلوزون

سلنا و حسرت از بین رفتن جادوی سینما

سلنا گومز در میانه ویرانه‌هایی که منتقدان از فیلم «امیلیا پرز» (Emilia Prez) ساختند، ایستاد و با صراحت اعلام کرد از بازیگری در این پروژه پشیمان نیست. او یکشنبه این هفته در جشنواره بین‌المللی سانتا باربارا به حواشی کمپین اسکار این فیلم و کشف توئیت‌های توهین‌آمیز «کارلا سوفیا گاسکون» واکنش نشان داد. گومز با مرور اینکه در فضای مجازی و به دلیل حضور در این فیلم، او را «موش کور پولدار» می‌خوانند، گفت: «حالم خیلی خوب است. البته حسرت این را دارم که امروز دیگر جادوی سینما از بین رفته است اما به فیلم افتخار کنم و فقط می‌توانم قدرشناس باشم و بدون پشیمانی زندگی کنم. و اگر می‌توانستم، بارها و بارها در این فیلم بازی می‌کردم.» فارغ از انتقادهای گسترده‌ای که به این فیلم می‌شود، امیلیا پرز در ۱۳ رشته برای دریافت جایزه اسکار نامزد شده و بازی گومز نیز مورد توجه برخی از سینمایی‌نویس‌ها قرار گرفته است. (۳۰نما)

کیوسک

نیویورک‌تایمز، عکس یک خود را به ماجرای کشته شدن بیش از ۳ هزار نفر در جریان جنگ داخلی کنگو اختصاص داد؛ اتفاقی که قاره آفریقا را به شوک فرو برد.

گاردین، تیتر یک خود را به ادعای دیپلمات انگلیسی مبنی بر ارتکاب جنایت جنگی توسط این کشور در غزه مبتنی بر صادرات تسلیحات به اسرائیل اختصاص داد.

بازار خودرو

شاهکار مرسدس با الهام از رنگ‌های طبیعت

نسخه‌ای نادر با عملکرد خارق‌العاده و طراحی منحصربه‌فرد

متین شیری | مرسدس-AMG SL ۶۳ مدت‌هاست که یکی از نمادین‌ترین خودروهای اسپرت رویاز محسوب می‌شود و در سال ۲۰۲۵، یک نسخه ویژه و نادر قرار است این مدل را پیش از پیش خاص کند. مرسدس-AMG SL ۶۳ Manufaktur Golden Coast مدل ۲۰۲۵، یک نسخه انحصاری است که تنها ۱۰۰ دستگاه از آن در سراسر جهان تولید خواهد شد و تعداد محدودی از آن در اختیار نمایندگی‌های ایالات متحده قرار گرفته است.

عملکرد قدرتمند با پیشرانه V۸ توئین توربو

همانند مدل استاندارد AMG SL ۶۳، این نسخه ویژه نیز از یک پیشرانه ۴ لیتری هشت سیلندر دو توربوشارژ بهره می‌برد که ۵۷۷ اسب بخار قدرت و ۸۰۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. این نیرو از طریق یک گیربکس ۹ سرعته خودکار به تمام چرخ‌ها منتقل می‌شود و شتابی خیره‌کننده ارائه می‌دهد. در آزمایش‌ها، مدل سال ۲۰۲۲ این خودرو توانست در ۳/۱ ثانیه از حالت سکون به سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برسد و مسیر ۴۰۰ متر را در ۱۱/۳ ثانیه با سرعت ۲۰۰ کیلومتر بر ساعت طی کند. انتظار می‌رود نسخه Golden Coast جدید عملکردی مشابه داشته باشد.

طراحی خاص و تولید محدود

مرسدس-AMG SL ۶۳ همواره یکسی از نمادین‌ترین خودروهای رویاز اسپرت بوده و اکنون با معرفی نسخه ساحل طلایی در سال ۲۰۲۵، خاص‌تر از همیشه شده است. این مدل انحصاری تنها ۱۰۰ دستگاه در سراسر جهان تولید خواهد شد و تعداد محدودی از آن در اختیار نمایندگی‌های ایالات متحده قرار گرفته است.

جزئیات خیره‌کننده در بدنه و کابین

این نسخه توسط Manufaktur، برنامه شخصی‌سازی اختصاصی مرسدس، طراحی شده است که متریال و پرداخت‌های منحصربه‌فردی ارائه می‌دهد. رنگ خاص بدنه، طلایی مات کالاهاری، از سواحل طلایی آفتاب‌خورده الهام گرفته است. این رنگ با رینگ‌های ۲۱ اینچی فورج شده AMG که لبه‌های آن‌ها به رنگ طلایی خودرو مزین شده، هماهنگی جذابی دارد.

این خودرو همچنین به بسته‌های آیرودینامیکی و شب AMG مجهز شده است که جزئیات مشکی را به نمای بیرونی اضافه می‌کند. برخی از این بخش‌ها شامل اسپلیتر جلو، قاب لبه‌های جانبی، جلوپنجره، نشان مرسدس و خروجی‌های اگزوز با کروم مشکی هستند که تضاد زیبایی را در طراحی ایجاد کرده‌اند.

داخل کابین، صندلی‌های AMG Performance از چرم نایا مشکی دست‌دوز با دوخت لوزی‌شکل و ترئینات طلایی بهره می‌برند که هماهنگی کاملی با رنگ بیرونی دارد. این جزئیات طلایی در سراسر کابین، از جمله روی صندلی‌ها، پنل‌های در و کنسول میانی دیده می‌شود و حس لوکس بودن را دوچندان می‌کند. فرش‌های کابین با لبه‌های چرمی نایا و لوگوی گلدوزی‌شده AMG تکمیل شده‌اند.

چهار چرخ

انقلاب ۲۰۲۵ بنز با GLC-E۳۵۰ در پیمایش‌هیبریدی‌ها

مرسدس بنز GLC۳۵۰ Matic۴ مدل ۲۰۲۵ یک شاسی‌بلند پلاگین هیبریدی پیشرفته است که ترکیبی از قدرت، کارایی و برد الکتریکی قابل توجه را ارائه می‌دهد. این خودرو به یک پیشرانه ۲ لیتری توربوشارژ چهار سیلندر مجهز است که به همراه موتور الکتریکی مغناطیس دائم مجموعاً ۳۱۳ اسب بخار قدرت و ۵۵۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. نیروی تولیدشده از طریق گیربکس ۹ سرعته خودکار به سیستم چهارچرخ محرک (AWD) منتقل می‌شود. این خودرو با وزنی معادل ۲۳۱۰ کیلوگرم می‌تواند در ۶ ثانیه از صفر تا ۹۶ کیلومتر بر ساعت شتاب بگیرد، در حالی که در حالت تمام‌الکتریکی این زمان ۱۲/۸ ثانیه است.

GLC۳۵۰ دارای نرد الکتریکی ۸۷ کیلومتر است که در کنار برد ترکیبی ۶۱۲ کیلومتر، گزینه‌ای ایده‌آل برای استفاده روزمره و مسافرت‌های طولانی محسوب می‌شود. این خودرو مصرف سوخت ۲.۳ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر در حالت بنزینی و معادل ۳.۶ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر در حالت هیبریدی را ارائه می‌دهد. سیستم ترمز گیری قوی آن می‌تواند در ۳۲.۳ متر از سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت به صفر برسد.

باید پذیرفت که از زمان همه‌گیر شدن شهرت مدل جی‌کلاس، دیگر مدل‌های شاسی‌بلند بنز چندان چشم مردم، در خشان نیستند. به بیان دیگر افراد برای خرید خودروی شاسی‌مشتقل از این شرکت تکلیف خود را مشخص کرده‌اند، اما حب هنوز هم دیگر مدل‌ها کامل از خط تولید بیرون نرفته‌اند و می‌توان گفت که چنین ارتقایی می‌تواند در بقای آن‌ها اثر گذار باشد.

مرسدس بنز GLC۳۵۰ علاوه بر عملکرد فنی مناسب، سطح بالایی از راحتی و فناوری‌های مدرن را نیز ارائه می‌دهد. سیستم تعلیق بادی محور عقب، سواری نرم و راحتی را تضمین می‌کند و در عین حال، فرمان پذیری دقیق آن رانندگی را لذت‌بخش می‌سازد. طراحی داخلی این کراس‌اوور لوکس با ترکیب چرم، چوب و فلز، فضایی مدرن و جذاب خلق کرده است. نمایشگر لمسی مرکزی با رابط کاربری سریع و پاسخگو، تجربه‌ای پیشرفته را در اختیار راننده و سرنشینان قرار می‌دهد.

از دیگر قابلیت‌های قابل توجه این مدل، سیستم کروز کنترل تطبیقی و تغییر خودکار خط حرکتی است که راننده‌گی در مسافت‌های طولانی را آسان‌تر می‌کند. عملکرد این سیستم در تنظیم سرعت و تغییر خطوط، نرم و بدون نوسان است و می‌تواند فشار رانندگی در جاده‌های پرترافیک را کاهش دهد. با قیمت پایه ۶۱/۰۵۰ دلار و نسخه‌های مجهزتر تا ۷۲/۵۰۰ دلار، مرسدس GLC۳۵۰ Matic۴ اکسون در دسترس خریداران قرار دارد و یکی از بهترین گزینه‌های پلاگین هیبریدی در کلاس خود محسوب می‌شود. این خودرو گزینه‌ای مناسب برای خانواده‌هایی است که به دنبال ترکیبی از مصرف بهینه، امکانات لوکس و فناوری‌های پیشرفته هستند.

عصر برقی‌ها رسماً آغاز می‌شود

با توقف تولید Blazer بنزینی پس از سال ۲۰۲۵ و حرکت به سمت تولید انحصاری خودروهای برقی در کارخانه مکزیکی، GM برنامه دارد تا سایر مدل‌های ICE را نیز از فهرست خود حذف کند

گزارش‌ها حاکی است که GM قصد دارد پس از سال مدل ۲۰۲۵، فروش نسخه بنزینی Chevy Blazer را در آمریکای شمالی متوقف و تولید این مدل را در کارخانه مکزیکی راموس آریزبه به خودروهای برقی محدود کند. در نتیجه، نسخه دو ردیفی Blazer با موتور احتراقی از بازار آمریکا و کانادا حذف می‌شود. در حالی که نسخه سه‌ردیفی عرضه‌شده در چین تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. همچنین گزارش شده است که خودروهای ICE دیگری مانند Cadillac XT۵ و XT۶ نیز پس از سال مدل ۲۰۲۵ از بازار حذف خواهند شد. یک سخنگوی Chevy از اظهار نظر در این باره خودداری کرد.

گزارش‌ها حاکی است که Blazer بنزینی ممکن است پس از سال مدل ۲۰۲۵ از خط تولید کنار گذاشته شود، چراکه انتظار می‌رود GM برخی از خودروهای SUV دارای موتور احتراق داخلی (ICE) را از لیست محصولاتش حذف کند.

طبق اولین گزارش‌های GM Authority، فروش Chevy Blazer پس از سال مدل ۲۰۲۵ در آمریکای شمالی متوقف خواهد شد.

این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که گزارش شده GM در کارخانه خود در راموس آریزبه، مکزیک جایی که Blazer بنزینی در آن ساخته می‌شود قصد دارد تنها خودروهای برقی (EV) تولید کند.

یک سخنگوی Chevy از اظهار نظر در این باره خودداری کرد؛ اما اگر گزارش‌ها صحیح باشد، GM بدون یک SUV میان‌رده دو ردیفی با موتور بنزینی خواهد بود و انتظار می‌رود سایر SUVهای دارای موتور احتراق داخلی نیز حذف شوند.

به گزارش GM Authority، که در آمریکای شمالی به فروش می‌رسد، در آستانه حذف قرار دارد. لازم به ذکر است که این موضوع به Blazer بنزینی اشاره دارد، نه Blazer برقی شرکت Chevy. با این حال، هر دو مدل SUV میان‌رده در همان کارخانه در راموس آریزبه، مکزیک ساخته می‌شوند.

گزارش‌ها حاکی است که GM قصد دارد در این کارخانه مکزیکی حتی تنها خودروهای برقی تولید کند که انتظار می‌رود منجر به نابودی Blazer شود، حداقل نسخه‌هایی که در ایالات متحده و کانادا به فروش می‌رسند. از سوی دیگر، Blazer سه‌ردیفی با فاصله بین چرخ‌های افزایش یافته که به‌طور انحصاری در چین عرضه می‌شود، احتمالاً از این تغییرات در تولید تأثیری نخواهد دید.

هنگامی که مجله Car and Driver درباره گزارش‌های مربوط به قطع تولید Blazer بنزینی سؤال کرد، یک سخنگوی Chevy از اظهار نظر خودداری کرد. اگر منابع GM Authority صحیح باشند، Blazer تا پایان سال مدل ۲۰۲۵ تولید خود را ادامه خواهد داد و پس از آن از خط تولید خارج می‌شود؛ امری که باعث می‌شود مجموعه محصولات آمریکایی Chevy بدون یک SUV میان‌رده دو ردیفی با موتور احتراق داخلی باقی بماند. البته، این شرکت همچنان نسخه بنزینی از مدل جمع و جور Equinox و Traverse سه‌ردیفی را ارائه می‌دهد.

نیم نگاه

چهار حقیقت ترسناک درباره وام ۴۰۰ میلیونی

درباره دو وام محبوب که آنقدرها هم سهل‌الوصول نیستند

آبان فرزیان | وام فرض‌الحسنه ۴۰۰ میلیون تومانی در حال حاضر توسط دو بانک رسالت و مهر ایران پرداخت می‌شود. هر دو بانک تبلیغات سنگینی انجام می‌دهند و مخاطب ممکن است پیش خودش خیال کند با دریافت یک وام با سود ناچیز چهار درصدی، فاصله اندکی دارد ولی اوضاع در عمل کمی فرق می‌کند. تنها کمی!

زمان انتظار نسبتا طولانی

وام ۴۰۰ میلیونی بانک رسالت با کارمزد دو درصد و بازپرداخت حداکثر ۶۰ ماهه ارائه می‌شود. یکی از شرایط اصلی دریافت این وام، داشتن میانگین حساب مناسب در بازه‌زمانی سه تا شش ماهه است. بانک مهر ایران نیز وام قرض‌الحسنه ۴۰۰ میلیون تومانی را با شرایطی مشابه ارائه می‌دهد. این وام نیز دارای کارمزد ۴ درصد است و بازپرداخت آن حداکثر ۶۰ ماهه است. زمان برای دریافت این وام به مبلغ و تعداد اقساط تسهیلات انتخاب‌شده از سوی مشتری بستگی دارد و امکان دارد بین ۴۰ تا ۱۲۰ روز متغیر باشد.

الزام به داشتن میانگین حساب و سپرده

وام ۴۰۰ میلیون تومانی را بلافاصله پس از ورود به شعبه بانک پیش رویتان نمی‌گذارند. بانک مهر ایران از مشتری می‌خواهد بنا بر نیاز خود سپرده ۵۰ میلیونی تا ۴۰۰ میلیون تومانی افتتاح کند، دوره انتظار را پشت سر بگذارد و بعد به اندازه دو برابر سپرده خود وام بگیرد.

وام بانک رسالت بر اساس میانگین حساب پرداخت می‌شود. اگر ۱۰۰ درصد میانگین حسابتان را بخواهید، می‌توانید، بازپرداخت ۱۲ ماهه را انتخاب کنید. بازپرداخت ۲۴ ماهه نصیب کسانی می‌شود که ۸۰ درصد میانگین حسابتان وام بخواهند.

انتخاب بازپرداخت ۳۶ ماه، باعث می‌شود بانک، اندازه ۶۰ درصد مبلغ میانگین سپرده به شما وام بدهد. مبدل بازپرداخت ۴۸ ماه و ۶۰ ماه نیز به کسانی تعلق خواهد گرفت که به ترتیب ۴۰ درصد و ۲۰ درصد میانگین حسابشان وام بگیرند.

هرچقدر درصد وام نسبت به میانگین حساب کمتر باشد، مدت بازپرداخت بالا می‌رود. به این معنی که متقاضی می‌تواند اقساط کمتری پرداخت کند.

اعتبارسنجی الزامی است

اعتبارسنجی گر آبندی است که توسط مؤسسات مالی برای ارزیابی توانایی و تمایل وام‌گیرنده به بازپرداخت وام انجام می‌شود. در واقع، اعتبارسنجی نوعی ارزیابی ریسک است که به وام‌دهنده کمک می‌کند تا تصمیم بگیرد که آیا به فرد یا شرکتی وام بدهد یا خیر و در صورت اعطای وام، با چه شرایطی.

اگر فرد یا شرکتی سابقه اعتباری ضعیفی داشته باشد، ممکن است نتواند وام بگیرد یا وامی با شرایط مطلوب دریافت کند. به عنوان مثال، فردی که دارای سابقه تاخیر در پرداخت اقساط واجهای قبلی یا چک برگشتی است، ممکن است در اعتبارسنجی امتیاز پایینی کسب کند و نتواند وام بگیرد.

حتی اگر شما سپرده قرض‌الحسنه افتتاح کنید و دوره انتظار سه تا شش ماهه را هم با موفقیت بگذرانید، باز هم ممکن است درخواست وام شما به دلیل نمره پایین در آزمون اعتبارسنجی رد شود. نمره پایین در اعتبارسنجی نشان می‌دهد که از نظر بانک، شما احتمالاً قادر به بازپرداخت وام نیستید و به همین دلیل، درخواست وام شما رد می‌شود.

بانک‌ها سابقه پرداخت اقساط واجها و تسهیلات قبلی شما را بررسی می‌کنند. پرداخت به‌موقع اقساط، نشان‌دهنده خوش‌حسابی و تعهد شما به بازپرداخت بدهی‌هاست و امتیاز اعتباری شما را افزایش می‌دهد. در مقابل، تاخیر در پرداخت اقساط یا عدم پرداخت آن‌ها، امتیاز اعتباری شما را کاهش می‌دهد.

داشتن چک برگشتی، به‌ویژه چک برگشتی متعدد، تاثیر منفی بر امتیاز اعتباری شما دارد و می‌تواند مانع از دریافت وام شود. داشتن بدهی معوق، مانند بدهی مالیاتی، قبوض برق‌نشده و ... نیز می‌تواند در اعتبارسنجی تاثیر منفی داشته باشد.

افتتاح سپرده و گذراندن دوره انتظار، نشان دهنده تمایل شما به دریافت وام است، اما به تنهایی نمی‌تواند تضمینی برای دریافت وام باشد. بانک همچنان باید از توانایی شما در بازپرداخت وام مطمئن شود و این موضوع از طریق اعتبارسنجی مشخص می‌شود.

علاوه بر نمره اعتبارسنجی، عوامل دیگری مانند سابقه اعتباری شما، وضعیت شغلی، میزان درآمد و بدهی‌های شما نیز در تصمیم‌گیری بانک مؤثر هستند.

اقساط سنگین

کارمزد دو و چهار درصدی جذاب به نظر می‌رسد اما چون وام در نهایت با توجه به مدت‌زمان مورد نیاز میانگین حساب و رقم سپرده به متقاضی تعلق می‌گیرد، امکان دارد اقساط پرداختی ماهیانه سنگین شود.

اگر کسی بخواهد در کمترین زمان ممکن، ۴۰۰ میلیون تومان وام بگیرد، باید دقیقا همین مبلغ را برای مدت سه تا شش ماه در بانک رسالت سپرده‌گذاری کند. با توجه به سود دو درصدی و مهلت بازپرداخت ۱۲ ماهه، این فرد باید هر ماه حدود ۳۳ میلیون ۶۰۰ هزار تومان قسط بدهد. برای کاهش رقم اقساط باید دو میلیارد تومان در بانک بگذارید تا بتوانید ۲۰ درصد میانگین حسابتان یعنی ۴۰۰ میلیون تومان وام به شما تعلق بگیرد. حالا ۶۰ ماه برای تسویه اقساط فرصت دارید و اقساط به ماهی هفت میلیون تومان کاهش پیدا می‌کند.

اقساط وام ۴۰۰ میلیونی بانک مهر ایران هم سنگین می‌شود در صورتی که شخصی مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان سپرده‌گذاری کند. او پس از ۷۰ تا ۱۲۰ روز، می‌تواند ۸۰۰ میلیون تومان وام با سود ۴ درصد دریافت کند. اگر مدت بازپرداخت ۶۰ ماه باشد، سود کل وام حدود ۱۴/۷ میلیون تومان خواهد بود.

وقتی وزن و زیبایی خیلی مهم است!

همه نکاتی که باید درباره تفاوت سکه‌های بانکی با غیربانکی بدانید

اکرم احمدی | قیمت سکه امامی در یک هفته گذشته حدود ۱۶ میلیون تومان افزایش داشته، بقیه سکه‌ها هم بسته به جثه و ارزشی که دارند این رشد قیمت را تجربه کرده‌اند. صعود بی‌سابقه قیمت انواع سکه باعث شده سرمایه‌گذارهای کم‌بضاعت وارد بازار طلا و سکه شوند. از طرف دیگر کلاهبردارها هم بیکار ننشسته‌اند و در روزهایی که بازار خرید و فروش داغ است، در فضای مجازی سکه می‌فروشند. خودشان معتقدند سکه بانکی دست مردم می‌دهند، اما گمانی که بعد از خرید این سکه‌ها نقد داغ شده‌اند، نظرشان متفاوت است. برای همین بهتر است قبل از خرید هر سکه‌ای اول فرق سکه‌های بانکی با انواع غیربانکی را بشناسید.

سکه‌های بانکی چه مشخصاتی دارند؟

بهترین تعریف برای معرفی سکه‌های بانکی این است که این سکه‌ها توسط بانک مرکزی ضرب و به بازار عرضه می‌شوند. اما سکه‌های غیربانکی توسط کارگاه‌های تولید طلا به مغازه‌دارها فروخته و مدل‌های مختلف آن پشت ویترین ردیف می‌شوند. تمام سکه‌ها پرازادی یا سکه طرح قدیم، تمام سکه‌های امامی یا سکه طرح جدید، تمام سکه‌ها پرازادی، ربع‌سکه پرازادی و سکه گرمی، پنج سکه‌ها هستند که توسط بانک مرکزی ضرب می‌شوند. اما ممکن است در بازار سکه‌هایی ببینید که با همین اسامی فروخته می‌شوند اما در واقع سکه‌های واقعی نیستند.

سکه‌های غیربانکی برخلاف سکه بانکی، تضمین شده نیستند و از نظر ابعاد، شکل، وزن یا عیار تفاوت زیادی با نوع بانکی دارند. سکه‌های بانکی مشخصات خاصی دارند که آن‌ها را از سایر انواع سکه‌ها ممتاز می‌کند. مهم‌ترین ویژگی که بین همه سکه‌های بانکی مشترک است، عیار آن‌هاست. سکه بانکی با عیار ۹۰۰ و ۱۰۰۰ تولید می‌شود که این موضوع روی ارزش و قیمت آن‌ها هم تأثیر می‌گذارد. طراحی این نوع سکه‌ها هم شبیه هم است که می‌تواند با این شباهت‌ها سکه بانکی را از نوع غیر بانکی تشخیص بدهید. در یک طرف سکه‌های بانکی، بارگاه امام رضا (ع) طراحی و روی همه این سکه‌ها، سال ضرب حک شده است. یکی دیگر از مشخصات مشترک سکه‌های بانکی، طراحی کنگره‌ای دور تا دور سکه است که با این طراحی ویژه می‌توانید سکه‌های بانکی اصل را از نمونه‌های تقلبی تشخیص بدهید.

چگونه سکه‌های غیربانکی را بشناسیم؟

سکه‌های غیربانکی عیار، وزن، شکل و ظاهر، تاریخ ضرب، قطر و رنگ متفاوتی دارند.

عیار: همان‌طور که گفته شد سکه‌هایی که توسط بانک مرکزی ضرب می‌شوند، دارای عیار ۹۰۰ (یا ۲۱/۶ عیار طلا) هستند. اما سکه‌هایی که توسط تولیدکننده‌ها و کارگاه‌های خصوصی تولید می‌شوند، عیار متفاوتی دارند. ممکن است بعضی از سکه‌ها ۱۷ عیار، ۱۸ عیار، ۲۴ عیار و حتی ۱۴ عیار باشند. عیار سکه و طلا را فقط طلافروش‌های حرفه‌ای می‌توانند تشخیص بدهند به همین دلیل برای خرید سکه باید یا دل از همه از عیار و خلوص طلایی که در سکه استفاده شده، مطمئن شوید. وزن سکه: یکی از روش‌های مطمئن برای تشخیص بین سکه‌های بانکی و غیربانکی بررسی وزن آن است. وزن سکه تمام پرازادی هشت گرم و ۸۱۳۳ سوت است و سکه‌های وکیومی هم بین ۱۰/۵ تا ۱۱/۵ گرم وزن دارند. اگر زمان خرید سکه متوجه شدید که وزن آن از این میزانی که گفته شد، کمتر است حتما به اصل بودن سکه بانکی و اصالت آن شک کنید.

شکل و ظاهر: قبل از خرید سکه طلا حتما باید به شکل اصلی سکه توجه کنید. وقتی یک سکه بانکی را کنار سکه غیربانکی بگذارید، ظاهر این دو سکه خیلی با هم فرق می‌کند. سکه‌های بانکی مرکزی بدون تاب، تحت و صاف هستند. یعنی اگر به صورت عمودی به سکه نگاه کنید، هیچ گونه برجستگی یا موج و تابی روی سکه وجود ندارد. ولی سکه‌های غیر بانکی صاف و بدون تاب نیستند و بیشتر انها محدب هستند.

اندازه قطر: نکته مهمی که در شناخت سکه‌های غیربانکی به شما کمک می‌کند، آگاهی از اندازه قطر سکه است. قطر دایره‌ای تمام‌سکه، ۲۲ میلی‌متر، نیم‌سکه ۱۹ میلی‌متر، ربع‌سکه ۱۴ میلی‌متر و سکه

یک‌گرمی ۱۳/۳ میلی‌متر است. اما همه سکه‌های غیربانکی قطرهای متفاوتی دارند و بیشتر آنها به دستور بانک مرکزی به اشکال ذوزنقه، مستطیل، لوزی و ... تولید می‌شوند.

تاریخ ضرب: زمان ضرب سکه بانکی به غیر از همه مواردی که گفته شد اهمیت دارد و باید به تاریخ ضرب آن هم توجه کنید. سکه تمام‌پرازادی طرح قدیم در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰، سکه امامی در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶ ضرب شده، سکه نیم و ربع پرازادی در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶ و سکه یک گرمی بانکی از سال‌های ۱۳۹۰ به بعد ضرب شده‌اند. تاریخ‌ها تاریخ تولید و عرضه انواع سکه‌های بانکی را نشان می‌دهند. البته سکه‌های ضرب ۱۴۰۳ هم داریم که جدیدترین سری سکه‌هایی هستند که توسط بانک مرکزی ایران ضرب و وارد بازار شده‌اند. این سکه‌ها از نظر وزن، عیار و ابعاد هیچ تفاوتی با سکه‌های ضرب سال‌های قبل، مثل سکه‌های ضرب ۱۳۸۶ ندارند و فقط تاریخ ضرب آنها تغییر کرده است.

رنگ سکه: بعد از بررسی تاریخ ضرب باید رنگ آن را هم بررسی کنید. رنگ سکه بانکی هم رنگ شمش است نه خیلی زرد است و نه خیلی کم‌رنگ و سفید.

کنگره‌های سکه: اگر یک سکه بانکی را دستتان بگیرید، کنگره‌های دور آن منظم و خیلی دقیق و با فاصله‌های مشخص در کنار یکدیگر قرار دارند. اما کنگره‌های سکه‌های غیربانکی منظم نیستند و حتی اگر نانختنان را روی کنگره‌های سکه غیربانکی بکشید، برخلاف سکه‌های بانکی، در قسمتی از کنگره‌ها همکن است گودی و بی‌نظمی مشاهده کنید.

متن حکاکی شده روی سکه: وقتی سکه بانکی را زیر ذره‌بین نگاه کنید، عبارت بانک مرکزی ایران را حتما می‌بینید که به شکلی نوشته شده که محل نقطه‌ها دقیق و دارای ابعاد مشخص است. اما سکه‌های غیربانکی اصلا چنین نظمی ندارند.

بسته‌بندی سکه: در حال حاضر بعضی از فروشندگان، سکه بانکی را به صورت وکیوم می‌فروشند و روی آن را با مهر، آرم و شماره تلفن می‌زنند تا کسب و کار خود را معرفی کنند. اما بعضی از افرادی که می‌خواهند سکه بانکی را به عنوان سکه بانکی بفروشند از این روش سوءاستفاده می‌کنند. به همین دلیل بهتر است قبل از خرید سکه به این نکات توجه کنید: پرس بسته‌بندی سکه باید بدون هیچ گونه آثار ورم یا باد کردگی باشد. هیچ‌وقت بسته‌بندی نیز نباید رنگ پریده و دارای خط و خش باشد. همچنین روی بسته‌بندی یا وکیوم سکه حتما باید نام و آدرس و تلفن فروشنده حک شود.

میانگین قیمت مسکن در تهران چقدر است؟

محله‌هایی که در آن می‌توانیم با متری ۱۰۲ میلیون تومان خانه بخریم

مسکن

از مردادماه امسال تا کنون بانک مرکزی به دلیل عدم ثبت داده‌های معاملات مسکن در سامانه پیشین و انتقال آن به سامانه‌های جایگزین، امار مسکن را منتشر نکرده است. در عوض مرکز آمار که ماهانه در گزارشی به میزان تورم می‌پردازد، جای بانک مرکزی را پر کرده. از مرداد امسال تا پایان دی‌ماه شاخص تورم مسکن حدود ۱۵/۶ درصد رشد کرده که به معنای میزان رشد قیمت مسکن است. از آنجایی که قیمت هر متر مسکن در مردادماه ۸۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود، در دی‌ماه متوسط هر متر خانه در پایتخت به رقم ۱۰۲ میلیون و ۳۰۶ هزار تومان در هر متر مربع رسیده است. اما با این رقم در کدام مناطق تهران می‌شود خانه خرید؟

خانه‌های متوسط

اگر دنبال خریـد خانه ۱۰۰ متـری و دوخوابه در تهران باشـید که هر متر از آن حوالی ۱۰۲ میلیون تا ۱۰۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان قیمت داشـته باشد، باید سراغ محله‌هایی در غرب یا شرق تهران بروید. برخلاف تصور، در این محله‌های مرکز شهر، نمی‌توانید خانه‌ای را با این قیمت پیدا کنید.

در حوالی خیابان پلیس برای خریـد هر متر خانه ۲۳ سال سـاخت باید ۱۰۳ میلیون تومان هزینه کنید. این خانـه دوخوابه بـوده و در طبقه چهارم ساختمانی بیتم طبقه قرار گرفته و دارای آسانسور، انباری و پارکینگ اسـت. معمـاری داخلی واحد چندان چنگی به دل نمی‌زند اما بازسـازی شده و تمیز به‌حساب می‌آید. در خیابان منیریه در جنوب غرب تهران، می‌توانید با ۱۰۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان سراغ واحدی دو سال سـاخت و دوخوابه و نوساز بروید که در طبقه دوم ساختمانی پنج طبقه قرار گرفته و دارای آسانسـور، انبـاری و پارکینگ اسـت و نور خوب و دسترسی آسـانی دارد. قیمت خانه ۱۰۰ متری و ۱۳ سـال سـاخت و دوخوابه در شـمس‌آباد متری ۱۰۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. با این‌حساب برای خرید خانه‌ای که در طبقه اول قرار گرفته و دارای امکانات کامل است باید ۱۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان خرج کنید. در شهران جنوبی، قیمت خانه ۱۰۰ متری و ۹ سال ساخت و دوخوابه در طبقه سوم که دارای آسانسور، انباری و پارکینگ اسـت، ۱۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تعیین شده.

در خیابـان جمازاده جنوبی و نزدیـک به خیابان جمهوری، یک ۱۰۰ میلیـارد و ۳۰۰ میلیون تومان می‌توانید واحدی دوخوابه و نوسـاز بخرید که در طبقه چهارم قرار گرفته، نوسـاز بوده و از آسانسور، انبـاری و پارکینگ برخوردار اسـت. اگر بخواهید در ظفر، خانه‌ای ۳۰ سال سـاخت و ۱۰۰ متری و دوخوابه بخرید که نوسـازی نشده و در طبقه سوم قرار گرفته، باید به ازای هر متر ۱۰۲ میلیون تومان هزینه کنید. این خانه پارکینـگ و انباری دارد اما فاقد آسانسـور بوده و دسترسی آن در کمتر از پنج دقیقه به مترو میسـر می‌شـود. خانه پرنور بوده و خوش‌ساخت است.

خانه‌های نقلی

اگر بخواهید در خیابان سـنایی خانه‌ای ۵۰ متری و ۲۵ سال ساخت بخرید، به پنج میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان پول نیاز خواهید داشت. این خانه در طبقه دوم سـاختمانی چهارطبقه قرار گرفته و امکانات خاصی ندارد. واحدی که حرفش را می‌زنیـم دارای نور زیاد و طراحی داخلی قابل توجه است. در شاهین شمالی با پنج میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان می‌توانید سـراغ خانه ۵۰ متری و یک‌خوابه در طبقه اول سـاختمانی چهارطبقه بروید کـه انباری دارد اما از آسانسـور و پارکینگ برخوردار نیست. ساختمان در سال ۱۳۸۳ ساخته شده و در سـالن واتق خواب نور زیادی دارد. قیمت هر متر از خانه‌ای که مـا اگهی آن را دیده‌ایم، ۱۰۴ میلیون تومان تعیین شده است. برای خرید خانه ۵۰ متری در خیابان معلم، بایـد پنج میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان پول داشته باشید. این خانه یک‌خوابه بوده و در طبقه دوم قرار گرفته و سال ۱۴۰۰ ساخته شـده اسـت. خانه مدنظر ما فاقد پارکینگ است اما می‌توانید از انباری و آسانسور آن استفاده کنید. واحد نورزیادی دارد و خوش‌ساخت است و دسترسی آسانی به مرکز شـهر دارد. اگر دنبال خانه ۱۵ سال ساخت در خیابان شمس‌آباد باشید، یک گزینه ۵۰ متری با قیمت پنج میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان انتظارتان را می‌کشـد. این خانه دارای انباری بوده و در طبقه اول قرار گرفته اسـت و بالکن جمع‌پوز دارد. گزینه دیگر خانه ۵۰ متری در تهران پارس غربی اسـت که یک خوابه بوده و ۲۱ سال از زمان ساختش می‌گذرد. این خانه در طبقه اول ساختمانی بیتم طبقه قرار گرفته و پارکینگ و انباری دارد اما فاقد آسـانسور است و از نور خوبی برخوردار شده. شما همچنین قادرید در خیابان جمازاده جنوبی خانه ۵۰ متری و ۲۳ سال ساخت و یک‌خوابه را با نرخ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان بخرید.

جاب سکه افزایش پیدا کرد

رئیس اتحاد به طلا و جواهر با بیان این که تقاضا در بازار طلا و سکه مثل سنوات گذشته نیست و بازار انتهایی ندارد و روال عادی خود را طی می‌کند، می‌گوید شرایط کنونی بازار این گونه است که همان‌طور که قیمت‌ها بالا رفته، همین طور برش‌های هم احتمال دارد در پی داشته باشد. در دو روز گذشته نه اتفاق خاصی افتاده و نه می‌توانیم بگوییم تقاضا خیلی بالا رفته است. بر واز عجیب جاب سکه. این ابهام را در بازار سکه ایجاد کرده که احتمال دارد به همان سرعتی که قیمت سکه به مرز ۸۰ میلیون تومان رسیده است، به همان سرعت هم قیمت‌ها به قبل باز گردد. در این جا، این خبر داران بازار هیجاتی سکه هستند که ضررهای سنگین خواهند کرد.

میزان مصرف گاز در بخش خانگی مشخص شد

سخنگوی شرکت ملی گاز ایران از مصرف ۶۷۶ میلیون مترمکعب گاز معادل ۷۸ درصد کل گاز شیرین بین تولیدی در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء در روز یکشنبه خبر داد. سید حسن موسوی با اعلام اینکه مقدار مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء روز یکشنبه، ۲۱ بهمن با توجه به کاهش دما در اکثر استان‌های کشور ۳۰ درصد نسبت به پارسال افزایش داشته، گفت: «در روز ۶۷۶ میلیون مترمکعب گاز در این بخش مصرف شده است. او به تحویل ۸۶۹ میلیون مترمکعب گاز طبیعی به شبکه سراسری در روز یکشنبه اشاره و تصریح کرد: ۸۷ درصد از کل گاز تحویلی به شبکه سراسری به بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء اختصاص داشته است.

۲ درصد

پر بیر

بازارهای مالی

بیت‌کوین سد مقاومتی را می‌شکند؟

مرزاز دل دنیا برای رسیدن به سطح ۱۰۰هزار دلاری چند مانع بزرگ پیش رو دارد

بررسی حجم معاملات روز گذشته بازار ارز دیجیتال نشان می‌دهد، بیت کوین رمزارزاول این بازار دوباره توانسته اعتماد خریداران را جلب کند. نوسانات این رمزارز روز گذشته بیشتر روی نمودار صعودی حرکت کرده و قیمت این ارز نسبت به روز یکشنبه نزدیک ۴۶ درصد افزایش داشته است. همین موضوع باعث شده بعضی از تحلیل گران پیش‌بینی کنند که پادشاه رمزارزها دوباره می‌تواند تا سطح ۱۰۰ هزار دلاری صعود کند. سطحی که برای بیت کوین اصلا جدید نیست و سابقه نشستن در سطوح بالاتر از آن را هم دارد. هفته گذشته بسیاری از سرمایه‌گذاران جرأت نکردند وارد بازار شوند و تعداد زیادی از آنها هم به فکر فـروش افتادند که به اصلاحات شـدید قیمت این

نکته بازی

پس لابد قوم و خویش ما مقصرند!

در دقایق پایانی بازی مس رفسنجان و استقلال، وقتی هواداران استقلال در چندمین بازی متوالی شعار «حیاکن رها کن» علیه سهراب بختیاری‌زاده سر دادند، گزارشگر شبکه استانی کرمان، از سرمربی موقت این تیم حمایت کرد. او معتقد بود که سهراب از خودگذشتگی و شهامت به خرج داده که در چنین شرایطی مسئولیت قبول کرده است. او دقیقا این جملات را به زبان آورد: «آخه بنده خدا سهراب چه تقصیری داره؟ اگه قرار به جوابگویی باشه، باید اونایی که موسیمانه‌رو آوردن و یه ویلموتس باشگاهی برامون درست کردن جواب بدن.» درباره قرارداد با موسیمانه که قطعا مدیران باشگاه باید پاسخگو باشند و اینکه هواداران از سهراب می‌خواهند حیا کند و رها کند، مسئولیت مدیران را کم نمی‌کند و آنها باید به هواداران در این باره توضیح بدهند. اما آیا کسی که در یک فصل در دو مقطع سرمربی موقت تیم می‌شود و در همان فصل دستیار اصلی سرمربی خارجی است، هیچ نقشی در به وجود آمدن این شرایط ندارد؟ اگر کسی در چنین شرایطی قبول می‌کند که سرمربی تیم باشد، هواداران باید از او ممنون باشند؟ اگر او این کار را نمی‌کرد، هواداران دلخور می‌شدند؟ به خدا نه! سهراب مقصر اصلی این وضعیت نیست اما به اندازه سهمش در به وجود آمدن این شرایط اسفبار نقش دارد. او غریبه نبود و از بیرون باشگاه نیامده بود که به وضعیت تیم اشراف نداشته باشد. او همه چیز را درباره تیم می‌دانست. نبردن تیم یازدهم لیگ نخبگان با آن تعویض‌های عجیب و ۹۰ دقیقه بازی خواب‌آور مقابل مس رفسنجان، تقصیر دیگران نیست. سهراب همانقدر که برد مقابل استقلال خوزستان را نتیجه کار خودش می‌داند، باید در مساوی مقابل الشرطه هم که کم از باخت نداشت، مسئولیت قبول کند.

حق داری شاکی باشی آقای صادقی!

امیرحسین صادقی پیشکسوت استقلال یکشنبه شب در یک اســـتوری طعنه‌آمیز نوشت: «حیف! نه رانتی دارم، نه به ارگانی وصلم، نه نماینده مجلس رفیقمه، نه به بالا وصلم که اســـم‌مو بیارن و بتونم به تیمم کمک کنم.» راستش می‌خواستیم بنویسیم که سرمربیگری در فوتبال ایران، اینقدر هم «هرکی هرکی» نیست که شما با سابقه مربیگری در تیم‌هایی مثل «پیشگامان فنون» و «اتحاد فومن»، توقع داشته باشی گزینه مربیگری در استقلال باشی و «گزینه» نبودنت را هم حاصل نداشتن رانت و وصل نبودن به بالا و رفیق نداشتن در بین نمایندگان مجلس بدانی! می‌خواستیم بگوییم استقلال دیگر آنقدرها هم بی‌حساب و کتاب نیســـت اما اوضاع این روزهای این تیم را که می‌بینیم، متوجه می‌شویم توقع جناب صادقی بیراه هم نیســـت. وقتی عنایتی بعد از فاجعه با تیم امید و پیکان و نفت مسجدسلیمان، برای چندمین بار گزینه مدیران باشگاه می‌شود، خب چرا صادقی نه؟ اصلا وقتی یکی مثل ابراهیم طالبی هم چند بازی سرمربی استقلال بوده، معلوم است که صادقی باید توقع داشته باشد جزو گزینه‌ها باشد. وقتی هر پیشکسوتی با تجربه سرمربیگری در چند بازی لیگ یکی، فکر می‌کند حقش را در استقلال خورده‌اند، خب صادقی باید هم شاکی شود! فقط می‌خواستیم یک چیزی را به صادقی و بقیه پیشکسوتان استقلال بگوییم؛ این پیکر نیمه جانی که روی زمین افتاده، پیکر تیمی است که سال‌ها در آن بازی کرده‌اید و مدعی هستید عاشقش هستید! روا نیست حالا که به این حال و روز افتاده، به دنبال منافع شخصی‌تان باشید و هدف‌تان این باشد که از این آب گل‌آلود ماهی بگیرید. خودتان هم می‌دانید که دوای درد این استقلال نیستید. به جای سهم‌خواهی و فرصت‌طلبی، متحد شوید و به تیم کمک کنید. ممنون.

مصیبت‌های استقلال یکی دو تا نیست

در آستانه تقابل حساس استقلال و شمس‌آذر در جام حذفی، آبی‌پوشان با مشکلات پرشماری مواجه هستند

استقلال بعد از گذراندن ۲ بازی پیاپی با ثبت نتیجه تساوی برابر الشرطه عراق و مس رفسنجان (در لیگ نخبگان آسیا و لیگ‌برتر) حالا باید خود را برای حضور در جام حذفی آماده کند. با توجه به وضعیت آبی‌پوشان در ۲ تورنمنت دیگر، به نظر می‌رسد موفقیت در جام حذفی و کسب قهرمانی در این تورنمنت می‌تواند مهم‌ترین هدف استقلالی‌ها در ادامه فصل جاری باشد که البته رسیدن به موفقیت در این تورنمنت با حضور مدعیانی مثل سپاهان و پرسپولیس کار دشواری است.

آبی‌پوشان که امیدشان به کسب دوباره سهمیه لیگ نخبگان نزدیک به صفر شده، می‌توانند از راه قهرمانی در جام حذفی خود را به لیگ قهرمانان آسیا ۲ فصل آینده برسانند و کسب ســـهمیه آســـیایی بر انگیزه‌های آنها برای موفقیت در جام حذفی افزوده است. در این میان، استقلالی‌ها درگیر مشکلات و مصائب پرشـــماری برای انجام دومین مسابقه خود در جام حذفی هستند. آبی‌پوشـــان که قدم اول در جام حذفی ۰۴-۱۴۰۳ را با برد اقتصادی مقابل مس کرمان با هدایت پیتسو موسیمانه برداشتند، حالا باید پنجشنبه در ورزشگاه سردار آزادگان قزوین با هدایت ســـهراب بختیـــاری‌زاده به مصاف شمس‌آذر بروند.

جو رختکن تحت‌الشعاع فقدان سرمربی!

استقلالی‌ها برای انجام دومین مســـابقه در فصل جدید جام حذفی، چالش‌های پرشـــماری دارند که بدون شک یکی از مهم‌ترین آن‌ها، بی‌ثباتی وضعیت کادرفنی است؛ به‌طوری که با وجـــود توافقات انجام شـــده، فعلاً خبـــری از معارفه والتر ماتزاری نیست و از ســـوی دیگر، حتی اگر معارفه ماتزاری تا پیش از دوئل با شمس‌آذر هم انجام پذیرد، او در این مسابقه روی نیمکت آبی‌پوشان نخواهد نشست که حضور سرمربی موقت خود می‌تواند دردسرساز باشد؛ چراکه بی‌ثباتی موجود می‌تواند اتمسفر رختکن آبی‌ها را تحت‌الشعاع قرار بدهد.

ستاره‌هایی که نیستند

جوئل کوجو که شـــروع خوبی در ترکیب آبی‌پوشان داشت و آمادگی فنی بالایی از خود نشان داد، به دلیل آسیب‌دیدگی حدود یک‌ماه از میادین دور اســـت و نمی‌تواند آبی‌پوشان را در دیدار پیش‌رو همراهی کند. جلال‌الدین ماشـــاریپوف و مهرداد محمدی هم همچنان درگیر مصدومیت هستند تا این ۲ مهره کلیدی هم خارج از دسترس کادرفنی استقلال برای بازی انتقامی مقابل شـــمس‌آذر باشند؛ چراکه آخرین باخت خانگی آبی‌ها برابر شاگردان مهدی رحمتی در آغاز نیم‌فصل دوم در ورزشگاه آزادی رقم خورد و این شکست، حساسیت و اهمیت دوئل عصـــر پنجشـــنبه در قزویـــن را دوچندان کرده است.

محرومیت رضاوند و مصدومیت چشمی

آرش رضاوند هم که در بـــازی قبلی مقابل مـــس کرمان با کارت قرمز از زمین مسابقه اخراج شد، به دلیل محرومیت در دسترس کادرفنی استقلال برای مصاف پیش‌رو با شمس‌آذر نیســـت. در این میان، مشخص شـــده که روزبه چشمی هم مصدوم است و احتمالا منیسک او آســـیب دیده که اگر این خبر تایید شود، او نه تنها بازی با شـــمس‌آذر، بلکه بسته به شدت مصدومیت، ممکن است بازی با الریان و حتی دربی را هم از دست بدهد.

کابوس حذف از جام حذفی

این روزها به واسطه ضعف شدید استقلال از نظر فنی و روانی، هر تیمی از رویارویی با اســـتقلال استقبال می‌کند تا شاید با پیروزی بر این تیم، تاریخ‌ســـازی کند اما تقابل با تیمی مثل شمس‌آذر برای استقلال ترسناک‌تر هم هست. این تیم همین چند هفته پیش در آزادی توانست استقلال را در اولین بازی دور برگشت شکســـت دهد و در ادامه هم نتایج بدی نگرفته است. با توجه به وضعیت این روزهای استقلال و غیبت چند بازیکن این تیم به دلایل مختلف، احتمال شکســـت خوردن دوباره از شمس‌آذر اصلا بعید نیســـت و این به معنای حذف از جام حذفی و از دســـت رفتن شـــانس اندک این تیم برای قهرمانی در جام حذفی است.

دل بستن به جوما

مصدومیت چهار هفته‌ای جوئل کوجو خط حمله اســـتقلال را در شـــرایط خاصی قرار داد و حالا اهمیت حضور مسعود جوما مهاجم کنیایی در لیســـت آبی‌ها بیشـــتر از همیشـــه خواهد بود. اســـتقلال در حـــال حاضر جومـــا و محمدرضا آزادی در پســـت خـــط حملـــه دارد و تا بازگشـــت مهرداد محمدی و رسیدن به فرم ایده‌آل این دو مهاجم دارایی‌های اســـتقلال برای لیـــگ برتر، جـــام حذفی و لیـــگ نخبگان خواهند بود.

جوما در بازی با ســـپاهان گل مهمی برای اســـتقلال به ثمر رساند و در بازی با الشرطه هم در اواخر بازی به میدان آمد و بدشانس بود که نیم‌تنه او در آفساید قرار داشت و می‌توانست با ثبت آن گل مقدمات صعود استقلال به مرحله حذفی لیگ نخبگان را فراهم کند.

این بازیکن کنیایی که فشارهای زیادی را در روزهای گذشته تجربه کرده و حواشـــی مختلفی اطراف او دیده می‌شـــود و البته اصلی‌ترین حامی خود پیتسو موسیمانه هم از این تیم جدا شده، بار دیگر در موقعیتی قرار گرفته که با گلزنی برای استقلال آشتی شیرینی با هواداران استقلال داشته باشد. کلا اینکه چشم امید اســـتقلال و هوادارانش به گلزنی بازیکنی مثل جوما باشد، به تنهایی نشان‌دهنده وخامت اوضاع برای این تیم است!

گزارش

از غوغای داوری تا بن‌بست تاکتیکی

کارلو آنچلوتی بار دیگر در پیروزی در یک مسابقه بزرگ ناکام ماند

شـــهرآورد نزدیـــک و نفســـگیر مادرید با تســـاوی یک- یک به پایان رســـید و صدر جـــدول رده‌بندی رقابت‌های لالیگای اســـپانیا دست‌نخورده باقی ماند. خولیان آلوارس اولین و آخرین شـــوت در چارچوب اتلتیکومادرید را از روی نقطه پنالتی به گل بدل کرد تا روخی‌بلانکوس به نخستین پیروزی خود در برنابئو در ۹ سال اخیر امیدوار شود اما شلیک فرصت‌طلبانه امباپه در ابتدای نیمه دوم به تقســـیم امتیازات منجر شد.

تداوم غوغا برسر داوری

غول‌های فوتبال در پایتخت اســـپانیا تمام هفته را به بحث‌های حاشیه‌ای در مورد سطح قضاوت در لیگ این کشور گذراندند؛ شبکه اختصاصی رئال مادرید طبق معمول با انتخاب هر داور فیلمی از تصمیمات اشتباه او به ضرر این باشگاه را پخش می‌کند و این بار مسئولان اتلتیکو با به سخره گرفتن این رویکرد به لوس‌بلانکوس طعنه زدند. رئال از نیاز به اصلاح ساختاری در داوری اسپانیا ســـخن می‌گوید و اتلتیکو به تحت فشار قرار دادن داوران توسط تیم رقیب معترض است.

پنالتی روحیه‌بخش آلوارس

خولیان آلوارس برای حضور ثابت در مسابقات بزرگی مانند این در پنجره تابســـتانی نقل و انتقالات امسال منچسترسیتی را به مقصد مادرید ترک کرد. او در ۲ مسابقه سیتیزن‌ها در برنابئو تنها ۴ دقیقه فرصت بازی به دست آورد. آلوارس زیر صدای آزاردهنده هواداران حاضر در ورزشگاه پشت توپ ایســـتاد. کورتوا قصد داشت تمرکز او را به هم بزند اما مهاجم آرژانتینی به داور نگاه کرد و در نهایت با شلیک چیپ زیبا به مرکز دروازه، کلین‌شیت ســـنگربان بلژیکی رئال مادرید را به باد داد.

یک نیمه پشت در بسته

آنچلوتی همچنان به اســـتفاده همزمـــان از ۴ مهره تهاجمی خود پایبند است. سیمئونه با سیستم ۲-۴-۴ معمول خود، راه‌های نفوذ به مرکز را بست. مهاجمان به جای استفاده از کناره‌ها برای آسیب به حریف، همه در وسط محوطه جریمه جمع می‌شدند. رقبا معمولاً به کناره‌هـــا روی می‌آورند اما ســـتاره‌های مادرید با بازگشت به خط میانی تلاش می‌کردند با یک - دو و پاس‌های کوتاه از پس دفـــاع چندلایه حریف برآیند؛ هرچند عملکرد آنها چندان جالب نبود. رودریگو ۷ بار و بلینگام ۱۰ بار توپ را لو دادند. فران گارسیا و لوکاس واسکس در صدد نفوذ از کناره‌ها بودند اما کندی این ۲ بازیکن و هوشیاری دفاع اتلتیکو با ایجاد برتری نفری مانع این کار می‌شد. بررســـی‌های رسانه «اتلتیک» نشان می‌دهد ۴۷ درصد حملات رئال مادرید در نیمه نخست از جناح راست انجام گرفت.

تغییرات رئال در نیمه دوم

با بازگشت از رختکن، خط حمله رئال مادرید عرض بیشـــتری به خود گرفت. رودریگو به ســـمت راست رفت و وینیســـیوس جونیور دفاع اتلتیکو را به سمت چپ باز می‌کرد. امباپه در مرکـــز ماند و بلینگام مثل همیشه با فرار و نفوذ دردسرســـاز ظاهر می‌شد. گل نخست با پاس روبه‌عقب رودریگو از سمت راست برای بلینگام و شـــلیک نهایی امباپه روی توپ برگشتی به ثمر رســـید. با باقی ماندن رودریگو در جناح راست، امباپه و وینیسیوس فرصت بیشتری برای جابه‌جایی پرسرعت به دســـت آوردند. فرار بلینگام با ضربه سر خطرناکی همراه شـــد که یان اوبلاک آن را دفع کرد و سرعت وینیســـیوس در سمت چپ مدافعان خسته اتلتیکومادریـــد مانند مارکوس یورنتـــه را به زحمت انداخت. توازن دفاع اتلتیکو برای دقایق زیادی از نیمه دوم به هم ریخت و رئال بر جریان حملات تسلط یافت؛ هرچند نتیجه نهایی چیزی جز تساوی نبود.

جنگ برسر قهرمانی

دربی مادرید بیشتر از کیفیت فنی آبستن حواشی بود اما در نهایت هیجان رقابت بر سر قهرمانی رقابت‌های فصل ۲۵-۲۰۲۴ لالیگای اســـپانیا را به نقطه جوش رســـاند. رئال مادرید برای دومین بـــار در این فصل مقابل اتلتیکو به تســـاوی رســـید و فرصت افزایش اختلاف در صدر را از دســـت داد. کهکشانی‌ها با ۵۰ امتیاز در جایـــگاه اول قرار دارنـــد و اتلتیکومادرید با ۴۹ امتیاز دوم است. تیم رده سومی بارسلونا هم ۴۸ امتیازی است. هر ۳ تیم خود را به مرحله حذفی لیگ قهرمانان اروپا و مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی اسپانیا رسانده‌اند و رقابت فشرده‌تر و مهیج‌تر از همیشه پیش خواهد رفت.

سوژه روز

آزمون و قایدی؛ عیش همراه با حسرت

مهدی قایدی، ستاره ریزنقش ایرانی، این روزها همچنان در امارات می‌درخشد. ستاره سال‌های نه‌چندان دور باشگاه استقلال در تازه‌ترین تقابل تیمش، اتحاد کلبا، مقابل شارجه، یک تنه درخشید و موجب برد شیرین تیمش شد.

ورود آهسته قایدی به جمع برترین‌ها

مهدی قایدی در این جدال موفق شد ۲ بار دروازه شارجه را باز کند تا آهسته‌آهسته مسیرش به جمع برترین گلزنان لیگ امارات را بگشاید. او حالا پس از ۱۱ بازی توانسته ۶ بار گلزنی کند که با توجه به فاصله اندک بین برترین گلزنان لیگ امارات، حداقل تا نفر سوم این فهرست، امیدوار است در آینده شانسی برای رسیدن به این عنوان داشته باشد. قایدی البته در این مدت توانسته ۵ بار هم هم‌تیمی‌هایش را صاحب گل کند. درباره او همین بس که به تنهایی توانسته روی ۴۴ درصد گل‌های تیمش در این فصل اثرگذار باشد.

سردار آن بالای بالا

با این حال وقتی صحبت از درخشش ایرانی‌ها در امارات می‌شود سردار آزمون رتبه بالاتری به دست می‌آورد. او که یکی دو بازی اخیر تیمش را به دلیل مصدومیت از دست داده هنوز هم جایگاه خوبی در رده‌بندی برترین گلزنان امارات دارد. سردار ۱۰ بار تا به اینجا برای شباب‌الاهلی به میدان رفته که ۸ بار گلزنی کرده و ۲ بار هم به هم‌تیمی‌هایش پاس گل داده است. به لحاظ اثرگذاری ولی او تاثیر کمتری روی کل گل‌های تیمش داشته و فقط روی ۲۹ درصد گل‌های زده شباب‌الاهلی تا به اینجای فصل اثر گذاشته است.

خوشحالی همراه با آزردگی خاطر

به غیر از سردار، قایدی و شهریار مغانلو، باید از سامان قدوس و سعید عزت‌اللهی هم نام برد که آن‌ها هم هرکدام به ترتیب در ترکیب تیم‌های اتحاد کلبا و شباب‌الاهلی موفق به زدن ۴ گل شده و درخشیده‌اند. تا به اینجا همه چیز خوب است و جای خوشحالی دارد که تعدادی از لژیونرهای ایرانی نقش پررنگی در موفقیت تیم‌هایشان دارند ولی ورای این حس خوب و عیش موجود، یک حسرت بزرگ هم نهفته است؛ اینکه چرا ستاره‌های مشهور ایرانی از فوتبال اروپا فاصله گرفته و این روزها باید موفقیت‌شان در لیگی مثل امارات بازتاب داده شود.

حسرت بزرگ‌تر در این بخش متوجه سردار آزمون است که پس از حضور در بوندس‌لیگا و سری A به یک‌باره سر از امارات درآورد. به غیر از او، شرایط برای مهدی قایدی هم تقریبا حسرت‌برانگیز است. او نماینده نسل جدید فوتبال ایران است که با وجود استعداد درخور توجه، تا به الان راهی به فوتبال اروپا پیدا نکرده است. واضح است که منظور از اروپا، حضور در یکی از ۵ لیگ معتبر اروپایی است وگرنه که او همین الان هم پتانسیل حضور در لیگ‌های درجه ۲ و ۳ اروپا را خواهد داشت.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

داور بازی رئال مادرید - منچسترسیتی مشخص شد

رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا در فصل ۲۵-۲۰۲۴ از سه‌شـــنبه شـــب با برگزاری ۴ بازی در دور رفت پلی‌آف صعود به مرحله حذفی پیگیری می‌شود که در مهمترین آنها تیم فوتبال منچسترســـیتی در ورزشـــگاه اتحاد شهر منچستر میزبان رئال مادرید خواهد بود. طبق اعلام یوفا، قضاوت این بازی برعهده کلمن تورپن داور سرشناس فرانسوی سپرده شده است. در همان شـــب یوونتوس ایتالیا نیز در تورین از پی‌اس‌وی آیندهوون هلند پذیرایی می‌کند که آن بازی را دنیل زیبرت آلمانی سوت خواهد زد. همچنین نبرد تمام فرانسوی، پاری‌سن‌ژرمن و برست که پاریسی‌ها در آن میهمان هستند را هم عرفان پلیتو از کشور بوسنی و هرزگوین سوت می‌زند. قضاوت آخرین بازی یعنی نبرد اسپورتینگ لیســـبون و دورتموند در پرتغال هم به اسپن اسکاس از نروژ سپرده شده است.

اعتراف سرمربی الهلال به اختلافاتش با نیمار

ژرژ ژسوس ســـرمربی تیم فوتبال الهلال در گفت‌وگویی تلویزیونی اعتراف کرد که با نیمار، ستاره برزیلی که اخیراً از آبی‌پوشان شهر ریاض جدا شده، اختلافاتی داشته است. نیمار پس از سپری کردن دوره‌ای کاملاً ناامید کننده که تقریباً تمام آن صرف ریکاوری مصدومیت شـــد، ماه گذشته قراردادش با تیم الهلال عربستان را فســـخ کرد و به تیم دوران نوجوانی‌اش، سانتوس برگشت. اکنون ژسوس فاش کرده که نیمار سوای مشکلاتی که با مصدومیت و غیبت‌های طولانی‌اش برای الهلال ایجاد کرد، با او نیز اختلاف داشته است. سرمربی پیشین بنفیکا در بخشی از گفت‌وگو با کانال ۱۱ اسپانیا که نسخه کامل آن دوشنبه منتشر شد، درباره نیمار گفت: «او بهترین بازیکنی بوده که از زمان آغاز دوران مربیگـــری‌ام در کنارش کار کرده‌ام. آیا او با دلخوری از الهلال جدا شد؟ بله، مخصوصاً به خاطر من.» دوره کوتاه حضور نیمار ۳۳ ساله در الهلال بعد از انتقال ۸۶ میلیون پوندی‌اش از تیم پاری‌سن‌ژرمن در ماه آگوست سال ۲۰۲۳، تنها با ۷ بازی او برای آبی‌های ریاض همراه بود و او برای این تیم تنها یک گل به ثمر رساند.

فلیک در فوریه از ژاوی عبور کرد

بارسلونای فلیک در حالی که هنوز در ماه فوریه هستیم، رکوردهای گلزنی فصل گذشته را پشت سر گذاشـــت. آبی و اناری‌ها با ۱۱۳ گل، حالا سه گل بیشتر از کل فصل گذشـــته گل زده‌اند. در ورزشگاه ســـانچس پیسخوان، بارسلونا از مجموع گل‌هایی که در تمام فصل گذشـــته به ثمر رسانده بود، پیشی گرفت. بارســـا در فصل گذشـــته موفق به زدن ۱۱۰ گل در تمامی مسابقات شـــد و در فصل جاری به ۱۱۳ گل رسیدند. این عدد نشان‌دهنده قدرت تهاجمی بالای تیم هانســـی فلیک اســـت. کاتالان‌ها با ۱۰۹ گل به ســـویل رفته بودند و لواندوفســـکی، در دقیقه هفت، با زدن گل اول بازی، تعداد گل‌های فصل را به ۱۱۰ رســـاند و فرمین در دقیقه ۴۶، گل ۱۱۱ را به ثمر رســـاند. رافینیا در دقیقه ۵۵ گل ۱۱۲ را زد و اریـــک نیز در دقیقه ۸۹ گل ۱۱۳ را به ثبت رســـاند. علاوه بر این، کاتالان‌هـــا تاکنون ۳۶ بازی انجـــام داده‌اند، در حالی که بارســـلونا فصل قبـــل ۱۱۰ گل را در ۵۳ بازی زده بود. بنابرایـــن، تیم فلیک با ۱۷ بازی کمتـــر از رکورد گلزنی فصل قبل عبور کرد.

بند بازگشت گران‌ترین دروازه‌بان جهان فعال شد

چلسی تحت تاثیر درخشش کپا آریســـابالاگا در بورنموث، بند بازگشت او برای ژوئن را فعال کرد. فصل فوق‌العاده کپا در لیگ برتر چشـــم‌ها را خیره کرده اســـت. جایی که تیمش در جایگاه هفتم قرار دارد و تنها ســـه امتیاز با جایگاه‌های لیـــگ قهرمانان فاصله دارد. به همین دلیل چلســـی که او را این فصل به بورنموث قرض داده، نمی‌خواهد او را از دســـت بدهد. قرارداد کپا با لندنی‌ها تا ژوئن ۲۰۲۶ اعتبار دارد. قرارداد قرضی چلســـی برای این فصل شامل یک بند بود که طبق آن، باشـــگاه لندنی باید قبل از ۳۱ ژانویه درخواست بازگرداندن او را می‌کرد، در غیر این صورت کپا می‌توانست از آن زمان به عنوان بازیکن آزاد با هر باشـــگاهی که بخواهد مذاکره کند و سال آخر قراردادش را نادیده بگیرد. مسئله دیگری که وجود دارد این است که آیا چلسی در ژوئن او را نگه خواهد داشت یا خیر. در حال حاضر، روبرت سانچز، دروازه‌بان اسپانیایی، درون دروازه ثابت به نظر می‌رسد. اما کپا در ژوئن به لندن بازخواهد گشت و اگر باشگاهی خواهان او باشد، باید با چلسی به توافق برسد. در فصل جاری، کپا در ۱۷ بازی لیگ برتر ۲۱ گل دریافت کرده و پنج بار نیز دروازه‌اش را بسته نگه داشته است.

دلیل غیبت روزبه چشمی در تمرین این تیم مشخص شد

محمدعلی زارع پزشک باشگاه اســـتقلال در گفت‌وگو با رسانه این باشگاه، در خصـــوص غیبت روزبه چشـــمی در تمرین روز دوشـــنبه گفت: «پیش از بازی با مس رفسنجان، چشـــمی از ناحیه زانو احساس درد داشت که با اقدامات پزشکی وی را آماده حضور در ترکیب استقلال کردیم تا تیم بتواند از توانمندی این بازیکن استفاده کند. با تشـــخیص تیم پزشکی در جلسه ریکاوری روز شنبه به او اســـتراحت دادیم تا با آمادگی بیشتر در تمرینات حاضر شـــود اما همزمان با آغاز مجدد تمرینات، آقای چشمی همچنان از ناحیه زانو احســـاس درد داشـــت. به همین علت از حضور وی در تمرینات جلوگیری کردیم و برای بررسی مجدد وضعیت بازیکن، تصمیم گرفتیم که وی MRI دهد. چون آقای چشـــمی دچار یک مصدومیت قدیمی از ناحیه زانو بود به همین دلیل حساسیت ما نسبت به این اتفاق بیشتر شد. پس از اعلام نتیجه آزمایش MRI مشخص شد چشمی از ناحیه مینیسک مجددا دچار مصدومیت شده و نیاز به اســـتراحت دارد تا به آمادگی کامل برسد، هنوز مدت دوره نقاهت این بازیکن معلوم نیســـت و باید در این خصوص با جراح متخصص مشاوره داشته باشـــیم تا مدت زمان مورد نیاز برای درمان او مشخص شود.»

اعتراض پرسپولیس به رأی کمیته انضباطی

باشـــگاه پرســـپولیس با صدور اطلاعیه‌ای ضمن اعتراض بـــه رأی کمیته انضباطی در پرونده دیدار با تراکتور اعلام کرد که موضوع را در اســـتیناف پیگیری خواهد کرد. در اطلاعیه باشگاه پرســـپولیس آمده است: «باشگاه پرســـپولیس دادنامه صادره را غیر مســـتند و بدون توجه به وقایع واقعی ورزشـــگاه، حقوق هـــواداران خصوصا ۳۲ هـــوادار مظلوم و آســـیب دیده پرســـپولیس می‌داند و نهایت اعتراض خود از عدم ذکر حتی یک عبارت از واقعه آسیب به هواداران در دادنامه ابراز می‌دارد. پرسپولیس به اعلی درجه انتساب ارتکاب به برخی از تخلفات منتســـب از جمله اتهام ابراز شعارهای نژادپرســـتانه را بطور کلی مردود و غیر قابل اســـتناد دانســـته و ملاحظه می‌کند که اتهام آسیب جسمی ســـخت به هواداران حتی در زمره ۹ فقره ارتکاب تخلفات انتســـابی تیم میهمان وجود ندارد. پرسپولیس یقین دارد که در صورت رعایت نظامات برگزاری مســـابقه از جمله رعایت سقف مجاز حضور هواداران میهمان در ورزشگاه و ایفای سایر وظایف توسط کمیته‌ها و ارکان ذیربط، امروز شـــاهد صدور اینگونه اقدامات و آرا نبودیم. بنابراین پرسپولیس ظرف مدت بسیار کوتاه مراتب اعتراض خود و درخواست رعایت حقوق هواداران واقعی فوتبال را تنظیم و به کمیته محترم استیناف تقدیم خواهد کرد.»

خرده حادثه

زن و شوهر سارق به زندان رفتند

سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری زوج سارق با سوابق کیفری متعدد خبر داد.

سرهنگ صادق ضرونی در تشریح این خبر بیان داشت: در پی وقوع چند فقره سرقت از اماکن در سطح حوزه کلانتری ۱۶۵ لتیان، پیگیری موضوع و دستگیری عاملان این سرقت‌ها در دستور کار تیم عملیات این کلانتری قرار گرفت.

سرهنگ ضرونی در ادامه افزود: پس از مراجعه ماموران به محل‌هایی که سرقت‌ها رخ داده بود، با استفاده از شیوه‌های نوین پلیسی، هویت دو نفر مرد و زن شناسایی شد و مشخصات ظاهری و خودروی آنها در اختیار تمام واحدهای گشت قرار گرفت.

این مقام انتظامی اضافه کرد: حین گشتزنی‌های هدفمند ماموران در سطح حوزه، خودروی سارقان شناسایی شد و ایشان جهت متوقف کردن خودرو اقدام کردند، متهمان با مشاهده خودروی گشت از محل متواری شدند که طی یک تعقیب و گریز کوتاه و با ایجاد طرح مهار، خودروی متهمان متوقف و هر دو آنها دستگیر شدند.

سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت خاطر نشان کرد: در بررسی‌های اولیه از خودروی سارقان اموال سرقتی شهروندان، دو دستگاه تلفن همراه سرقتی و ابزار و ادوات سرقت کشف و به همراه این متهمان به کلانتری منتقل شدند. این زن و شوهر سارق به ۱۶ مورد سرقت مشابه اعتراف کرده و به همراه پرونده تشکیل شده، تحویل مقامات قضایی شدند. تا کنون پنج نفر از شکات این سارقان شناسایی شده‌اند و شناسایی شکات دیگر در دستور کار پلیس قرار دارد.

سرهنگ صادق ضرونی به شهروندان توصیه نمود: با ارتقای سیستم امنیتی اماکن خصوصی با نصب دوربین‌های مداربسته و دزدگیر، امکان سرقت را به حداقل برسانند و در صورت وقوع سرقت و مشاهده موارد مشکوک، بلافاصله با مراجعه حضوری یا تماس با پلیس ۱۱۰، آن را گزارش کنند.

سارقان سابقه‌دار لوازم خودرو راهی زندان شدند

سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری سارقان سابقه‌دار رینگ و لاستیک خبر داد.

سرهنگ محمد افشار در تشریح این خبر بیان داشت: در پی اجرای طرح مبارزه با سارقان و امنیت محله‌محور حین گشتزنی‌های هدفمند یک دستگاه خودروی تیبا را که کنار یکی از خودروهای پارک‌شده ایستاده بود، مشاهده کردند. دو نفر سرنشین خودرو مشغول به باز کردن رینگ و لاستیک خودرو بودند که با مشاهده ماموران سریعا سوار ماشین شده و از محل متواری شدند.

سرهنگ افشار در ادامه افزود: ماموران دستور ایست صادر کردند اما متهمان بدون توجه به دستورات صادر شده به مسیر خود ادامه دادند که طی یک تعقیب و گریز کوتاه با استفاده از قانون به‌کارگیری سلاح، خودرو متوقف و متهمان دستگیر شدند. این مقام انتظامی اضافه کرد: در بررسی‌های اولیه از خودروی متهمان چهار عدد رینگ و لاستیک سرقتی به همراه ابزار و ادوات سرقت کشف و به همراه متهمان به کلانتری منتقل شدند.

سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت خاطرنشان کرد: متهمان در کلانتری به جرم خود مبنی بر سرقت رینگ و لاستیک و محتویات خودرو و ۱۶ فقره سرقت مشابه اعتراف کردند. تا کنون ۶ نفر از شکات این سارقان شناسایی و شناسایی شکات دیگر در دستور کار پلیس قرار گرفت. متهمان به همراه پرونده تشکیل شده تحویل مقامات قضایی شدند.

سرهنگ ضرونی به شهروندان توصیه نمود: شهروندان با رعایت هشدارهای پلیسی و ایمن نمودن خودروهای خود و عدم پارک خودرو در محل‌های تاریک و خلوت از وقوع این نوع سرقت‌ها جلوگیری کنند.

باند اراذل و اوباش متلاشی شد

سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری ۷ نفر اراذل و اوباش که اقدام به قدرتنمایی می‌کردند، خبر داد. سرهنگ حسین مهرعلیان در تشریح این خبر بیان داشت: در پی وقوع چند فقره درگیری اراذل و اوباش با شهروندان در سطح حوزه، پیگیری موضوع و دستگیری عوامل این درگیری‌ها در دستور کار تیم عملیات کلانتری ۱۱۹ مهرآباد قرار گرفت.

سرهنگ مهرعلیان در ادامه افزود: ماموران با مراجعه به مکان‌هایی که این درگیری‌ها گزارش شده بود و بررسی فیلم‌های دوربین‌های مداربسته موفق به شناسایی این اراذل شدند و مشخصات ظاهری آنها در اختیار واحدهای گشت قرار گرفت. در حین گشتزنی‌های هدفمند در سطح حوزه، سه نفر از این افراد را در حال زورگیری و ایجاد مزاحمت برای شهروندان مشاهده کردند و سریعا جهت دستگیری آنها اقدام کردند، این اراذل و اوباش قصد درگیری با ماموران پلیس را داشتند که با هوشیاری و درایت ماموران هر سه آنها زمینگیر و دستگیر شدند. این مقام انتظامی اضافه کرد: پس از انتقال متهمان به کلانتری، به جرم خود مبنی بر ایجاد مزاحمت برای شهروندان اعتراف و اعلام کردند که چهار نفر دیگر نیز در این اعمال مجرمانه دست داشته‌اند که با انجام تحقیقات بیشتر مخفیگاه آنها شناسایی و با اخذ مجوز از مقامات قضایی در یک عملیات جداگانه متهمان در مخفیگاه خود دستگیر شدند.

سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت خاطر نشان کرد: این باند ۷ نفره با اهدف ایجاد رعب و وحشت، ایجاد ناامنی و قدرتنمایی با شهروندان درگیر می‌شدند. متهمان با پرونده تشکیل شده تحویل مقامات قضایی شدند، تا کنون ۱۲ نفر از شکات این افراد شناسایی شده‌اند.

سرهنگ مهرعلیان به شهروندان اعلام کرد: امنیت جانی و مالی شهروندان خط قرمز پلیس می‌باشد و با کسانی که قصد خدشه‌دار کردن این امنیت را دارند به‌جد برخورد می‌شود.

سرقت با خودروی پلاک معلولان

سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری سارقانی که با استفاده از پلاک معلولان اقدام به سرقت می‌کردند، خبر داد.

سرهنگ صادق ضرونی در تشریح این خبر بیان داشت: در پی وقوع چند فقره سرقت از اماکن در روستای برگ جهان لواسان، تیم عملیات کلانتری ۱۶۵ لتیان جهت پیگیری موضوع و دستگیری عوامل این سرقت‌ها دست به کار شد و پس از مراجعه ماموران به محل‌هایی که سرقت رخ داده بود با استفاده از شیوه‌های نوین و بررسی‌های پلیسی هویت ۲ سارق شناسایی شد و مشخصات ظاهری آنها در اختیار تمامی واحدهای گشت قرار گرفت.

این مقام انتظامی اضافه کرد: ماموران حین گشتزنی‌های هدفمند خودرویی که سارقان با آن اقدام به سرقت می‌کردند را مشاهده کرده و همین طور مشخصات سرنشینان خودرو نیز با سارقان مطابقت داشت به همین دلیل سریعا جهت دستگیری آنها اقدام کردند، متهمان با مشاهده ماموران از محل متواری شدند که طی یک تعقیب و گریز کوتاه خودرو متوقف و متهمان دستگیر شدند.

سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت خاطر نشان کرد: پس از استعلام از پلاک معلولان خودرو، مشخص شد که دارای سابقه سرقت و متعلق به خودرویی دیگر می‌باشد، از خودروی متهمان اموال سرقتی که از منازل به سرقت برده بودند، کشف و به همراه آنها به کلانتری منتقل شدند.

متهمان به جرم خود مبنی بر سرقت از منازل اعتراف کردند، تا کنون ۶ نفر از شکات این سارقان شناسایی شده‌اند و شناسایی شکات دیگر در دستور کار پلیس قرار دارد. سرهنگ ضرونی به شهروندان توصیه کرد: در صورت بروز هرگونه سرقت و جرم سریعا با سامانه ۱۱۰ پلیس تماس بگیرند و موضوع را گزارش دهند.

پایان کابوس چوبه‌دار بعد از تصادف عمدی مرگبار

متهمی که پسرخاله همسرش را با ماشین زیر گرفته بود، بخشیده شد

مرد جوان که تحت‌تاثیر حرف‌های زن صیغه‌ای‌اش، پسرخاله وی را با خودرو زیر گرفته بود و با تایید حکم قصاص در یک قدمی چوبه‌دار قرار داشت توانست رضایت اولیای‌دم را جلب کند و به زندگی برگردد. همسر صیغه‌ای وی نیز به ۲۰ سال زندان محکوم شد.

تصادف تلخ رانندگی

ساعت ۷ صبح بیست و پنجم مردادماه سال ۱۴۰۱ به ماموران پلیس پاکدشت خبر رسید مرد جوانی به نام هومن، نیمه‌جان در حوالی پارچین کنار خیابان رها شده است. شواهد نشان می‌داد این مرد در تصادف رانندگی به‌شدت مجروح شده. هومن به بیمارستان منتقل شد اما به خاطر شدت جراحات تسلیم مرگ شد. شواهد نشان می‌داد راننده پس از برخورد با هومن گریخته است. به این ترتیب ماموران در نخستین گام از تحقیقات به بررسی دوربین‌های مداربسته پرداختند و دریافتند یک پژو ۲۰۶ که پلاک آن پوشانده شده بود، عمدی با هومن برخورد کرده و گریخته است. با به دست آمدن این سرنخ تحقیقات وارد مرحله تازه‌ای شد.

ردپای مرد آشنا

همسر قربانی به ماموران گفت: شوهرم چند روزی بود با همسر موقت دخترخاله‌اش به نام امین اختلاف داشت. امین صاحب یک پژو ۲۰۶ است و من به او مشکوک هستم.

با اظهارات این زن امین بازداشت شد و به زیرگرفتن عمدی پسرخاله همسرش اعتراف کرد. او گفت: همسر موقتم به نام نگین، مدتی بود با پسر خاله‌اش اختلاف داشت. همسرم از من خواسته بود او را تنبیه کنم. قرار بود در فرصتی مناسب با چوب به سرش ضربه بزنم از آنجا که نشد، عمدی با ماشین به او زدم و او را کشتم. با اظهارات این مرد، همسر صیغه‌ای‌اش بازداشت شد اما ادعا کرد درخواست قتل پسر خاله‌اش را عنوان نکرده است. با تکمیل تحقیقات برای امین به اتهام قتل و برای همسر موقتش به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر شد و هر دو در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

نخستین دادگاه

در ابتدای جلسه همسر قربانی که قیم دو فرزند صغیر اوست درخواست قصاص را مطرح کرد. وقتی امین روبه‌روی قضات ایستاد اتهام قتل عمدی را نپذیرفت و مدعی شد ناخواسته با پسرخاله همسرش برخورد کرده است.

ادعای عجیب

او در تشریح جزئیات ماجرا گفت: سوار بر پژو به سمت تهران حرکت می‌کردم که با یک وانت برخورد کردم. راننده با من درگیر شد و دعوا میان ما بالا گرفت. من سوار ماشین شدم اما راننده وانت مرا تعقیب کرد. نرسیده به پارچین به انتهای خیابانی رفتم که در آن کانال آب و تردد در آن کم بود. من نیم‌ساعتی آنجا ماندم تا راننده وانت مرا گم کند. من در ماشین نشسته بودم که یکباره پسرخاله همسرم را اتفاقی دیدم که از خانه‌اش خارج شد. چون شب قبل با او درگیر شده بودم به سمتم حمله‌ور شد. او سنگی از روی زمین برداشت و می‌خواست آن را به سمت شیشه ماشینم پرتاب کند که سوار ماشین شدم تا فرار کنم. اما ماشین ناخواسته منحرف شد و با او برخورد کرد.

قاضی گفت: چرا بعد از برخورد با هومن فرار کردی و او را به بیمارستان نرساندی؟

متهم پاسخ داد: من از ترسم فرار کردم. همان موقع با همسرم تماس گرفتم و به او گفتم با پسرخاله‌اش برخورد کرده‌ام و سه روز بعد همسرم گفت که شنیده پسرخاله‌اش در بیمارستان فوت شده است.

قاضی: چرا در بازجویی‌ها به زیر گرفتن عمدی پسرخاله همسرت اعتراف کرده بودی؟

متهم: من آنجا تحت فشار روانی بودم.

قاضی: دوربین‌های مداربسته فیلمی را ضبط کرده که نشان می‌دهد مقابل خانه پسرخاله همسرت پرسه می‌زدی و همان‌جا پلاک خودرو را پوشاندی. چطور ممکن است ساعت ۷ صبح روز بعد اتفاقی با او تصادف کرده باشی؟

متهم: روز قبل می‌خواستم دخترهمسرم را به خانه خواهرزنم که در نزدیکی خانه هومن است، برسانم. به همین خاطر دوربین‌های مداربسته فیلمم را ضبط کرده‌اند. من آنجا پرسه نمی‌زدم. من اگر قصد قتل هومن را داشتم او را با چاقو می‌زدم. سرعت ماشینم حدود ۴۰ کیلو بود و ناخواسته ماشین با او برخورد کرد. سپس نگین به اتهام معاونت در قتل از خود دفاع کرد. زن جوان گفت: پسرخاله‌ام پشت سر من حرف‌های نامربوط زده بود. او با شوهر سابقم رابطه داشت و به خانه فساد شوهر سابقم می‌رفت و آنجا موادمخدر مصرف می‌کرد. تا اینکه یک روز چندین پیامک از شوهر سابقم دریافت کردم که در آن نوشته بود متوجه شده صیغه امین که پسر جوانی بود، شده‌ام. من اصلا نمی‌خواستم ماجرای ازدواج موقتم با امین را بستگانم بدانند. به همین خاطر با برادر هومن تماس گرفتم و گلایه کردم و از او خواستم برادرش را نصیحت کند تا پشت سرم حرف نزند. او هم قبول کرد. اما چند دقیقه بعد شوهر سابقم بار دیگر برایم پیامک ارسال کرد. او شماره تلفن هومن را به من داد و گفت هومن این اطلاعات را به او داده است. من همان موقع با هومن تماس گرفتم تا از او گلایه کنم. اما او شروع به فحاشی کرد. در حال بحث تلفنی با هومن بودم که امین با من تماس گرفت و ماجرا را برایش تعریف کردم. امین پیشنهاد داد تا به محل کار پسرخاله‌ام برویم و با او صحبت کنیم. ما آنجا رفتیم و امین را دیدیم که از محل کارش خارج شد و همراه شوهر سابقم رفتند. به همین خاطر شوهرم نتوانست با او صحبت کند. همان موقع دخترم را به خانه خواهرم که در نزدیکی خانه پسرخاله‌ام بود، رساندیم و به خانه برگشتیم. دوربین‌های مداربسته به همین خاطر حضور ما در همان حوالی را ضبط کرده است.

قاضی گفت: شوهرت مدعی است تو از او خواسته بودی هومن را بکشد، قبول داری؟

نگین: من از شوهرم نخواسته بودم که پسر خاله‌ام را بکشد. من اصلا از ماجرا خبر نداشتم. مادرم با من تماس گرفت و گفت هومن تصادف کرده و به بیمارستان شهدای پاکدشت منتقل شده است. وقتی ماجرا را به شوهرم گفتم گفت که او را با ماشین زیر گرفته است. در این میان همسر قربانی برخاست و گفت: شوهرم کارگر ساده‌ای بود. کاری با دخترخاله‌اش و شوهرش نداشت. من نمی‌دانم آنها با چه انگیزه‌ای همسرم را کشتند. من از طرف دختر و پسرم نمی‌توانم از قصاص صرف‌نظر کنم.

در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده امین را به قصاص محکوم کردند. زن جوان اما از اتهام معاونت در قتل تبرئه و به خاطر معاونت در صدمه عمدی به ۲۵سال زندان محکوم شد.

سایه مرگ روی سر مرد جوان

این حکم در دیوان‌عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات شعبه ۳۹ دیوان‌عالی کشور حکم قصاص امین را تایید کردند. اما حکم تبرئه نگین در دیوان‌عالی کشور شکسته شد و قضات عالی‌رتبه خواستند تا وی بار دیگر در شعبه هم‌عرض به اتهام معاونت در قتل از خود دفاع کند.

محاکمه دوباره زن جوان

در جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد نگین در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من قبلا صیغه یک مرد به نام محسن شده بودم اما بعد از ۷ ماه زندگی مشترک و پایان صیغه‌نامه از او جدا شدم و صیغه ۹۹ ساله امین شدم. شوهر سابقم دست از سرم برنمی‌داشت و مدام برایم مزاحمت ایجاد می‌کرد. وی ادامه داد: من با پسرخاله‌ام و همسرش که او هم دخترخاله‌ام بود هیچ ارتباطی نداشتم و ۱۵ سال بود آنها را ندیده بودم و هیچ رفت‌وآمدی با هم نداشتیم. ولی هر بار که شوهر سابقم با من تماس می‌گرفت، می‌گفت پسرخاله‌ام پشت سر من حرف‌های نامربوط می‌زند و می‌گوید هر بار صیغه یک مرد می‌شوم. من از شنیدن حرف‌های او عصبانی شدم. به همین خاطر با همسرش که دخترخاله ام بود تماس گرفتم و گلایه کردم حتی دخترخاله‌ام گفت به حرف‌های شوهرش اهمیتی ندهم. اما من از حرف‌های او عصبانی بودم. شب وقتی شوهرم به خانه آمد، متوجه شد ناراحت هستم. او اصرار کرد تا برای خوردن شام به رستوران برویم. اما به او گفتم حوصله ندارم. وقتی او پیگیر ماجرا شد گفتم پسرخاله‌ام درباره من با شوهر سابقم صحبت کرده و درباره من حرف‌های نامربوط زده. به همین خاطر مدام برایم مزاحمت ایجاد می‌کند. همان موقع همسرم گفت سراغ پسر خاله‌ام می‌رود تا با او صحبت کند و بگوید دیگر پشت سرم بدگویی نکند. این زن ادامه داد: امین اصلا به قصد دعوا یا درگیری از خانه بیرون نرفت. من حتی آدرس خانه پسر خاله‌ام را هم نداشتم و فقط نشانی محل کار او را می‌دانستم. شوهرم رفته بود تا به او بگوید درباره من با شوهر سابقم صحبت نکند. من اصلا از ماجرای قتل او اطلاع نداشتم و تا چند روز فکر می‌کردم او تصادف کرده. اما پس از چند روز فهمیدم عمدی کشته شده است. باور کنید من در این پرونده دستی نداشتم و اتهامم را قبول ندارم. با پایان دفاعیات این زن، قضات وارد شور شدند وی را به ۲۳سال زندان محکوم کردند. این حکم نیز در دیوان‌عالی کشور تایید شد. به این ترتیب شمارش معکوس برای اعدام امین آغاز شده بود. زمان زیادی تا اجرای حکم باقی نمانده بود که با تلاش وکیل وی، اولیای‌دم اعلام گذشت کردند و امین به زندگی برگشت.

جلب رضایت اولیای‌دم در یک قدمی چوبه‌دار

علیرضا دلیر که وکالت امین را به عهده داشت، توانست رضایت دختر و پسر قربانی را که به بلوغ شرعی رسیده بودند، جلب کند. او با ارائه دلایلی از جمله اینکه امین آشنایی و خصومتی با قربانی نداشته و تحت تاثیر حرف‌های همسر صیغه‌ای‌اش سراغ قربانی رفته و قصد ترساندن و ادب کردن وی را داشته، توانست رضایت آنها را جلب کند. به این ترتیب امین از قصاص رهایی یافت تا از جنبه عمومی جرم بار دیگر از خود دفاع کند. او طبق قانون به ۳تا ۱۰ سال زندان محکوم خواهد شد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۵۵۶- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۶۲۴- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۶۱۳- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۵۸۴- -۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۶۳۲- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۶۱۵- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۵۸۸- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۵۳۱- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۵۹۹- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۵۶۶- ۱۴۰۳/۰۹/۲۹ - ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۶۰۱۶ - ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۵۹۹۹- ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۶۰۵- اصلاحی - ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۵۹۹۰- ۱۴۰۳۴۰۳۲۶۰۰۶۰۰۶۰۲۲- ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ - ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۴۶۷۲- ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محسن کاظمی بشماره شناسنامه ۹۴۲کد ملی ۰۸۳۳۴۸۶۶۹۶ صادره از اراک فرزند علی - ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به ۱۰۶۵/۵۱ متر مربع -۲ ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۰۱/۷۵ متر مربع ۳- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۶۱/۰۱ متر مربع ۴- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۴۶/۷۰ متر مربع ۵- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۶/۸۶ متر مربع ۶- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۵۰/۰۵ متر مربع ۷- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۸۳/۱۸ متر مربع ۸- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۹۴/۰۲ متر مربع ۹- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۶۷۴/۷۴ متر مربع ۱۰- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۸۹/۳۶ متر مربع ۱۱- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۴۹۰/۶۰ متر مربع ۱۲- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به ۳۸۹۰/۳۱ مترمربع ۱۳- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۷۶۹۵/۸۱ مترمربع ۱۴- ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۰۰۶/۷۷ متر مربع ۱۵ - ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۵۴/۵۴ مترمربع همگی قسمتی از اراضی روستای چشمه علی محمد پلاک ۵۰ اصلی واقع بخش ۵ ملایر خریداری از مالک رسمی درویش کاظمی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۸۵۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

مرتضی مسعودی - رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان شهریار

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیات موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی.

برابرای شماره۱۴۰۳/۱۰۲۹۷مورخه۱۴۰۳/۱۰/۲۴هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حسین رضارحمتی فرزندقاسم بشماره شناسنامه ۱۳۴۴۴صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۷۳۷/۶۳مترمربع درقسمتی ازپلاک شماره ۳۷اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای علی ابادپیرشمس الدین خریداری ازمالک رسمی قاسم رحمتی فرزندمحمدجعفرمحرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد.

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
م الف : ۲۰۰۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۶۲۱۷ مورخه ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی مصطفی ابوترابی گودرزی بشماره شناسنامه ۱۰۸۶ کد ملی ۳۹۳۱۴۲۱۷۱۶ صادره از ملایر فرزند عقیل ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۳۲۰۲۷/۸۴ متر مربع قسمتی از اراضی روستای ورچق پلاک ۲۰۵۵ اصلی واقع بخش ۱ ملایر خریداری از مالک رسمی هاشم بیات محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

مرتضی مسعودی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر

م الف ۷۴۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۵۰۴۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۵۰۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض آقای علی اصغر مقصودی بشماره شناسنامه ۲۲۷ و کد ملی ۶۲۱۹۲۴۹۶۳۱ فرزند رضا در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۴۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۴ فرعی از ۱۳۱۳ اصلی واقع در بخش ده تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام نامبرده صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
۱۶۴۰۷ م الف

سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران - محمد علی ابراهیمی

شناسه آگهی ۱۸۷۱۲۰۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لواسانات
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۸۰۰۲۸۵۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سحر کردی کلاکی به شناسنامه شماره ۱۱۹ کد ملی ۰۴۵۳۷۶۳۵۲۹ صادره شمیران فرزند داود در شش دانگ یک قطعه زمین محصور و مشجر با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۱۳۸ فرعی از ۲۳ اصلی واقع در قریه ناران بخش ۱۱ تهران حوزه ثبت ملک لواسانات انتقال ملک از (آقای مجتبی شیخی نارانی) ورثه مالک رسمی آقای غلامحسین شیخی نارانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۳/۱۱/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
۱۶۴۱۱ م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک لواسانات - نصراله رادپور

شناسه آگهی ۱۸۷۱۲۲۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لویزان تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۲۸۶۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صیاد باقری زاد فرزند علی بشماره شناسنامه ۲۲۹ کد ملی ۱۵۵۰۶۵۷۴۸۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۵۸/۹۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۵ فرعی از ۶۷۲۰ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک لویزان ۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای هایکاز چکناوریان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
۱۶۴۱۲ م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک لویزان - ابوالفضل تریوه

شناسه آگهی ۱۸۷۱۲۳۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لویزان تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۲۸

روزی روزگاری ستاره‌سازی

۱۱ بازیگر که نامزد دریافت سیمرغ از جشنواره چهل و سوم فیلم فجر شدند، با سریال‌های سیما به شهرت رسیده‌اند. چرا تلویزیون حالا این قابلیت مهم را از دست داده است؟

گروه تلویزیون
هفت صبح

برای ردیف کردن نام بازیگرانی که در سریال‌های تلویزیون صاحب شهرت شدند و در ادامه حتی لقب البته که بیشتر به آنها اشاره کرده بودیم، حالا بهانه، نامزدهای دریافت سیمرغ از جشنواره چهل و سوم فیلم فجر است؛ بازیگرانی که در بخش اصلی و مکمل نامزد شدند و همزمان با خواندن این مطلب، برندگان مشخص شده‌اند. در گزارش پیش رو، سیفه تلویزیونی چند نفر از آنها را مرور کرده‌ایم که البته یک تلنگر مهم نیز با خود دارد: چرا سریال‌های سیما مثل گذشته قدرت معرفی بازیگران جدید را ندارد؟ می‌دانیم که رقیبی به نام پلتفرم هست ولی اتفاقا حالا فرصت بهتری در اختیار کارگردان‌ها قرار گرفته تا چهره‌های جدیدی به جغرافیای بازیگری معرفی کنند.

بازگشت مریلا و بهاره

نقطه شروع فعالیت بازیگری مریلا زارعی سال ۷۴ است که همزمان فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی بازی کرد. شهرت او اما به سریال «دبیرستان خضرا» برمی‌گردد که سال ۷۵ پخش شد. آخرین همکاری زارعی با تلویزیون مربوط به سال ۹۱ و سریال «کلاه پهلوی» است. او چندی پیش دعوت ابراهیم حاتمی‌کیا را پذیرفت و ایفاگر نقش بوکابد، مادر موسی در سریال «موسی کلیم‌الله» شد که نسخه‌ای از آن در جشنواره امسال به نمایش در آمد. جالب آنکه بهاره کیان‌افشار ایفاگر نقش آسیه در این فیلم-سریال با «کلاه پهلوی» صاحب شهرت شد. او در ادامه در سریال‌های تلویزیونی «گاهی به پشت سر نگاه کن» محصول سال ۹۳ و فصل اول «نوار زرد» محصول سال ۹۶ هم بازی کرد و پس از آن بر سینما و شبکه خانگی متمرکز شد تا نوبت به «موسی کلیم‌الله» رسید.

شهاب بازگشت؛ مصطفی نه

شهاب حسینی که برای بازی در فیلم «رها» نامزد سیمرغ جشنواره امسال شد، کارش را با اجرای تلویزیونی شروع کرد و از قضا به شهرت هم دست یافت. او در حیطه بازیگری چند انتخاب خوب مثل «پلیس جوان» و «تب سرد» هم داشت و همین سریال‌ها به شهرتش ضریب دادند. حسینی بعد از «شوق پرواز» سریال تلویزیونی بازی نکرد تا اینکه پیشنهاد کمال تبریزی برای فصل دوم «سرزمین مادری» در سال ۹۶ را پذیرفت. همچنین سال ۹۸ صدایشه «شکرستان» بود و معلوم نیست آیا باز هم با تلویزیون همکاری کند یا نه. مصطفی زمانی نامزد دریافت جایزه برای «شمال از جنوب غربی» با «یوسف پیامبر» به شهرت رسید و پس از آن جز یک حضور کوتاه در سریال «در چشم باد» دیگر با تلویزیون همکاری نکرد.

موقعیت متفاوت بهنام و عباس

عباس غزالی که نامش به خاطر فیلم «آبستن» در جمع کاندیداها قرار گرفت، چند تجربه داشت اما این «وضعیت سفید» بود که شهرت و خوشبختی را برایش به ارمغان آورد. غزالی باز هم سریال تلویزیونی بازی کرد که آخرین آن مربوط به سال ۹۹ و سریال نه‌چندان موفق «شاهرگ» است. به نظر می‌رسد تلویزیون بعد از ماجرای ۱۴۰۱ با غزالی زاویه پیدا کرده! بهنام تشکر هم چند سریال بازی کرده بود اما با «هاختمان پزشکان» به شهرت رسید. همکاری این بازیگر با تلویزیون مستمر بوده و همین امسال او را در سریال های «سوجان» و «مهریار عیار» دیدیم. تشکر در فیلم- سریال «موسی کلیم‌الله» نقش فرعون را بازی کرده است.

سرنوشت این سه زن

سریال «ساعت شنی» زمینه آشنایی بیشتر مخاطبان با لیندا کیانی، نامزد دریافت سیمرغ برای فیلم ۱۹۶۸ را فراهم کرد. او همواره رابطه‌ای صمیمانه با تلویزیون داشته و کارنامه‌اش در سریال نسبت به فیلم موفق‌تر است. کیانی را در چند وقت اخیر زیاد در تلویزیون دیدیم که مهمان «هزار و یک»، «سینما بانو» و... بود. سریال «یک مشت بر عقاب» سراغ‌ار شهرت ساره بیات، دیگر نامزد دریافت سیمرغ (برای چشم بادومی) است. اتفاق مهم برای او اما با فیلم «جدایی نادر از سیمین» رقم خورد. سریال‌های «بی‌گناهان» و «بانو» در سال ۸۷ دیگر آثار تلویزیونی ساره بیات هستند که بعدا تصمیم گرفت دیگر سریال بازی نکند. فریبا نادری (نامزد دریافت سیمرغ برای فیلم شوهر ستاره) هیچ وقت ستاره نشد اما کارنامه‌ای نسبتا موفق در تلویزیون دارد. او از سال ۹۹ و بعد از سریال «از سرنوشت» دیگر سریال بازی نکرده ولی این به معنای پایان همکاری مطلق با تلویزیون نیست. فریبا نادری این شب‌ها همزمان با بازپخش «ستایش» در شبکه آی‌فیلم دیده می‌شود.

مورد ویژه: عطاران و قاسمخانی

در جشنواره چهل و سوم فیلم فجر، رضا عطاران برای بازی در «صددام» نامزد دریافت سیمرغ شد و پیمان قاسمخانی برای «گوزن‌های اتوبان». وجه اشتراک هر دو این است که در تلویزیون سنبل ساخت سریال‌های موفق کمدی هستند و هر دو بارها طعم ممنوع‌الکاری را چشیدند. رضا عطاران در مقام نویسنده، کارگردان و بازیگر خاطرات خوشی برای مردم به یادگار گذاشته است. آخرین سریال او یعنی «برنگاه» از تیغ تند ممیزی و نیز اعتراض عده‌ای مصون نماند و عطاران هم تصمیم گرفت دیگر سمت تلویزیون نرود و از سال ۸۷ تاکنون بر این عهد استوار مانده است. پیمان قاسمخانی خاستگاهی سینمایی دارد ولی قرار گرفتن نامش در تیتراژ کمدی های مهران مدیری، او را تبدیل به ستاره‌ای محبوب برای مخاطبان کرد. «پژمان» در سال ۹۲ آخرین فعالیت تلویزیونی او در مقام سرپرست نویسندگان است. تلویزیون هنوز حتی نام قاسمخانی را سانسور می‌کرد! او حالا در سینما و شبکه خانگی فعال است؛ هم می‌نویسد، هم کارگردانی می‌کند و هم مقابل دوربین قرار می‌گیرد.

جواد افشار، همزمان که مشغول ساخت «ناریا» است، به ساخت یک سریال دیگر هم فکر می‌کند و چه بسا در فاصله‌ای کوتاه دو سریال در دست تولید داشته باشد. او به مهر گفته است: صحبت‌ها با مدیران تلویزیون درباره سریال «حضرت معصومه (س)» مورد‌ی و کوتاه بوده اما چون هنوز چندان مشخص نیست ترجیح می‌دهم، صحبت نکنم.

عدد بازی
02
89

آنالیز

«پنجره باز» در جشنواره فیلم فجر چه کرد؟

یکی دیگر از برنامه‌هایی که تلویزیون برای پوشش چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر آماده کرد، «پنجره باز» بود که از شبکه سلامت پخش شد. نگاهی داریم به نقاط ضعف و قوت این ویژه برنامه سیمایی.

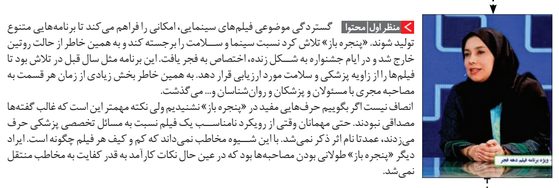

ویژه برنامه فیلم نقد فاطر

منظر اول محتوا گستردگی موضوعی فیلم‌های سیمایی، امکانی را فراهم می‌کند تا برنامه‌هایی متنوع تولید شوند. «پنجره باز» تلاش کرد نسبت سینما و سلامت را برجسته کند و به همین خاطر از حالت رتین خارج شد و در ایام جشنواره به شکل زنده، اختصاص به فجر یافت. این برنامه مثل قبل در تلاش بود تا فیلم‌ها را از زاویه پزشکی و سلامت مورد ارزیابی قرار دهد. به همین خاطر بخش زیادی از زمان هر قسمت به مصاحبه مجری با مسئولان و پزشکان و روان‌شناسان و... می‌گذشت.

انصاف نیست اگر بگوییم حرف‌هایی مفید در «پنجره باز» نشنیدیم ولی نکته مهمتر این است که غالب گفته‌ها مصداقی نبودند. حتی مهمانان وقتی از رویکرد نامناسب یک فیلم نسبت به مسائل تخصصی پزشکی حرف می‌زدند، عمدتا نام اثر ذکر نمی‌شد. با این شیوه مخاطب نمی‌داند که کم و کیف هر فیلم چگونه است. ایراد دیگر «پنجره باز» طولانی بودن مصاحبه‌ها بود که در عین حال نکات کارآمد به قدر کفایت به مخاطب منتقل نمی‌شد.

منظر دوم ساختار یکی از خوبی‌های «پنجره باز» استفاده از رابط ناشنوایان بود و همین باعث می‌شد این قشر از جامعه بتوانند از طریق یک برنامه تلویزیونی در حال و هوای جشنواره قرار بگیرند. در مقابل، بسته‌بندی برنامه ویژه نبود و مخاطب را سر ذوق نمی‌آورد. همچنین اغلب ایتم‌ها از همان کلیشه‌های همیشگی مبتنی بر مصاحبه با اصحاب رسانه و... پیروی می‌کردند. آیتم مربوط به سینما و سلامت نیز بیشتر به آثار خارجی اشاره داشت؛ حال آنکه لازم بود بر فیلم‌های جشنواره متمرکز می‌شد. اسماعیل باستانی در مقام مجری عملکردی قابل‌قبول داشت و جدا از تسلط بر اجرا، بر موضوعات نیز اشراف داشت. به همین خاطر سوالاتی مناسب از مهمانان می‌پرسید. او تحلیل کوتاه و مختصر بر فیلم‌ها نیز داشت که کاش جزئی‌تر نسبت آنها با سلامت را بررسی می‌کرد. باستانی در یکی از قسمت‌های «پنجره باز» هم فیلم «پیر پسر» را تحسین کرد و گفت کاش زمینه اکران عمومی آن فراهم شود. کتابه او به تولید زباله در کاخ جشنواره (ظرف غذا، شیشه نوشابه، ته سیگار و...) نیز بجا بود.

نیم نگاه
منیژه خسروی

لبخند ماسیده

محسن کیایی و پریناز ایزدیار نمره قبولی از نقش‌آفرینی کمدی نگرفتند

۱ روز گذشته پرونده چهل و سومین جشنواره فیلم فجر بسته شد که به فراخور درباره آثار، بازیگران، حواشی و دیگر نکات این جشنواره در صفحات مختلف هفت‌صبح نوشتیم. تمرکز اصلی مطلب کنونی بر دو بازیگر است که نسبتی با محصولات فعلی تلویزیون و شبکه خانگی دارند.

۲ مثلا محسن کیایی این روزها مشغول اجرای برنامه «هزار و یک» در شبکه نسیم با همراهی جناب‌خان است. خوشبختانه عملکردش مورد توجه قرار گرفته و از عهده مسئولیت برآمده. کیایی در فیلم «کفایت مذاکرات» اما حضوری ناموفق به ثبت رسانده. این فیلم در روز ششم برنامه اکران‌های برج میلاد به نمایش درآمد که البته استادیارهای دقیقا چرا پذیرفته در «کفایت مذاکرات» بازی کند.

۳ پریناز ایزدیار بعد از اینکه در تلویزیون چهره شد، مسیر خود را به سمت سینما و شبکه خانگی کج کرد. او تاکنون اثری کمدی بازی نکرده بود تا نوبت به فیلم «صددام» رسید. فیلم هم به ماجرای سرنوشت یکی از بدل‌های دیکتاتور عراق اختصاص داشت. در مجموع اما بیش از خود فیلم، حاشیه‌های کرواتی عطاران و جمشیدی در در نشست خبری‌اش، بازتاب پیدا کرد! درباره ایزدیار همینقدر اشاره کنیم که پایین از انتظار ظاهر شد ولی نظر نهایی بعماند برای زمان اکران عمومی «صددام». این بازیگر مدتی است سریال «ازازیل» را در شبکه نمایش خانگی دارد که همچنان نتوانسته از حد متوسط فراتر برود.

۴ در نهایت یادی کنیم از عادل فردوسی‌پور؛ مجری و برنامه‌ساز موفق تلویزیون که مدت زیادی است از این رسانه فاصله گرفته و قول مدیران تحول‌خواه مبنی بر بازگرداندن او محقق نشد. ماجرای عادل با جشنواره از این قرار است: «بازی را بکش» تازه‌ترین محصول همکاری برادران کیایی است که با محمدابراهیم عزیزی به جشنواره رسد. مهمترین امتیاز فیلم، سوژه تکان‌دهنده آن در زمینه فساد فراگیر در فوتبال است. داستان از جایی آغاز می‌شود که یک فوتبالیست بر اثر یک خطا در زمین فوتبال فوت می‌کند و حالا برادرش که خود از پیشکسوتان فوتبال است، به تکاپو می‌افتد تا راز مرگ او را کشف کند. فیلم روایتی جسورانه درباره فساد در فوتبال ایران دارد و در پایان‌بندی روایت خود هم استفاده‌ای هوشمندانه از برید صحبت‌های عادل فردسی‌پور در یکی از قسمت‌های برنامه نود دارد. آیا عادل در «فوتبال ۳۶۰» اجازه بازگشایی پرونده فساد فوتبال را به دست می‌آورد؟

رصدخانه

تذکر روز | تلویزیون به فکر سریال باشد نه فیلم

روزگاری نه‌چندان دور مرکز سیمافیلم به‌طور خاص سراغ تولید فیلم- سریال می‌رفت. نمونه‌اش «لیلی با من است». در ادامه این پروژه به شکل ناقص پی گرفته شد تا نوبت به «موقعیت مهدی» رسید که محصول مدیریت قبلی صدا و سیما است. در جشنواره امسال فیلم فجر هم پایلوت سینمایی سریال «موسی کلیم‌الله» به نمایش در آمد. باید به مدیران سیما یادآور شد که به جای تولید یا مشارکت در آثار سینمایی (مثل فیلم جدید اشک هور) به وظیفه اصلی‌تان برسید و سریال‌هایی با کیفیت تولید کنید. چون اغلب محصولات جدید تلویزیون فاقد کیفیت هستند و ضمنا در بازه‌هایی از سال خبری از سریال تازه به قدر کفایت نیست. وانگهی، کسی در شرایط وخیم کنونی تلویزیون انتظار ندارد که سراغ تولید فیلم برود. تا دل‌تان بخواهد نهاد دولتی و حاکمیتی برای این کار هست!

روایت روز | اعترافات صادقانه الناز

الناز ملک چند تجربه کوتاه در برخی سریال‌های خانگی داشت تا اینکه با «سقوط» به شهرت رسید. او در این سریال خانگی نقش یک زن ایرانی را ایفا کرد که اسیر داعشی‌ها می‌شود و در نهایت نجات می‌یابد. اوج شهرت ملک به سریال «زخم کاری» برمی‌گردد. این بازیگر در جشنواره فیلم فجر امسال با «پیشمرگ» دیده شد و به همین بهانه فریدون جیرانی با او مصاحبه‌ای انجام داد. ملک حضوری راحت و صادقانه مقابل دوربین داشت؛ مثلا گفت آرزو داشته است که معروف شود و جیرانی با او مصاحبه انجام دهد. یا از مریلا زارعی تمجید کرد و گفت همه فیلم‌های او را دیده. الناز ملک همچنین یادآور شد که متولد سال ۱۳۷۴ و اصالتا ترک است؛ در قزوین رشته مهندسی صنایع خوانده اما از همان ترم اول به کلاس‌های بازیگری امیر دژآکام می‌رفته.

خبر روز | مرهم، سریالی رمضانی است؟

ظاهرا سریال «مرهم» در باکس مام میارک رمضان روی آنتن شبکه دو خواهد رفت. این سریال را محمدرضا اعلامی اجنبر کارگردانی کرده و بنا بر اعلام سایت معاونت سیما «داستان آن حول محور زندگی منیژه است که پس از سال‌ها دوری از ایران، برای یافتن گمشده‌اش به کشور باز می‌گردد. اما تقدیر برای او شگفتی‌های بیشتری در نظر گرفته است. فضای داستان در زندگی خانواده‌های روحانیون می‌گذرد و به عنوان یک ملودرام زنانه، روایت‌های متفاوتی از زندگی این خانواده‌ها را به تصویر می‌کشد. در این سریال، همسران شخصیت‌های اصلی همگی روحانیون هستند که برای تبلیغ به مناطق مختلف رفته‌اند و در این مسیر با ماجراهای گوناگونی مواجه می‌شوند.» آیا «مرهم» یک سریال با روایتی ملموس است یا اثری شعاری لقب خواهد گرفت؟ مونا کرمی، رویا جایدینیا، ویدا جوان، فرناز زوقا و... بازیگران این سریال تلویزیونی هستند.

آینه‌ای تمام‌نما

چند دلیل برای این‌که چرا می‌گوییم موسیقی پاپ امروز ایران از گذشته بهتر شده

بهنام مظاهری
هفت صبح

موسیقی پاپ ایران بعد از انقلاب، مسیر پیچیده‌ای را پشت سر گذاشت؛ یک جاده طولانی که از روزهای تاریک و محدودیت‌های سخت شروع شد و تا امروز، به یک دنیای شلوغ و پر از تنوع رسیده. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، موسیقی پاپ ایران در سال‌های ابتدایی یک روایت آرام و محتاطانه بود. ترانه‌ها بیشتر درباره عشق‌های آرام، دلتنگی‌های ساده و مفاهیمی بودند که از هر گونه چالش فاصله داشتند. آن زمان، سازبندی قطعات موسیقی خیلی ساده بود. ملودی‌ها معمولاً خطی و قابل پیش‌بینی بودند، در حالی که تنظیم‌ها با سازهای سنتی تر یا نهایتاً یک سری سینتی‌سایزر ساده شکل می‌گرفت.

اولین قدم‌های موسیقی پاپ بعد از انقلاب، پر از احتیاط بود. مثلاً در کارهای هنرمندانی مثل ستارگان دهه هفتاد، اگر در پاپ دهه هفتاد یک ترانه که صداهای متفاوت یا موضوعات غیرعاشقانه وارد موسیقی بشود. این محدودیت شاید برای خیلی‌ها یک قید آزاردهنده به نظر برسد، ولی از دل همین محدودیت‌ها، موسیقی خاص آن دوران خلق شد؛ موسیقی‌ای که برای نسل‌های بعدی تبدیل به نوستالژی شد. مثلاً عشق در ترانه‌های آن دوره همیشه یک حس دست‌نیافتنی داشت. انگار یک دیوار شیشه‌ای بین عاشق و معشوق بود که هیچ‌وقت کامل برداشته نمی‌شد. این باعث می‌شد ترانه‌ها به جای روایت مستقیم و صریح، بیشتر استعاری باشند و نوعی از معصومیت و لطافت را با خودشان بیاورند.

اما حالا اگر یک پرش بزنیم به امروز، می‌بینیم که دنیای موسیقی ایران خیلی متحول شده. پاپ امروز ایران پر از رنگ و لعاب است. دیگر خبری از آن خجالت و معصومیت قدیمی نیست. خواننده‌های امروز خیلی راحت‌تر از احساساتشان می‌گویند و حتی به جنبه‌های تاریک‌تر زندگی هم سرک می‌کشند. ترانه‌ها رک‌تر و بی‌پرده‌تر شده‌اند. اگر در پاپ دهه هفتاد یک ترانه درباره تنهایی بود، شاید فقط با کنایه و اشاره می‌گفت «دلم گرفته»؛ ولی الان خواننده‌ها با ظرافت و دیتیل‌های بیشتری حس دلتنگی‌شان را ابراز می‌کنند.

در سبک‌هایی مثل هیپ‌هاپ، این بی‌پروایی حتی بیشتر به چشم می‌آید. هیپ‌هاپ از همان روزهای اول حضورش در ایران، یک مسیر کاملاً متفاوت را دنبال کرد. بر خلاف پاپ که در گیر حس‌های لطیف و آرام بود، هیپ‌هاپ به فریادهای نسل جدید تبدیل شد. اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد، رپ فارسی راه خودش را پیدا کرد و تبدیل شد به صدای اعتراض. این سبک خیلی زود توانست طرفدارهای جوان پیدا کند، چون حرف‌هایی می‌زد که هیچ سبک دیگری نمی‌توانست به این راحتی بگوید.

هیپ‌هاپ ایران با ترکیب موسیقی الکترونیک و ریتم‌های سنگین، عملاً یک دنیای جدید ساخت. موضوعاتی که در ترانه‌های رپ مطرح می‌شود، از دغدغه‌های اجتماعی گرفته تا روابط شخصی و انتقادهای تندوتیز، نشان می‌دهد که این سبک چقدر از پاپ کلاسیک آن سال‌ها متفاوت است. مثلاً اگر در پاپ دهه هفتاد کسی از عشق خیابانی حرف می‌زد، حتماً یک حاشیه امن در شعرش می‌پیدا می‌کرد که به کسی برنخورد. ولی در رپ، خواننده خیلی راحت از خیابان، فقر، خشم و... می‌گوید.

یکی دیگر از تفاوت‌های بزرگ موسیقی امروز ایران با پاپ بعد از انقلاب، نقش تکنولوژی و فضای مجازی است. آن موقع انتشار یک آهنگ یک ماجرای سخت و زمان‌بر بود. خواننده‌ها باید از هزار تا فیلتر رد می‌شدند تا بتوانند صدایشان را به گوش مردم برسانند. اما امروز هر کسی می‌تواند در اتاق خودش یک آهنگ ضبط کند و با چند کلیک، آن را منتشر کند. این دموکراتیزه شدن موسیقی باعث شده که تنوع سبک‌ها خیلی بیشتر شود. البته این راحتی در انتشار، از یک طرف دیگرهم باعث شده که گاهی کیفیت کارها پایین بیاید و بعضی وقت‌ها، موسیقی‌های سطحی و بدون عمق، بیشتر از کارهای جدی شنیده شود.

یک موضوع دیگر که نباید از آن گذشت، تأثیر مد و ترندهای جهانی روی موسیقی امروز ایران است. در دهه هفتاد، خیلی از آهنگ‌ها یک هویت مشخص ایرانی داشتند؛ حتی اگر با سازهای غربی تنظیم می‌شدند، باز هم ردپایی از موسیقی سنتی یا پاپ خاص ایرانی در آن‌ها دیده می‌شد. ولی الان، خیلی از آهنگ‌ها تقریباً شبیه به آثار جهانی‌اند و اگر فارسی بودن ترانه‌ها را فاکتور بگیریم، شاید سخت بشود تشخیص داد که این آهنگ متعلق به موسیقی ایران است یا خیر. این قضیه به‌خصوص در هیپ‌هاپ و موسیقی تلفیقی بیشتر به چشم می‌آید.

در نهایت، اگر بخواهیم این تفاوت‌ها را در یک جمله خلاصه کنیم، باید بگوییم که پاپ ایران از یک موسیقی محتاط و معصوم، به یک سبک رنگارنگ و بی‌پرده تبدیل شده. از طرف دیگر، هیپ‌هاپ مثل یک آینه، همه جنبه‌های جامعه را، به خوبی نشان می‌دهد. شاید این تحول برای خیلی‌ها عجیب یا حتی ناخوشایند باشد، ولی یک چیز مسلم است؛ موسیقی امروز ایران، آینه واقعی‌تری از زندگی آدم‌هاست.

اخبار هفتگی

ولنتاین خونین در باکس آفیس

در گوشه و کنار دنیای سینما چه می‌گذرد؟

کیوان حسینیان | هرچند در روزهای گذشته بیشتر اخبار و حواشی مربوط بود به دو رویداد رسانه‌ای و غیرسینمایی (مراسم گرمی و مسابقه سوپرباول)، رقابت‌های فصل جوایز هم تحت تأثیر چند رویداد مهم قرار گرفت و از پروژه‌های بزرگ استودیوهای هالیوودی برای تابستان امسال رونمایی کردند.

بر خلاف تصور، در هفته‌ای که منتهی می‌شود به روز ولنتاین، به جای آثار عاشقانه و رمانتیک همچنان گیشه در تسخیر ژانر وحشت و فیلم‌های اکشن قرار دارد. بعد از کرد به تکرار روزهای طلایی این فرنچایز. اگر کریستوفر نولان و «ادیسه» را کنار بگذاریم، این روزها سینماگران جوانی که کار خود را با فیلم‌های مستقل و متفاوت کمپانی A۲۴ شروع کردند، در کانون توجه قرار دارند. رابرت اگرز بعد از موفقیت «نوسفراتو» در گیشه و تحسین مارتین اسکورسیزی که کار او را شگفت‌انگیز خوانده بود، با دست بازتر به سراغ پروژه بعدی‌اش می‌شود؛ وروفک (گرگینه) باز هم یک فیلم ترسناک خواهد بود که داستانش در قرن سیزدهم میلادی می‌گذرد و قرار است از نظر زبان روایت و جنبه‌های نمایشی نیز به همان دوره زمانی وفادار باشد (مشابه کاری که قبلا در «نورتمن» انجام داده بود). آری استر هم احتمالا با فیلم بعدی‌اش، «اد بنگتون»، در جشنواره کن حاضر خواهد بود. در این فیلم که به‌عنوان یک تریلر وسترن معرفی شده، واکین فینیکس، اما استون، پدرو پاسکال و آستین باتلر ایفای نقش می‌کنند و بعد از سه فیلم تحسین‌شده، اولین حضور استر در یک جشنواره معتبر سینمایی است.

صحبت از جشنواره کن شد، باید اشاره کرد که امثال ریاست هیات داوران را ژولیت بینوش بازیگر مشهور فرانسوی بر عهده دارد و برای اولین بار شاهد هستیم که دو فیلم اصلی نزدیک‌تر شویم. گرچه به طور می‌رسد؛ روندی که طی سال‌های اخیر در هر سه جشنواره مطرح اروپایی (کن، ونیز و برلین) پررنگ‌تر شده است. سال گذشته گرتا گرویگ ریاست هیات داوران را بر عهده داشت و انتخاب‌های جشنواره با سلیقه که طرفداران فیلم‌های ابرقهرمانی را امیدوار منتقدان نیز تاحدود زیادی هم‌راستا بود. فیلم‌های فصل جوایز هم به هفته‌های پایانی خود رسیده و فاصله مدعیان اصلی از همیشه کمتر شده است. دو رویداد مهم در روزهای گذشته تا حدود زیادی وضعیت نهایی را آشکار کرده است. اول باید به برگزاری مراسم سالیانه برگزیدگان انجمن منتقدان (Critics' Choice Awards) اشاره کنیم؛ جایزه بهترین فیلم به «آنورا» رسید و ترکیب برندگان جوایز بازیگری گلدن گلوب (ادرین برودی، دمی مور، کریس کالکلین و زوئی سالدانا) تکرار شد. نکته قابل توجه جوایز جدیگانه فیلم‌های «سابستنس»، «خبیث»، «امیلیا پرز» و «چلنجرز» (در دو رشته تدوین و موسیقی متن) بود که شرایط را به نفع این فیلم‌ها تغییر می‌دهد. این هفته هم مراسم انجمن کارگردانان آمریکا برگزار شد که جایزه بهترین کارگردانی را به نام بیکر دادند. با این حساب به نظر می‌رسد که بیکر مدعی اصلی اسکار بهترین کارگردانی خواهد بود اما «امیلیا پرز» (با شانس نامزدی در سه رشته بهترین فیلم بین‌المللی، بهترین بازیگر زن مکمل و بهترین ترانه) و «بروتالیست» با شانس بالای کسب جایزه بهترین بازیگر مرد و بهترین فیلمنامه اریزینال، رقبای خطرناکی به شمار می‌آیند. بسا توجه به حواشی پیش‌آمده برای «امیلیا پرز»، رقابت اصلی را باید بین «آنورا» و «بروتالیست» دانست. بعد از جایزه انجمن کارگردانان، انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا هم «آنورا» را به‌عنوان بهترین فیلم سال انتخاب کردند تا کمدی جسورانه شان بیکر به رکوردی زوئی سالدانا (که شانس اصلی کسب جایزه بهترین بازیگر زن مکمل به حساب می‌آید) بیانش به مکزیکی‌ها شباهت دارد.

اما فراتر از بازتاب فرهنگ مکزیکی‌ها و کیفیت لهجه بازیگران، خیلی از منتقدان و تماشاگران خشمگین «امیلیا پرز» را دست‌گل دیگری از موج ووک می‌دانند که باعث شده تا آرمان‌ها و جنبه‌های فرامنتی فیلم نسبت به سینما اولویت پیدا کند و به سیزده نامزدی در اسکار منجر شود. مقایسه صحنه‌هایی از «امیلیا پرز» با «تلماسه: قسمت دوم»، که اولی در تمامی رشته‌ها شانس دوم و دومی در رشته‌های اصلی مورد توجه قرار نگرفته، یکی از میم‌های پرطرفدار میان کاربران شبکه‌های اجتماعی پس از معرفی نامزدهای اسکار بوده است.

اما بحران اصلی با شخم زدن زندگی شخصی کارل ا سوفیا گاسکون رقم خورد و با مرور عقاید او در گذشته، معلوم شد که بنا به تعاریف گردانندگان موج ووک، خانم گاسکون یک فاشیست و نژادپرست دوآتشه است که با رهاشدن به سیاه‌پوستان، مسلمانان و... ابراز نفرت کرده! رسانه‌ها شدن این ماجرا، وضعیتی را برای بازیگر تراجنسی نامزد اسکار به وجود آورده که در سال‌های گذشته به بایکوت خیلی از ستارگان سرشناس منجر شده بود. اما مسئله اینجاست که درست مانند شخصیت متناقض امیلیا پرز، شرایط برای خانم گاسکون کاملا تناقض‌آمیز شده؛ بازیگری که به دلیل گذشته و شرایط زندگی شخصی‌اش می‌تواند نمادی جهانی همه‌جانبه برای سیاست‌های دوران ووک باشد، عملا خودش نقطه مقابل چنین باورهایی قرار دارد و گزینه‌ای بالقوه برای کنسل شدن به حساب می‌آید.

تا الان که کارل ا سوفیا گاسکون صفحه‌اش در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) را بسته و اعلام کرده که عقاید غیرقابل دفاعش مربوط به گذشته بوده و او به آدم بهتری تبدیل شده است. در حالی که حتی زوئی سالدانا هم به جای حمایت، از همبازی‌اش فیلم از کشورشان را مغرضانه و کلیشه‌ای خواندند. ژاک اودیار هم در جواب اعلام کرد که به اندازه کافی از فرهنگ مکزیک نداشته، نتقلیکس هم تاکید دارد که به چنین انتقادهایی اهمیت ننهد! این جنبه از اعتراضات لاتین‌ها حتی نحوه استفاده از زبان اسپانیایی در فیلم را هم شامل می‌شود چون نه سلنا گومز (با وجود تبار اسپانیایی) لهجه‌اش در فیلم درست‌وحسابی است و نه تاریخی برای کسب خلق طلا و اسکار در یک سال نزدیک‌تر شود.

از همان زمانی که ساخته جدید ژاک اودیار در جشنواره کن به نمایش درآمد، جنجال و حواشی پیرامون این فیلم شروع شد. علاوه بر اینکه خود اودیار از سوی هیات داوران برگزیده شد، جایزه بهترین بازیگر زن هم به گروه بازیگران فیلم تعلق گرفت که خیلی‌ها اعتقاد داشتند این راهکاری بوده تا ضمن تقدیر از کارل ا سوفیا گاسکون (به‌عنوان اولین بازیگر تراجنسی که برنده جایزه معتبر بازیگری می‌شود)، جلوی حرف و حدیث‌های احتمالی پیرامون جایزه راهم بگیرند. در هر صورت موفقیت این فیلم فرانسوی در فصل جوایز هم ادامه پیدا کرد و بدون شک کمپین تبلیغاتی قدرتمند نتفلیکس هم در جلب توجهات نسبت به این فیلم موزیکال عجیب و غریب بی‌تاثیر نبود. در مقابل کسب جوایز متعدد در جشن سینمای اروپا و گلدن گلوب و رکورد غیرمنتظره سیزده نامزدی اسکار، واکنش‌های منفی به فیلم هم شدت گرفت. در درجه اول، مکزیکی‌ها نسبت به «امیلیا پرز» واکنش منفی نشان دادند و تصویر فیلم از کشورشان را مغرضانه و کلیشه‌ای خواندند. ژاک اودیار هم در جواب اعلام کرد که به اندازه کافی از فرهنگ مکزیک نداشته، نتفلیکس به کار خود که به چنین انتقادهایی اهمیت ننهد! این جنبه از اعتراضات لاتین‌ها حتی نحوه استفاده از زبان اسپانیایی در فیلم را هم شامل می‌شود چون نه سلنا گومز (با وجود تبار اسپانیایی) لهجه‌اش در فیلم درست‌وحسابی است و نه

عامه‌پسند
کسری ولایی

ترجمه احساسات متناقض به زبان سینما

هفته سیصدویکم: درباره تجربیات سینمایی متفاوت در دو فیلم «پنج سپتامبر» و «دختری با سوزن»

قهوه و آسپیرین کافی نیست

سال ۱۹۷۲، تیم خبری شبکه آی‌بی‌سی مشغول پوشش بازی‌های المپیک در مونیخ هستند که ناخواسته از عملیات گروگان‌گیری در حاشیه مسابقات باخبر می‌شوند و تصمیم می‌گیرند تا ساعت‌ها بر خلاف رویه کاری خود، این واقعه را گزارش کنند. تصمیمی که باعث شد یکی از مهم‌ترین رویدادهای رسانه‌ای قرن بیستم رقم بخورد و به‌واسطه بازتاب جهانی پوشش تلویزیونی، مناسبات سیاسی دنیا هم تغییر کند. تیم فیلمبازم در اولین فیلم آمریکایی خودش روی همین واقعه دست گذاشته و یکی از مهم‌ترین تجربیات سینمایی سال را به نام خودش ثبت کرده. فراتر از نمایش در جشنواره ونیز و تحسین منتقدان، دستاورد فیلمبازم رسیدن به جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اریزینال است که احتمالا درهای بیشتری را به رویش باز خواهد کرد.

در نگاه اول به نظر می‌رسد که شرایط فراهم است تا فیلم با فرصت‌طلبی از موج‌های سیاسی و رسانه‌ای سواری بگیرد اما «۵ سپتامبر» مسیر متفاوتی را می‌رود و به یک تجربه اصیل در قالب تریلر نزدیک می‌شود؛ به جای روایت مستقیم واقعه‌ای پرتنش، با واکنش راویان به حادثه سروکار داریم که می‌خواهند کاری فراتر از وظیفه انجام دهند و با تکیه به قدرت رسانه، روی دنیای بیرونی تاثیر بگذارند. دقیقا مانند تلاش خبرنگاران ورزشی آی‌بی‌سی، کلیت فیلم هم از درایی‌های حداقلی خودش به حداکثر بهره‌وری می‌رسد؛ از اجرای تک‌تک بازیگران گرفته که حضور خود را به چیزی فراتر از قطعات یک پازل مکانیکی تبدیل کردهاند تا بازسازی اتمسفر و مکانیزم‌های آنالوگ آن دوران که با وسواس در تدوین و مدیریت هنری به دست آمده است.

اتفاقا چیزی که «۵ سپتامبر» را محدود نگه داشته، فقدان خوانش یا تحلیلی است که فراتر از بافتار تاریخی، تجربه سینمایی فیلم را به شر

پروفایل

کسی که تهران را تعطیل می کند

آنچه باید در مورد استاندار پایتخت بدانیم

شامگاه جمعه تهرانی‌ها متوجه شدند روز شنبه ادارات و بانک‌ها تعطیل است و مدارس هم باید به طور غیرحضوری فعالیت کنند. این در حالی است که روز یکشنبه برف نسبتا سنگینی در تهران بارید ولی پایتخت تعطیل نشد. این بود که خیلی‌ها به نحوه مدیریت بحران در مرکز کشور انتقاد وارد کردند. البته برخی‌ها هم بودند که توضیح دادند در صورتی که تهران روز یکشنبه تعطیل می‌شد، اهالی پایتخت به مسافرت می‌رفتند و آن وقت وضعیت برای مدیران استان‌هایی مثل گیلان یا مازندران سخت‌تر می‌شد.

با این مقدمه ببینیم که اساسا مدیریت تهران، به دست چه کسی است یا به عبارت ساده‌تر استاندار این روزهای تهران کیست؟

۱. نام استاندار تهران محمدصادق معتمدیان است. او متولد سال ۱۳۴۹ در کرمانشاه است.

۲. از سابقه آقای معتمدیان اطلاعات دقیقی در کار نیست. برخی می گویند به خاطر اینکه آقای معتمدیان عمر خود را در فعالیت‌های امنیتی گذاشته است. در یک مطلب در خبرگزاری آنا وابسته به دانشگاه آزاد که حالا دیگر در دسترس نیست؛ او را به عنوان مدیر کل اطلاعات استان آذربایجان غربی معرفی کرده است.

۳. آنچه از او می‌دانیم این است که در حوزه تحصیلات دانشگاهی مدرک کارشناسی اقتصاد و کارشناس ارشد مدیریت خود را از دانشگاه ارومیه گرفته است.

۴. پس از آن وارد سیستم اجرایی کشور شده و از سال ۱۳۷۹ در سطح مدیر کل و معاون دستگاه‌های مختلف فعالیت کرده است. کانون فعالیت او در غرب ایران و به طور مشخص استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام بوده است. خبرگزاری ایرنا که معتمدیان را مدرس دانشگاه و کارشناس و پژوهشگر مسائل قومی، منطقه‌ای و توسعه‌ای نیز معرفی کرده است؛ می گوید او عضو شورای توسعه و امنیت پایدار شرق و غرب کشور و رئیس شورای سیاست‌گذاری موسسات آموزشی ـ پژوهشی در شمال غرب کشور هم بوده است.

۵. از سال ۱۳۹۷ یعنی در دولت حسن روحانی، آقای معتمدیان توانست خود را به سطح استاندار برساند و برای نخستین بار از آذر ۱۳۹۷ تا مهر ۱۳۹۹ استاندار خراسان جنوبی شد. این مسئولیت از مهر ۱۳۹۹ به مدت یک سال در حوزه استان خراسان رضوی به عهده او گذاشته شد و از سال ۱۴۰۰ و در دولت سید ابراهیم رئیسی به عنوان استاندار آذربایجان غربی انتخاب شد.

۶. جالب است بدانید که کمی بعد از انتصاب معتمدیان به عنوان استاندار، او جانشین عیسی کلانتری هم شده و دبیری کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه را به‌عهده می گیرد.

۷. آقای معتمدیان از آبان سال ۱۴۰۳ به عنوان استاندار تهران انتخاب شده است و در یکی از نخستین برنامه‌هایی که به تلویزیون آمد، در کنار موضوعاتی مثل رفع ناترازی انرژی یا بحث مسکن به مسئله‌ای اشاره کرد که در این سه ماه یکی از دغدغه‌های اساسی او بوده و آن هم کنترل تعداد اتباع غیرمجازی بوده که در استان تهران زندگی می کنند. معتمدیان اخیرا در مصاحبه‌ای مجددا در این زمینه صحبت کرده بود و لحن صحبت‌هایش به شدت تندتر بود و مشخص بود که برای اجرای برنامه‌های خود با مشکلاتی روبرو شده است. این بخش از صحبت‌های معتمدیان را برای پایان این پروفایل بخوانید: «در حال حاضر شاهد حضور تعداد زیادی از اتباع غیرمجاز در استان تهران هستیم. این افراد بدون اخذ مجوز و مدارک قانونی از مرزها عبور کرده و در شهرهای کشور حضور دارند. این امر نه‌تنها فرصت‌های شغلی را از جوانان سلب کرده بلکه سرانه تحمیلی برای ما ایجاد می کند و از نظر امنیتی نیز قابل قبول نیست. هیچ کشوری در دنیا حاضر نیست شرایط مشابهی را بپذیرد. سایر کشورها نیز در خصوص اتباع غیرمجاز برخوردهای جدی دارند و افرادی که به صورت غیرقانونی در آنها حضور دارند، در زندان‌ها نگهداری می‌شوند. در استان تهران به طور جدی با حضور اتباع غیرمجاز برخورد می‌شود. ضابطین ما، از جمله فراجا، در هر نقطه‌ای که این افراد را شناسایی کنند، آن‌ها را دستگیر کرده و به اردوگاه‌های مخصوص منتقل می کنند تا مراحل قانونی برای بازگشت‌شان به کشورشان طی شود. در سال جاری، ۲۵۱ هزار نفر از اتباع غیرمجاز دستگیر شدند که ۱۱۰ هزار نفر از آن‌ها به کشورشان بازگردانده شدند. همچنین، ۱۰۰ هزار نفر به صورت داوطلبانه از طریق مرکز بازگشت اتباع ثبت‌نام کرده و به کشورشان بازگشتند. برخورد قانونی با افرادی که در انتقال این افراد دخیل هستند، در دستور کار قرار دارد و هیچ‌گونه مماشاتی در این زمینه نخواهیم داشت.»

قاب

مرتضی کلیلی

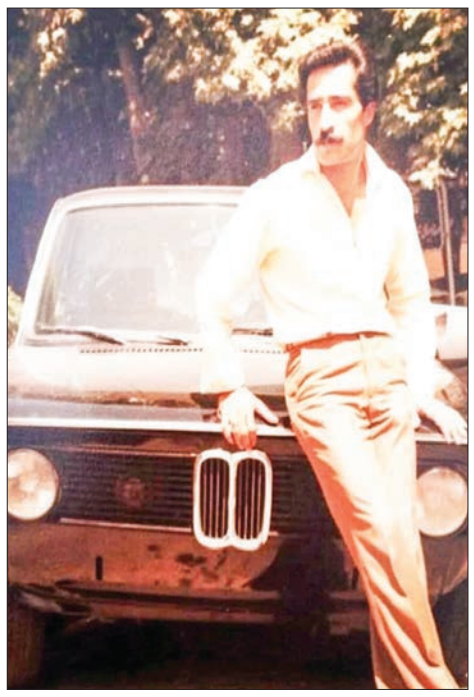

قاب نوستالژی ۲
وقتی قیمت دلار ۱۴۰۰ تومان بود. زمستان ۱۳۹۰(از صفحه علی ملیحی)

قاب نوستالژی ۳
عکس یادگاری با ب.ام.و ۲۰۰۲ مشکی فابریک- سال ۱۳۵۴؛ شرکت سهامی وهاب‌زاده در دهه ۵۰شمسی نمونه ۲۰۰۲ را که برای قشر جوان جذابیت داشت، وارد کرد و اولین ب.ام.و ۲۰۰۲ در اولین سال ورود خود به ایران، ۶۰ هزار تومان فروخته شد. در اواسط دهه ۵۰ اما قیمت آن به ۱۱۰ هزار تومان رسید. رنگ فابریک مشکی آن به نسبت رنگ‌های دیگر کمتر بود .(عکس از کلاسیک کار)

قاب تاریخ
کنوانسیون بین‌المللی رامسر - بهمن ۱۳۴۹؛ کنوانسیون رامسر در این شهر با حضور هیات‌های شرکت‌کننده دیپلماتیک از آمریکا و انگلیس و چندین کشور دیگر امضا شد. اگرچه آمریکا به عضویت آن در نیامد اما از آن حمایت کرد. اسکندر فیروز یکی از چهره‌های برجسته این کنوانسیون بود. کنوانسیون رامسر، کنوانسیون حفاظت از تالاب‌های مهم بین‌المللی به ویژه زیستگاه پرندگان آبزی نامیده می‌شود / انتخاب

قاب نوستالژی ۱
در حاشیه انقلاب ۵۷. عکس از احمد کاووسیان

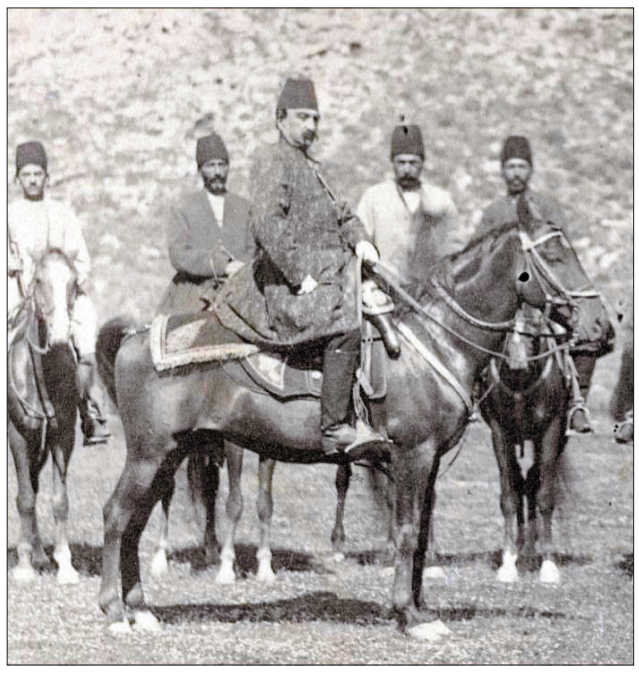

قاب مشاهیر
۱۳۸ سال پیش ناصرالدین‌شاه سوار بر اسب در چمن شهرستانک - سال ۱۳۰۴.ق

سلامت

نارنگی و پرتقال می‌توانند مانع چاقی شوند؟

باشگاه خبرنگاران جوان نوشت: همه ما می‌دانیم که خوردن میوه‌ها به‌طور کلی برای سلامتی مفید است. میوه‌ها سرشار از ویتامین‌ها، مواد معدنی و فیبر هستند که به بهبود عملکرد بدن کمک می کنند. می‌توانند به تقویت سیستم ایمنی، بهبود هضم و حتی افزایش انرژی کمک کنند. همچنین، میوه‌ها می‌توانند به حفظ وزن سالم و کاهش خطر بیماری‌های مزمن کمک کنند.

دانشمندان دانشگاه غربی انتاریو در کانادا دریافته‌اند که ماده نوبیلتین که در پرتقال و نارنگی یافت می‌شود، می‌تواند تا حدودی مانع افزایش وزن شود و و خطر ابتلا به دیابت و بیماری‌های قلبی- عروقی را در موش کاهش دهد. در طول آزمایش، جوندگان به دو گروه تقسیم شدند و سپس برای افزایش چربی، رژیم غذایی پرکالری گرفتند. به یک گروه از موش‌ها نوبیلتین، یک فلاونوئید طبیعی که عمدتاً در پوست مرکبات یافت می‌شود، در طول مداخله غذایی داده شد. به گفته دانشمندان، نتایج قابل توجه بود؛ با وجود رژیم غذایی مشابه، جوندگانی که نوبیلتین دریافت کردند، لاغر باقی ماندند. آن‌ها همچنین سطح چربی خون پایین‌تری داشتند و حساسیت به انسولین را افزایش دادند.

وقتی این ماده به حیواناتی که قبلاً از چاقی رنج می‌بردند، داده شد؛ وضعیت آنها نیز بهبود یافت. به طور خاص، میزان پلاک‌های چربی در شریان‌ها کاهش یافت که خطر حمله قلبی و سکته را کاهش داد.

چرا تیک عصبی می گیریم؟

تیک‌ها حرکات یا صداهای ناگهانی و غیرارادی هستند که به دلیل ماهیت تکراری خود می‌توانند غافلگیرکننده باشند. اما دلیل بروز آنها چیست و وقتی تیک‌ها ظاهر می‌شوند در مغز ما چه اتفاقی می‌افتد؟ تیک‌ها از اختلالات عملکرد مدارهای مغز به ویژه آنهایی که شامل عقده‌های قاعده‌ای یا گانگلیون‌های پایه (Basal ganglia)، یک منطقه کلیدی برای هماهنگی حرکات، نشات می گیرند. حساسیت یا عدم تعادل در آزادسازی انتقال‌دهنده‌های عصبی مانند دوپامین نیز نقش مهمی ایفا می کند. علاوه بر عوامل عصبی، عناصر ژنتیکی و محیطی نیز در ظاهر شدن آنها نقش دارند. به گزارش یورونیوز، مطالعات نشان داده‌اند که تیک‌ها اغلب با استرس، اضطراب یا خستگی بدتر می‌شوند. این حالت‌ها باعث افزایش فعالیت در مدارهای مغزی مربوطه می‌شود و تیک‌ها را بیشتر می کند. برعکس، دوره‌های آرامش و تمدد اعصاب باعث کاهش شدت آنها می‌شود. در برخی از بیماران، درمان‌هایی مانند رفتار درمانی، آرام‌سازی یا در موارد شدیدتر دارو می‌تواند به محدود کردن تأثیر تیک‌ها بر زندگی روزمره کمک کند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

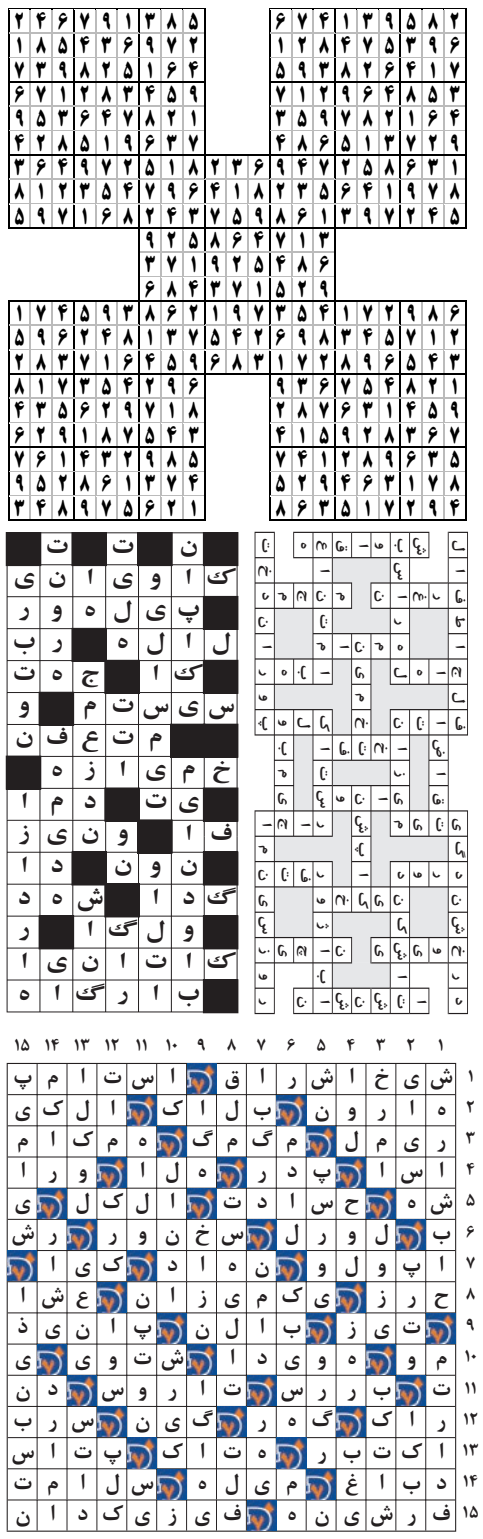

لغت‌یابی

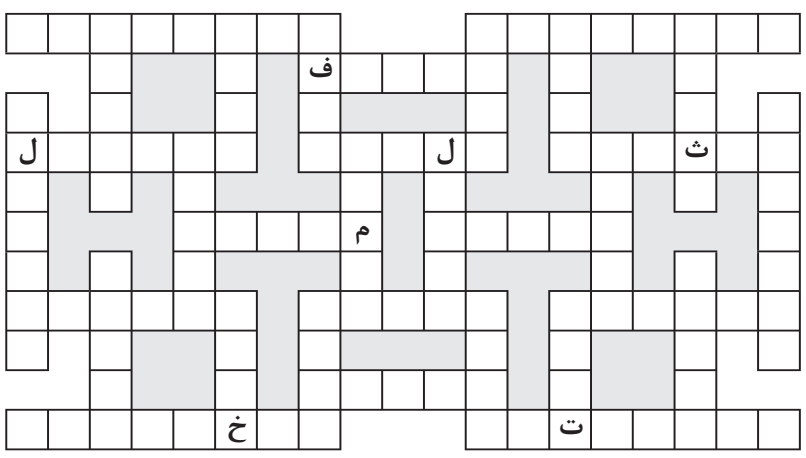

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: رانش، رحمت، زاری، زکام، سفره، سمنت، شاغل، کلوخ
۵ حرفی: الزام، برملا، تلمبه، تندخو، رهیدن، زنهار، سمیرا، لتیان، متخلف
۶ حرفی: پرینتر، جرثقیل، کورمال، متمایل
۷ حرفی: مردود، نجاری، وراثت، هیراد، یونیت
۸ حرفی: دادگستری، دیوان شمس، سازمخالف، شیخ بهایی
پل انزلی، خجسته پی

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

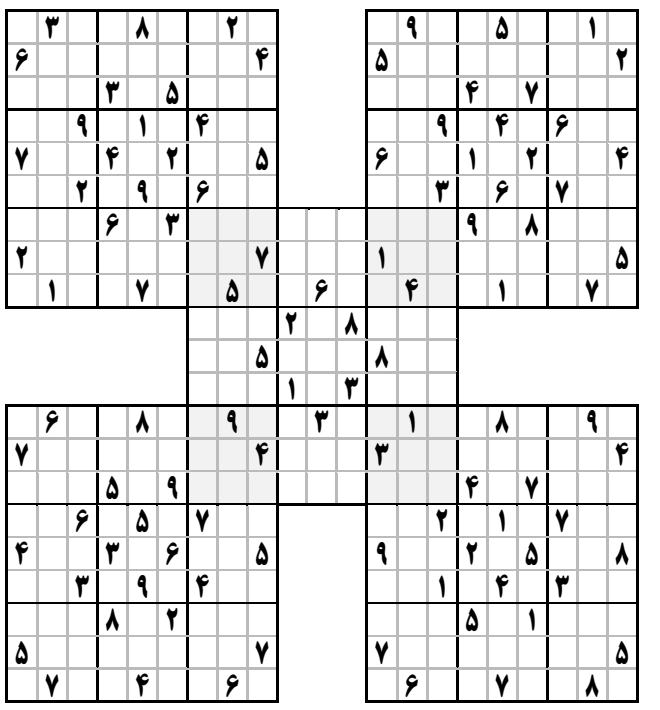

جدول شرح در متن

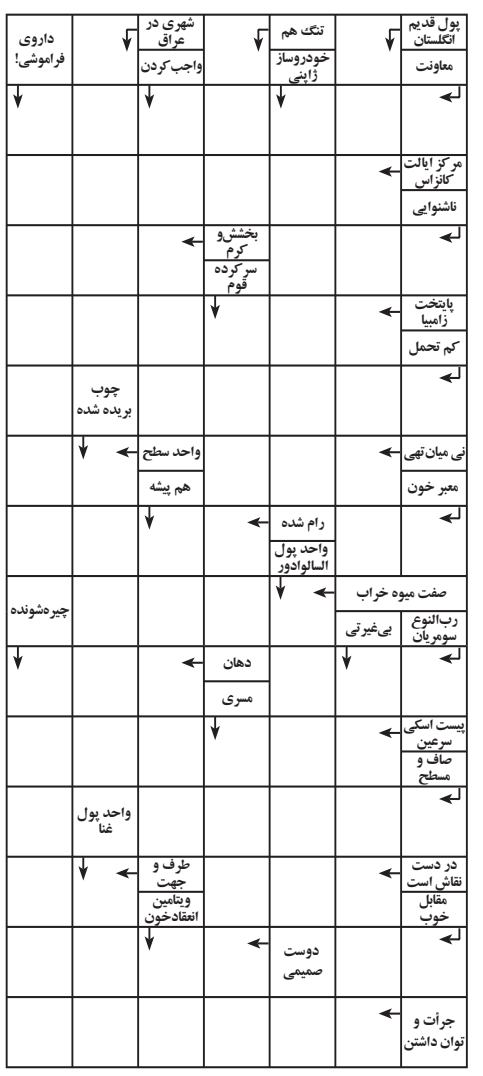

جدول کلمات متقاطع

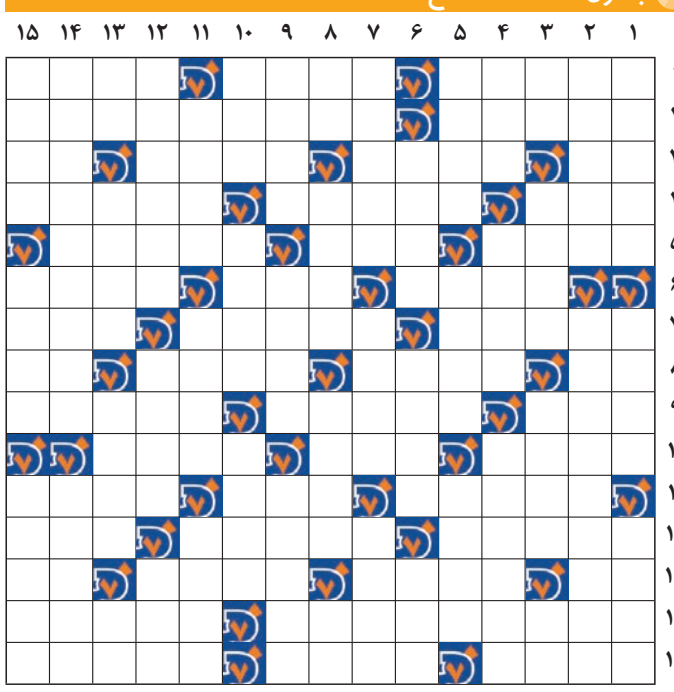

افقی

۱- درست کردن- قوس- نژاد آلمانی‌ها
۲- تیر پیکان دار- ششمین شهر پرجمعیت ایالات متحده آمریکا
۳- سرآغاز آبادانی- نوبت کاری- دختر مازندرانی- برجستگی لاستیک
۴- نکوهش و سرکوفت- منزل ها- کشوری در اروپا
۵- مقابل کندی- جانب- برانگیختن
۶- آشکار- همان دارو است- باد خنک
۷- از شیوه‌های معماری ایرانی- تلخی- عدد زوج یک رقمی
۸- از سبک‌های موسیقی- پیامبری در کام ماهی- گرو گذارنده- محل ورود
۹- از وسایل اعدام- در حال شیون- ماه شب اول
۱۰- تاکنون- بریدن و جدا کردن- پادشاه سلجوقی
۱۱- توطئه پنهانی- رو دست خوردن- خطاکار
۱۲- نظریهٔ علمی اثبات‌نشده- دستور دادن- سخن ناگفتنی
۱۳- چاشنی سالاد- نامه را داخل آن می‌گذارند- کله‌پز- شمردن
۱۴- مخترع رادار- معالجه کردن
۱۵- دستکاری روی عکس- پیشوا و امام- راضی و خوشحال

عمودی

۱- استان- پوشش و ستر- برشته کن
۲- دست را با آن می شویند- زائده‌ای کوچک و انگشتی‌شکل است که از روده بزرگ منشعب می‌شود
۳- بی حس- دوراندیش- پایتخت دومینیکا- می‌دهند تا رسوا کنند
۴- زمین آماده کشت- نوعی رنگ بنفش- زیر پیراهن
۵- بزرگ و جادار- شتر تندرو- متحرک
۶- یک درصد کل وزن بدن را تشکیل می‌دهد- شتر ماده- آلونک
۷- جانوری درنده و مرده خوار و قوی جثه شبیه سگ- چیره شده- خسته
۸- نت سوم موسیقی- چهارچوب- معروفتر- غرور و تکبر
۹- کند زبان- آرنج- رنجبر و زحمتکش
۱۰- لوله تنفسی- ستاره- بالای چشم
۱۱- رودی در عراق- گمان بد بردن- بلند و مرتفع
۱۲- محافظ قرص کپسول- باطل کننده- درخت کنار
۱۳- طاقچه بالا- وزیر افراسیاب- نخستین عدد چهاررقمی- حرف S
۱۴- وساطت کردن- یک بیماری واگیردار
۱۵- نجات یافته- قطار زیرزمینی- پسرخسرو انوشیروان